

عنديك





عبداللیب

نشریه محل روحا نی ملی بهاییان کانادا از زبان فارسی



شماره بیست و سوم «من»
No. 23

سال ششم
Volume VI

۱۴۴ شنبه بیان

تابستان ۱۳۶۶ شمسی

Summer 1987

Andalib

7200 Leslie St., Thornhill, Ont. L3T 6L8

Canada

«حق چاپ محفوظ است»

فهرست مُنْدَرِ حَاجَات

صفحه

- ٣ - لوح مبارک جمال قدم جل اسمه‌الاعظم
- ٤ - لوح مبارک حضرت مولی‌الوری جل ثنائه
- ٧ - پیام منیع معهد اعلیٰ خطاب بیاران مهدام‌الله در جمیع بلاد
- ١٢ - ترجمه پیام منیع بیت‌العدل اعظم الهی مورخ ۳۱ آگسٰٹ ۱۹۸۷
- ١٥ - نامه واصله از مهد امرالله
- ١٦ - لغت فصحی و لغت نوراء
- ٢٤ - خدمت امرالله
- ٢٨ - اعلان مؤسسه مطبوعاتی هندوستان
- ٢٩ - تاریخ زرین شهادت: ۱) شرح حال و شهادت جناب جمال کاشانی
- ٣١ - شرح حال و شهادت جناب فریدون فریدانی
- ٣٣ - نامه یکی از عزیزان زندانی
- ٣٣ - قسمتی از توقيع مبارک حضرت ولی‌امرالله
- ٣٤ - صلح
- ٣٦ - توجه به زبان فارسی
- ٤٠ - شعر از جناب عندلیب
- ٤٢ - یادی از گذشتگان: ۱) امّة‌الله لورا کلیفورد دریفوس بارنی
- ٤٩ - شعر از شهید مجید جناب اوچی
- ٥٠ - یادی از گذشتگان: ۲) میرزا سیاوش سفیدوش
- ٥٣ - قسمت جوانان: سروشی از خروش جوانی
- ٥٦ - کنفرانس بین‌المللی جوانان بهائی در لندن اونتاریو (کانادا)
- ٥٧ - راه پیمایی جوانان بمنظور بزرگداشت صلح
- ٥٩ - ترن صلح
- ٦١ - مسافرت تاریخی ایادی عزیز امرالله جناب ویلیام سیرز
- ٦٢ - نبذه‌ای از نظریات بازدید کنندگان مشرق‌الاذکار شبہ قاره هند
- ٦٤ - اطلاعیه مؤسسه معارف بهائی به لسان فارسی
- ٦٥ - گزارش نقشه هفت ساله
- ٦٨ - اخبار و بشارات امریه
- ٧٢ - سخنی با خوانندگان عزیز و نویسنندگان ارجمند
- ٨٠ - نامه‌هایی از دوستان

عکسها: - عکس روی جلد: ایادی امرالله جناب ویلیام سیرز در بین نونهالان - عکس پشت جلد و داخل پشت جلد: عکس‌های تاریخی مربوط به اطلاعیه صفحه ۵۲.

بنام دوست یکتا

ای اهل حق انشا، بهه در این روز فیرود که فی الحجۃ سید روز است بعثت
لهمت و فیوضات الطاف ربانیه مسرور خرم باشید غردوست شمن است
از او بگریزید و غیر از نیار مار است ازا و فرار نماید کرده همای کین در کمین و ثعبان های حسد
در انتظار بسم عطش خود را خط نماید و بکمال قدرت و اقدار خلیه شوید
قسم باهتماب افق ارم که اگر نفسی ہمینان کامل باشد برگل فایق شود آهاب
جو و موجود و سحاب کرم مشود سنیکو کیکه بانوار آن فائز گشت و مبارک نفسیکه از
فیوضات این محروم نماند امر فور روز ذکر و بیانست نه روز خاموشی و روز جهد و
کوشش است نه هنگام دقوف و کاهی پس باعانت دوست یکتا آهنج شهر
باقي و عالم جاو دانی نماید بجهت آید و از شرار مر ترسید و بکمال رافت و
رحمت عباد را بستر مالک یوم معاد دعوت کنید که شاید از این نیم جانش
بحرکت آیند.



هُوَ اللَّهُ

ای نجوم باز غم افق مجتَه لَهُ ای حکم رَبِّنَا تو شمس حقیقت در خاور و جنَّتَه در خشده اید
و چون سرچ نور اینه در انجمن عالم روشن و تابنده از رشحات صحاب فیض ابدی ماندگل دریجان
پر طراوت و اطافتید و از فوضات نور حقیقت ماند خسار مده رویان پر حلاوت و ملاحت
در لوح مخطوط امکان آیات با همراه اید و در رق نشور لامکان بیانات زا همراه مطابر آثار تو حمید
و مطابع انوار تفرید جمیع از فیض ابدی آن نور مین با همراه نصیبید و ماند آئینه صافی افیض
آهتاب جهان آنی روشن مهیسر پس بجان و دل بکوشید و عی بلیغ مبدول دارید که روز بروز
آئینه دلها جهان افزودگرد و انوار حق تباد و جهان آفرینش آرایش تازه ماید ای اجتای آنی
آن مرتبی یزدانی جمیع مارا به تربیت آنی پرورش داد و تعالیم آسمانی تعلیم کرد تا هر کیم بشایعی
محفل عالم شاهد انجمن گردیم و با نوار انقطاع و انجذاب و عرفان و مجتَه یزدان مرنی شویم و سبب
نور اینست این جهان طلبانی گردیم رایت تقدیس بر افزایم و نفحات قدس نشر کنیم جنود بخات
شویم و سبب حیات کائنات گردیم آن شجره مبارکه بر ماسایه افتد و آن عقایی مسر
احدیت ما را در ظل جناح خویش در آورد و بعنایت و موهبت زاید الوصف تربیت نمود

آیا سر اواره است که بعد از پرواز شش بجهان پنهان دمی آسایش و راحت جویم و یا سر برایین
سکون و استراحت گذارم لا ولله این سر اواره نیست ولا یقین بده و فادرنه بلکه مقصّنی آنست که
بلکه خود را فراموش کنیم و از راحت آسایش و رفاهیت ولذت و نعمت این جهان فانی پرم
پو شیم بلکه گرفتار او گردیم جانشانی کنیم و در قربانگاه عشق قربانی آرزوهایم و تانفس خیر
در سبیلیش گردند اسرار ارغل و نجیب میںیم و سیم تیغ و شمشیر کنیم تا از رو حانیان جهن
جاودان گردیم و افحمان خلوتگاه یزدان و چون آهست ارجحی الی ربّ راضیه مرضیه بگوش
رسد رقص کنان و پاکوبان و لف زنان و یا بشری لی یا بشری لی گویان خلوتگاه آن یار
محبه بان پروارهایم و عدیکم اتحده و لهشناه

ع ع



بُو الْأَكْرَطْ جَنْبَهُ مِيرَلَا رَضَا حَنْجَنْ عَلَيْهِ بَحْرَ الْأَكْرَ

بُو الْأَكْرَ

ام عَزَّ حَارَ خَاجَلَ دَرْمَدَهُ اِيزِهِ مَبْ سَطَرَ غَيْرَ تَلِيمَ دَرْهَهُ كُوْچَارَهَ
دَرْكَ شِيرَزِزْ خَوْخَارَهَ دَلْمَنْگَوْمَ خَوْشَرَ بَعْتَلِيمَ دَلْلَانْ خَوْشَرَ رَضَ
پِيشَ يَارَ مَحْسَهَ بَزَ دَوْفَ زَلَالَ كَنْدَ جَوْهَرَ صَفَاستَ دَرْوَحَ دَفَ بَارِچَونَ
آتَرْ عَشَقَ دَرْبَهِتَ قَبَ بَرْ كَفَونَهَ قَصَورَ فَسَورَ دَنْزَبَ دَرْبَ لَاهَيَ سَوْزَ
دَآزَنْتَ مَتَ حَوْمَتَ سَطَنْ مَحْبَتَ نَهَ بَلْكَنْتَ شَهَرَ يَعْشَرَ تَلَادَ زَفَصَنْ عَتَّيَ
گَيْشَرَكَسَتَ دَحْولَ آسَلِيرَ
اَنَّ رَبِّيَ كَرِيمَ كَرِيمَ .

ع ع



پیام منع معهَد اعلیٰ خطاب به

یاران و یاوران عزیزِ مصطفیٰ امرالله در جمیع بلاد

ای دوستان مهربان و ای همراهان سبیلِ محبۃ اللہ

عنایاتی که در این ایام از مصدر فضل و عطای جمال ابھی نصیب پیروان باوفایش گشته نه چندان است که از عهده شکرشن بدر آئیم. روزی نیست که از جهتی بشارتی نرسد و خبر فتح و ظفری گوش این مشتاقانرا ننوازد و باید هم چنین باشد زیرا عهد چهارم از عصر تکوین فرا رسیده و آثار رشد و نمای آیات پروردگار از هر طرف نمودار گشته است. آتش بلایا و شدائی که دست تقدیر در موطن جمال ابھی برافروخت، حجباتی را که وجه صبیح امرالله را مستور میداشت یکباره بسوخت و جمال بیمثالش را بر آشنا و بیگانه نمایان ساخت. بیانیه صلح که از مرکز جهانی خطاب به عالم انسانی صادر شد به ملوک و روساء وزراء و وكلاء و قضات و علماء و سایر طبقات تسلیم گردید و سبب شد که مقاصد روح بخش آئین یزدانی بر عده کثیری از اهل عالم معلوم و جامعیتش مشهود و جذابیت و خلاقیتش مکشوف گردد. این بیانیه که هم اکنون به هفتاد زبان ترجمه و بیش از یک میلیون نسخه از آن توزیع گشته اکثرا قبول عام یافته و خود سبب انتزاز قلوب یاران و تشویق ایشان در انتشار امرالله و اعلان کلمة الله گردیده و راههای جدیدی را در خدمت باستان الهی بر آنان گشوده است.

جهودات مستمره و بلاقطع ستایندگان اسم اعظم که اخیراً باز از جانبازی یاران ایران قوتی جدید و شدید یافته مغناطیس تأییدات ملء اعلیٰ شده و اصالت و جامعیت و عمومیت آئین بهائی را بر عالمیان مکشوف ساخته است. افزایش اقدامات دفتر نمایندگی بهائی در سازمان ملل متعدد و حضور مکرر شان در کنفرانس‌های بین‌المللی مربوط به صلح جهانی و تبعیضات نژادی و غیرها جنبه بین‌المللی امر مبارک را بیش از پیش ثابت و مبرهن نمود. هوشمندان جهان این امر نازنین را دیگر شعبه‌ای از ادیان سلف و منحصر بکشوری و قاره‌ای نمی‌شمارند بلکه میدانند که نطاوش جمیع ملل و دول جهان در شرق و غرب و جنوب و شمال و مقصد اعلیش تاسیس وحدت عالم انسانی است و محل خطابش جمیع مردم جهان از هر نژاد و رنگ و از هر سنت و فرهنگ.

ای دوستان مهربان هرچند سهم عزیزان ایران در بذل جان و مال و وقت و استعداد در این سیر ترقی و تعالیٰ امرالله بسیار عظیم است و در حد خود بینظیر و مثیل اما نباید فراموش نمود که قاطبه یاران در جمیع بلاد نیز بوده‌اند که با ترک خانه و خانمان و تأسیس امر حضرت یزدان در سراسر جهان از نقاط بعیده مدار قطبی گرفته تا مناطق حاره در افریقا و امریکای جنوبی و جزایر مهجوره او قیانوسیه کل واسطه فیض گشته و پرچم امرالله را برآورشت و بذر هدایت در قلوب مردم هر مملکت کاشته‌اند. چنانکه فقط در ظل نقشه هفت ساله ۳۶۹۴ مهاجر فداکار در نقاط لازمه مستقر گردیده و در اولین سال نقشه شش ساله کنونی ۵۷۹ مهاجر دیگر رسپار ممالک و دیار شده و در نقاط لازم در ۱۳۷ کشور استقرار جسته‌اند. الیوم زمینه رشد سریع و عمومی امر اعظم از همه جهت فراهم است و سزاوار آنکه یاران مهربان علی‌الخصوص بهائیان ایرانی مقیم بلاد خارجه قیامی عاشقانه کنند و فرصت را غنیمت دانند در هر مقام و محل و رتبه‌ای در صدد تقدیم خدمتی باستان الهی برآیند و اهداف نقشه شش ساله را در نظر بگیرند و آنچه را در حد

قدرت خویش میدانند بدل و جان اجرا کنند و باین اکتفا ننمایند و بمقتضای وفا بولوکاله از یاران جانفشنان مهد امرالله که از این قبیل خدمات فعلاً محدودیت و محرومیتی عظیم دارند درمیدان عبودیت قدم نهند و بنام آن مقربان درگاه کبریا در مشروعات متّنوعه محافل ملیّه بخدماتی لائق فائز و مفتخر گردند.

امر جمال قدم امری است عظیم و هرگز نباید آنرا با شئون عالم امکان قیاس نمود چه خطاست که جمیع قوا را صرف تأمین معیشت و بهبود کسب و تجارت واژدیاد ثروت و طلب راحت نمائیم و از آنچه ما را در دو جهان توانگر و جاودان سازد غافل نمایم. همچنانکه زندگانی جسمانی وابسته به تنفس است حیات جامعه بهائی نیز به تبلیغ امرالله وابسته است و تبلیغ امرالله که اعظم وظیفه هریک از پیروان جمال ابھی است مانند تنفس اختصاص بافراد و زمان و مکان معینی ندارد. تبلیغ امرالله است که معناطیس تائیدات غیبیه ملاء اعلی است و تائیدات الهیه است که ضامن توفیق اقدامات و اجراءات و مجہودات اهل بھاء است. ملاحظه در اقوام سائره و پیروان ادیان سالفه و حکومات قاهره فرمائید که ظاهراً بھر قوهای که متصور شود مجہزاند و ثروتی بیحساب و عده و استعدادی بیشمار دارند، معهذا چون از تائیدات الهی بی بھرها ند با آنهمه توانائی و توانگری و باوجودی که مستتمد از جمیع قوای عالم امکانند باز اقداماتشان بی اثر، بل موجب ضرر و خسran است. حال آنکه این مشت ضعفا با وجود مقابله با مشکلات و مصائب و شدائید فوق بشری به نیروی معنوی و روح قدسی و تائیدات آسمانی بر همه آنها فائق آمده و در سایر بلدان توانسته‌اند که با وجود مقاومت اهل عالم به مقدمات تأسیس مدنیت روحانی آسمانی در عالم انسانی موفق شوند. تبلیغ و انتشار کلمة الله چون با حیات فرد اهل بھاء آمیخته باشد نتائجش بسیار است زیرا هم قلوب یاران را قوی و مطمئن و ارواحشان را مستبشر و مستريح میسازد و هم سبب میشود که خیل عاشقان جمال رحمن از دیاد یابد و بر تعداد لشکر نجات بیفزاید و فتوحات روحانیه آینده را تسريع نماید. امروز از دیاد مقبلان درگاه الهی از اهم امور است، زیرا این از دیاد تعداد سبب افزایش استعداد شود و منابع مادی و انسانی و روحانی عالم بهائی را غنی تر و نافذتر سازد و امر مبارک را با سرعی بیشتر به مراحلی پیشتر برد.

بکرات از یاران عزیز ایرانی که در ممالک و دیار منتشرند تقاضا شد که هر یک چون مشعل هدایت باشند و پرتو هدایت به منطقه‌ای افکنند نه آنکه در نقطه‌ای مجتمع شوند و بامور ثانویه پردازنند، زیرا اجتماع آنان در یک شهر و یک نقطه بمنزله اتلاف قوای معنوی جامعه یاران است. ایرانیان عزیز که ساققه‌ای درخشنان در ظل امر یزدان دارند و به فتوت و کرم و مهمان نوازی و نوعپروری شهره آفاق گشته‌اند، نباید به بهانه‌های واهی از قبیل ندانستن زبان و ترس از غربت و از این قبیل معاذیر نارسا خود را از خدمتی که از ایشان ساخته است محروم سازند و اوقات خود را اغلب به دید و بازدید و مصاحبی یکدیگر، هرچند مطبوع و مقبول باشد، بهدر دهنند. بتجربه ثابت شده که یک خانواده بهائی ایرانی در یک شهر پایه و مرکزی برای امر مبارک و یاران نورسیده ممالک تواند بود و حال آنکه اجتماع چند خانواده در یک محل چه بسا اسباب خمودت گردد و باوجود حسن نیتی که یاران ایرانی دارند ارتباط شخصی و اجتماعی و تجاری مرتب و مکرر آنان در یک محل توقعات بیجایی را بوجود آورد و سبب شود که به اندک حادثه‌ای دلهاشان از یکدیگر مکدر شود و اختلاف و کدورت ببار آورد و پرسش به امرالله راجع شود و دوستان غربی را که از آنان انتظار دارند که اقران قهرمانان جانفشنان ایران باشند بكلی مأیوس سازد و دلسزد نماید. ایکاش عزیزان ایرانی کل تحقق اهداف فردی و ملی و بین‌المللی نقشه شش ساله را اول وظیفه روحانی خویش شمارند و مؤسّسات را منظماً و مستمراً افزایش دهند و واسطه فیض هدایت از ملکوت ابھی

گردند و درنهایت توجه و خضوع و همت بسائقه جاودانی وجدانی با آنچه سبب سور ابدی آنان است قیام فرمایند و خود را مصدر خیر جامعه سازند و از حیات نتیجه گیرند.

درظل نقشه شش ساله قرار است چهار محفل ملی جدید در کشورهای انگولا و گینه و بیساو و ماکوئو تأسیس شود و تعداد محافل ملیه به ۱۵۲ رسد. از ممیزات نقشه شش ساله این است که جوانان عزیز بهائی را مجال فراوان می بخشد که پای در میدان عبودیت نهند و قبل از آنکه اوقات فراغتشان مفقود شود و پای بند تمثیت امور خانواده گردند آنرا صرف خدمت امرالله نمایند و از آغاز جوانی تجارب روحانی آموزند و گنج معنوی اندوزند که حافظ و معین آنان و دلیل راهشان در بقیه حیات عنصری باشد. در ایامی که حکومتهای جهان جوانان را به اجبار بکارهای دشوار میگیرند و فن جنگجوی و خونریزی میآموزند از جوانان بهائی تقاضا شده که یکسال، بیشتر یا کمتر، از عمر خود را منحصرًّا وقف عبودیت آستان الهی فرمایند و درظل مؤسسات بهائی بخدماتی روحانی و اجتماعی و انسانی قیام نمایند، پیام محبت بخشنند و به آبیاری نهال ایمان پردازنند تا ان شاء الله در حدیقه حقیقت از ثمره رضای جمال مبارک برخوردار شوند و سرآمد اقران گردند.

ازجمله شواهد استحکام اساس امرالله در عالم این است که جامعهای بهائی در بلاد غرب که همواره در صدد مطالعه تعالیم و احکام الهی و اطاعت از آن بوده‌اند الیوم بر طلب خویش در اداء حقوق الله، که بنص مبارک "ادای حقوق الهی سبب نعمت و برکت و عزت و حفظ بوده و خواهد بود"، افزوده‌اند و رسماً تقاضا نموده‌اند که آنان نیز به فیض مشارکت در اجراء این فریضه وجدانیه فائز شوند. جهت تعمیم این حکم محکم فعلاً نصوص مبارکه درباره حقوق الله تدوین و ترجمه و منتشر شد و باطلاع یاران مشتاق در جمیع آفاق رسید. شکی نبوده و نیست که بهائیان ایران که یاران قدیم و عزیزند و از عظمت این حکم مبرم آگاه و از عواقب خیانت در آن باخبرند بعد از ملاحظه آن نصوص مبارکه جهی بیشتر خواهند نمود تا از این وظیفه عظیمه که تأثیراتش در تطهیر اموال و تلطیف جان و وجودان شدید است غافل نمانند و راه گشای برادران و خواهران روحانی خویش در بلاد دیگر شوند.

ای دوستان وقایع مهمه خطیره در پیش است و هرقدر افق عالم تاریکتر گردد قدر و منزلت امر اعظم چون جلوه صبحدم نمایانتر شود و پرتو عظمتش شرق و غرب را بانوار هدایت روشنتر سازد و آثار آن عظمت بنوبه خود در ارض اقدس مرکز جهانی امرالله انعکاس یابد و آنرا توسعه بخشد و توسعه مرکز جهانی متقابلاً عالم بهائی را باهتزاز آرد و اشراقی دیگر در آفاق افکند و این فعل و افعال از لوازم ذاتیه ترقی و تقدم امر غنی متعال است تا آنکه جهان ظلمانی نورانی شود و عالم انسانی فریزدانی گیرد.

بشارت آنکه طراحی ابنيه فخیمهای که باراده حضرت ولی امرالله قرار است در مستقبل قریب حول قوس مشرف بر مرقد مطهر ورقه مبارکه علیا در کوه کرمل ساخته شود و محور و مرکز دوازه و تأسیسات اداری امرالله قرار گیرد بهمّت مهندس عالیمقامش جناب حسین امامت اکمال پذیرفت و بتصویب رسید و اقدامات اولیه جهت مباشرت به ساختهایش آغاز گردیده است.

علاوه براین ابنيه شامخه رفیعه ازجمله اقدامات مهمه اتمام طبقات کوهکرمل است که باراده حضرت عبدالبهاء قرار است جهت تجلیل مقام مقدس اعلی در کوه کرمل احداث و جادهای را از پایه کوه کرمل به

بالا تشکیل دهد. طراحی این ۱۸ طبقه به جناب فریبرز صهبا که یکی دیگر از یاران عزیز و جلیل‌القدر ایران است تفویض گشته که بموقع خود باکمالش توفیق خواهند یافت.

راجع باین مشروع عظیم است که مولای بیهمتا در توقيع مورخ سنه ۱۰۸ بدیع چنین میفرمایند:

"... و این جاده مجل و زیبا که امتدادش از مقام اعلیٰ تا شهر حیفا و محاذی اعظم خیابان آن مدینه مکرمہ است و باشجار و ریاحین مختلفه مزین و بسرج مضیئه لامعه منور و منقول نظر اهالی این سامان است و مایه ابتهاج و افتخار ولاة امور در این ارض منبعد حسب الاشاره مرکز عهد الهی بشاهراه ملوک و سلطانین ارض مبدل گردد و این تاجداران عظام و محramان کعبه رحمن پس از وصول بساحل ارض مقصود و زیارت و طوف قبله اهل بهاء مطاف ملء اعلیٰ در مرج عکا باین مدینه مکرمہ مشرفه توجّه نمایند و بجبل کرمل صعود نمایند و بكمال شوق و وله و انجذاب بسوی این مقام محمود شتابند و از راه این طبقات خاضعاً خاشعاً متذللأ منكسرأ تقرب بآن مرقد منور مطهر جویند و در باب حرم کبریاء تاج را برخاک اندازند و سجده کنان تراب مشکبیزش را تقبیل نمایند و لبیک لبیک یا علی‌الاعلیٰ گویان در رواق مقدسش طوف نمایند و بكمال عجز و ابتهال آیات باهرات لوح کرمل را تلاوت نمایند و در حدائق و چمنستانهای وسیعه بدیعه این مقر اسنی و حظیره غنا و جنة علیا مشی و سیر نمایند و روائع معطره‌اش را استنشاق کنند و از ائمار طبیه جنیه بدیعه‌اش مرزوق گردند و آلام و محن و بلايا و رزايا و اسارت و مسجونیت و شهادت آن مظلوم عالم را با چشمی اشکبار و قلبی سوزان یک یک بیاد آرند و بهاء کرمل و آثار عظمت و قهاریت و غلبه و سیطره محیطه قهار‌العالیین را در اطراف و اکناف این بقعه مرتفعه برأی‌العين مشاهده نمایند..."

ای معارضان باوفا و ای دلدادگان جمال کبریاء تشبید این مشروعات فخیمه فاخره از لوازم ضروریه امر الهی است زیرا ارتفاع آن ابنيه تحقق بشارات جانبخش لوح مبارک کرمل را نوید میدهد و تأسیس دوائر و معاهدی را مژده میبخشد که بجمال قدم رافع بنیان صلح اعظم منسوب است. اینست که باید کل به ابدع جمال در نهایت شکوه وجلال در کوه کرمل لانه و آشیانه انبیاء بنا شود و وعده جانپرور "وتری الارض غیرالارض" جلوه‌ای جدید نماید.

ای عزیزان حق، امروز شرف مشارکت در این خدمت جلیل و بی نظیر بما اهل بهاء در این نسل و در این عهد تفویض گشته و چنین فرصت مبارکی از دسترس آیندگان بیرون است. شک و تردیدی نیست که یاران عزیز که به گنج ایمان رسیده و آثار غلبه امرالله را بدیده یقین دیده‌اند به آنچه مقتضای وفا است قیام کنند و آنچه قابل است نثار راه عبودیت نمایند و از خود اثری بگذارند که بمور دهور باقی ماند و سبب سور و سعادت جاودانی گردد. شروع بساختمان این ابنيه مبارکه لازمه‌اش فراهم شدن ذخیره‌ای بمبلغ لااقل پنجاه میلیون دلار است که استمرار در ساختمان را تضمین نماید و پس از آن اقلاب رای ده سال آینده درآمدی سالیانه بمبلغی بین بیست تا بیست و پنج میلیون دلار لازم است که بصندوقد بیت‌العدل اعظم تبرع شود. مسلم است که حصول این مقصد در حیطه استعداد اهل بهاء است که چون قیامی عمومی و عاشقانه فرمایند و عظمت مشروعات آینده را دریابند آن وقت حیات و هستی خویش را وقف خدمت امر اعظم کنند و دیگر بذل مال که بالمال از دست ما بیرون رود و بفنا راجع شود سهل و آسان گردد و سبب سور و سبب سرور دل و جان و وسیله تقرب به آستان یزدان مهربان شود. این مشتاقان را

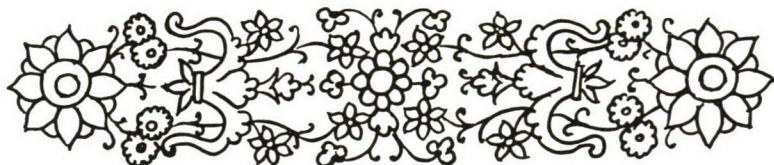
ادنی شبهه‌ای نیست که یاران جمال ابھی علی‌الخصوص نفوسی که‌از بدایت ایام در دامن امرالله پرورش یافته و نتائج تقدیم خدمات باستان الهی را دیده و تجربه کرده‌اند این فرصت مبارک را نیز غنیمت خواهند شمرد و از پای نخواهند نشست مگر آنکه مقدورات و استعداد و همت خویش را صرف تأسیس و تکریم امر عزیزی نمایند که مقصد اقصای مظاہر الهیه در ادوار گذشته بوده‌است . امری که صلح اعظم را در عالم برپا سازد و لوای عصر ذهبي دور جمال قدم را برافرازد و مدنیتی آسمانی در این جهان فانی تأسیس نماید .

مسک الختم این اوراق را که با قلوبی سرشار از محبت و دیدگانی مشتاق و منتظر رقم یافته بقسمتی از یکی از الواح مبارکه مرکز میناق اختصاص میدهیم تا چراغ هدایت یاران در این ایام امتحان و افتتان باشد.

قوله‌الاحلى:

"... شجره طبی و سدره منتهی در وادی ایمن بقعه مبارکه غرس شد و در ذروه طور سیناء قد برآفراخت و در وادی طوی شکوفه بشکفت و بنفحات قدس آفاقرا معطر نمود... از هر سمت آواز واشرقت الارض بنور ربها بلند شد و از ملکوت ابھی فیوضات جلیله متتابع بر حقائق لطیفه نازل گشت و نغمات و ترنمات محمد و نعوت الهیه از طیور حدائق قدس بلند شد و ما هنوز محمود و افسرده در زاویه خمول خزیده و بالایش شئون این دار جنون چسبیده نه نالهای نه آوازی نه نغمه‌ای نه سازی نه افغان جانگدازی نه شوری نه شعفی و نه اشتعالی و نه آه جانسوزی طیور قدس اگر در این موسم بهاری قرن اعظم الهی بابدغ نغمات رحمانی بر شاسخار توحید نسرایند چگونه بیاسایند و منتظر چه موسمی چه فصلی هستند پس از بهار خزانست و بعد از اردیبهشت فصل دی پرخمار آیا منتظر چه باشیم و چه ایامی آرزو نمائیم که بال و پری زنیم و پروازی کنیم و جولانی نمائیم و ساز و آوازی آغاز کنیم... انتهی.

میثاک‌العلیم



ترجمه پیام منیع بیت العدل عظیم‌المنی خطاب به پیروان اسم اعظم در قطار عالم

مرآقد مطهره حضرت ورقه مبارکه علیها و حضرت غصن اعظم و حضرت نوائب، آم حضرت عبدالبهاء قرار دارد. اوئین این پنج ساختمان، محفظه آثار بین‌المللی است که بنای آن در زمان حیات حضرت ولی عزیز امرالله اتمام یافت. دومین ساختمان، دارالتشريع بیت‌العدل اعظم است که هم اکنون در نقطهٔ علیای آن قوس قرار دارد. تهیهٔ طرحهای سه بنای باقیمانده که از جملهٔ اهداف نقشهٔ هفت ساله بود در طی آن نقشهٔ صورت پذیرفت و در حال حاضر جزئیات آن در شرف تکمیل است.

همانگونه که در پیام مورخ ۲۰ آوریل سال ۱۹۸۷ خاطرنشان گردید، راه بنای سه ساختمان باقیماندهٔ مرکز بین‌المللی اداری، برای عالم بهائی هموار گردیده و باید بدون تأخیر و با عزمی راسخ در این سبیل قدم نهاد. پنج مشروع ذیل که بهم ارتباط نزدیک دارند در خور توجه میباشند: بنای سه ساختمان باقیماندهٔ قوس مذکور، و علاوه بر آن طبقات باگهای حول مقام اعلی و قسمت الحاقی دارالاثار بین‌المللی. شرح اجمالی ذیل دربارهٔ هر یک از این پنج مشروع تا حدودی اهمیت آنها را برای امر مبارک نمودار خواهد ساخت.

طبقات باگهای مقام اعلی

حضرت عبدالبهاء برای توسعهٔ اماکن جبل کرمل نوزده طبقه باع تاریخی در نظر گرفته بودند که از دامنهٔ کوه تا قلهٔ آن امتداد خواهد یافت. ۹ طبقه، به طبقه‌ای متصل میشود که بر روی آن مقام اعلی قرار گرفته، و ۹ طبقه در بالای آن قرار خواهد گرفت. حضرت ولی امرالله کراراً به این نقشه اشاره میفرمودند و خود ساختمان مقدماتی ۹ طبقهٔ تحتانی را که مشتمل بر راه ورود به مقام اعلی از خیابان مرکزی محلهٔ سابق صلیبیون آلمانی (German Templar Colony) میباشد، تکمیل فرمودند.

مورخ ۲۱ آگست ۱۹۸۷
پیروان اسم اعظم در جمیع بلاد ملاحظه فرمایند

ای یاران عزیز

قریب یکصد سال پیش جمال اقدس ابھی در حین مشی در کوم مقدس الهی، لوح مبارک کرمل را که منشور مرکز جهانی امر مبارک محسوب میگردد، نازل فرمودند و بدین ترتیب مقدمات بنای مدینهٔ مسعود ملکوت الهی را بر بسیط غبراء آمده و مهیا نمودند.

پیروان اسم اعظم در طی سالهای متعدد تضییقات و انتصارات، و ایذاء و اذیت و رهائی از قیود تعصب و حمیت، به نشر پیام حضرتش در اقصی نقاط کره ارض موفق، و به تأسیس نظم بدیع جهان آرایش مؤید و به انتشار پیام شفابخش الهی جهت درمان جمیع آلام و علل عالم بشری مفتخر گشتند. بلایای وارده بر عشق جمالش در کشور مقدس ایران، در هشت سال گذشته، اعتمای جهانی را که در فراش غفلت خفته بود جلب نمود و امر مقدس الهی را مرکز توجه اهل عالم قرار داد.

حضرت عبدالبهاء با تحمل زحمات لاتحصی در نقطه‌ای که آب بزرگوارش معین فرموده بود، مقام مبارک حضرت نقطهٔ اولی را در کوه کرمل برافراخت و هیکل المف اعلی را در قلب آن مستقر ساخت و بدین ترتیب به تأسیس مرکزی روحانی با اهمیتی بینهایت توفیق یافت.

حضرت ولی عزیز امرالله بر طبق همان فرمان الهی آن ضریح مقدس را بیماراست و در پوشش صدفی بدیع بنهاد و سپس در ظل جناح محافظش به تأسیس مرکز اداری امر مبارک مباردت ورزید. این مرکز اداری مرکب از پنج ساختمان با سبك معماری موزون و هماهنگ خواهد بود که در حول قوس وسیعی واقع گردیده که در مرکز آن قوس،

دارالتبليغ بینالمللی

پرآورده دقیق مخارج این مشروعات در حال حاضر غیرممکن به نظر میرسد. آنچه که در در حال حاضر میتوان گفت اینست که در آینده نزدیک دو هدف باید متحقق شود: یکی فراهم کردن سریع یک اندوخته^{۵۰} میلیون دلاری است تا بر بنای آن، نقشه‌های بنای این مشروعات به نحو واقع بینانه‌ای به مرحله^۱ اجرا درآید، و دیگری تأمین درآمد سالانه‌ای بالغ بر ۲۰ تا ۲۵ میلیون دلار برای صندوق بینالمللی در ده سال آینده است. به تدریج که عملیات اجرائی آغاز و مناقمات و قراردادها امضا شود، مخارج را میتوان دقیقاً تعیین نمود و اطلاعات بیشتری اعلان خواهد گردید.

وظائف عظیمه^۱ بنای طبقات و تزئین باعچه‌بندی حول و حوش آنها و بنای ساختمانهای باقیمانده^۱ قوس، هیئت و ترکیب عظیم‌تری برای مرکز جهانی ایجاد خواهد نمود که قادر به رفع حواچ قرون آتیه و مناسب با رشد و توسعه بیسابقه^۱ جامعه^۱ بهائی که بفرموده^۱ حضرت ولی عزیز امرالله در انتظار آنیم، خواهد بود.

جامعه^۱ بهائی هم اکنون شاهد نتایج حاصله از قوای مودعه^۱ روحانیهای که با اتمام بنای دارالتشريع منتشر گشته، بوده و حرکت جدیدی را که تکمیل آن بنا در مورد پیشرفت امر الهی باعث آمده ملاحظه نموده است. چه کسی میداند که در اثر تحقق متواتی هر یک از مراحل این مشروع عظیم چه تحولاتی رخ خواهد نمود؟ سرعت و شدت تقدم و پیشرفت امر مبارک همواره یکسان نیست، بلکه حضیض و اوجی مناسب با تناوب ابتلاءات و انتصارات دارد.

حضرت ولی امرالله در توقيعی که در تاریخ ۱۸ جولای سال ۱۹۵۲ در ماهی اولیه^۱ جهاد کبیر اکبر صادر گردیده، در ارتباط با احتیاج حیاتی به "دخول و الحق دائمی نفوذ" جدیده به جیش بطی^۱ الحركة ولكن دائم التقدم رب الجنود" بر اثر فعالیتهای تبلیغی، میفرمایند: این دخول و الحق "ظهور یومی را بشارت میدهد و تسريع مینماید که بفرموده^۱ حضرت عبدالبهاء شاهد دخول دسته جمعی

دارالتبليغ بینالمللی مقر^۱ مؤسسه‌ای خواهد بود که اختصاصاً^۱ دو وظیفه^۱ حفظ و صیانت امرالله و تبلیغ دینالله بدان تفویض گردیده است. این مؤسسه که حضرت ولی امرالله در آثار خود بدان اشاره فرموده‌اند، در ماه جون سال ۱۹۷۲ تأسیس گردید و از این طریق خدمات ایادی امرالله ساکن در ارض اقدس به شمر رسید و امکان آن فراهم گردید تا وظائفی که بدان مؤسسه اعطای گردیده در زمان آینده امتداد یابد.

مرکز مطالعات نصوص (دارالتحقيق)

این ساختمان، مقر^۱ مؤسسه^۱ محققین بهائی و بمنزله^۱ توسعه و شکوفائی دارالتحقيق کنوی مرکز جهانی خواهد بود و بيتالعلل اعظم را در مورد مراجعه به آثار مبارکه و استفاده از آنها مساعدت خواهد نمود و به ترجمه و تحشیه^۱ نصوص امر مبارک خواهد پرداخت.

ساختمان دارالاثار بینالمللی (محفظه^۱ آثار)

بيتالعلل اعظم مصمم گردیده که بنائي العالي در طبقه^۱ تحتاني محفظه^۱ آثار جهت گسترش دفتر مرکزی دارالاثار که دائماً در حال اتساع میباشد، در سمت غربی آن عمارت در مرکز جهانی بنا نماید. وظیفه^۱ حفظ و نگاهداری نصوص و آثار مبارکه و مدارک تاریخی امرالله به این مؤسسه تفویض گردیده است.

كتابخانه^۱ بینالمللی بهائی

این كتابخانه خزانه^۱ مرکزی کلیه^۱ آثاری است که راجع به امر مبارک نوشته شده و منبع اصلی اطلاعات برای استفاده^۱ جمیع موسسات مرکز جهانی در موضوعات مختلفه^۱ مربوط به امرالله و شرایط و اوضاع عالم بشری میباشد. وظائف آن باید در دمه‌های آینده توسعه یابد: این كتابخانه بصورت مرکز مؤثری برای اقسام علوم و معارف و هسته^۱ مرکزی موسسات عالیه^۱ تحقیقات و اکتشافات علمی در خواهد آمد.

ظلمت مجھولیت خارج و به مقام و منزلتی مشحون از احترام و اعتبار در صحنه بین‌المللی ظاهر میگردد.

در مهد امرالله یک جامعه بهائی اسیر و دریند، چشم انتظار بیاران غرب دوخته است که با چنان بسالت و فداکاری قیام کنند که بار دگر عظمت مقاومت ناپذیر آئین الهی را تجدید نمایند. شما فراخوانده شده‌اید که به همگان خویش قدرت ظهر حضرت بهاءالله را از طریق اصالت کردار و علیت شؤن اخلاق و نیروی حیات‌بخش انضباط روحانی بنمایانید.

تعهد شما در سبیل خدمت پعالمن انسانی باید در شیوه حیات شما، ادامه تحصیلات و پرورش افکار شما منعکس شود، انعکاسی که نمودار آمادگی شما درقبال حوادث و رویدادهای باشد که در انتظار توسعه و گسترش جامعه بهائی در جهات روحانی، اداری و تشکیلاتی، توسعه اجتماعی و اقتصادی، و روابط بین‌المللی است.

ازجمله فرصت‌هایی که در سبیل خدمت با مر الهی در برابر شما قرارداد "یکسال خدمت احیان جوانی"، "طرحهای تبلیغی در ایام تعطیلات" ، و شرکت مؤثر و مستمر در امور جامعه محلی است.

بدینوسیله محبت قلبی و اعتماد کامل خویش را ابراز داشته و اطمینان میدهیم که در احیان دعا و زیارت اعتاب مقدسه بیاد شما باشیم.

بیان‌دل‌عطنم

(۲)

در سرور و شعف شما که براثر نتایج فوری حاصله‌از کنفرانس بین‌المللی جوانان و پروژه‌ای مختلفه‌ای که متعاقباً انجام گرفته، شریک و سهیم، از ادعیه خود دائز بر آنکه حضرت بهاءالله شما را در نیل باهدافی که درنظر دارید موفق فرماید، اطمینان میدهد.

بیان‌دل‌عطنم

مردم از اجنام و ملل مختلفه در ظل لوای امرالله خواهد بود."

عالی بهائی در قاره افریقا و آسیا و امریکای مرکزی و جنوبی و جزائر محيط اعظم شاهد ظهور یوم مذکور بوده است. ولکن در نقشه جدید این دخول دسته‌جمعی نام در ظل امرالله باید ازدیاد یابد و به سایر ممالک تسری جوید چه که حضرت ولی امرالله در همان توقیع مذکور می‌فرمایند: "این دخول مقدمه ظهور یومی است که ملل و اجنام مختلفه در اثر وقوع یک سلسه وقایع خطیره که محتملاً مصیبت‌بار و حتی بطور تقریبی نیز غیرقابل تصور می‌باشد، تقلیب و تبلیغ دسته‌جمعی شده که خود بفتح مقام و موقع امر مبارک را متغیر، نظم عالم را مضطرب و عله نفوس و قوای مادی و معنوی امر جمال قدم را هزاران بار تقویت خواهد نمود." این همان زمانی است که اهل بهاء باید خود را برای ظهورش آماده سازند، این همان میقاتی است که فرارسیدنش را باید تسریع نمود.

در این دوره بحرانی از تاریخ بشریت، از اهل بهاء انتظار می‌رود که به مسؤولیتهای مهیجه و عظیمه‌ای که چنین اتساعاتی بر عهده موسسات و افراد بهائی در جمیع بلاد خواهد نهاد ناظر باشند و با قلوبی مرسشار از اطمینان و اعتماد به دستگیری و هدایت ید غیبی شارع امر الهی، قیامی عاشقانه نمایند. دعای این مشتاقان در اعتاب مقدسه آنست که حضرت دوست پیروانش را در جمیع اقالیم متحداً به جهی بليغ توفیق بخشد.
با تحييات ابدع ابهی

بیان‌دل‌عطنم

ترجمه سام معص اعلی خطاب بجانان شرکت کننده و کنفرانس لندن - انتاریو

تحیات مشفقانه خویش را به شرکت کنندگان در این "کنفرانس جوانان" ابراز میداریم، کنفرانسی که در بردهای از زمان انعقاد می‌باید که امر حضرت بهاءالله از ظل

یاران عَسْرَزِ معنوی

۳۵۱ - هشتم شهراکلات ۱۴۲

بیستم خرداد ۱۹۸۲

پایام ایلام غیب و محبت آمیز مردم پر پرسایانه انسان امر جمال قدس کبرای تیم می‌شوند که این در رضوان ۱۴۲
که بین عوطف حانیه و احساسات و جذابیه آن جیسا بان سلطان احمدیه بود و مغمن یاد آوری این مشتاقان
لطف مرحمت نسبت به فقه مظلوم مهد رحمت بشارت طور مواعید مقدسه بر ذرفیوضا غصیه عایش مسروکه
در این جهان ترابی دل بر جانشانی یاران رحمانی و محبت وحدت عالم این این دل کشید . از طبع اندا
نور محبت و فقاد مسید ایگشن معانیش را بخ طیبه جب دل از دید روح در وانی تازه و فرج و شعلی بی اندیخته شد
موجب نهایت انسان کردید . بعین بین در اثر ادعیه خالصانه آن عزیزان پاک دل و جان بروج عتاب
یکتا ابواب رحمت فرخاد فوج از هر محبت منقطع و صدور مشرق کرده . احمد آله عالم ایکان در حرکت هنر
است و مداری حق گوش زد اهل راز .

حمله بلایا و محن و شادت دیل ذوالمن از آینه زین عاشقات فتنی آزوی مشتاقان . ایه
از درگاه رتب مجید چانت حال کفر مرشد ملکوی ایکان و افتسان در هبوب سراین است و بجا
اشامت و فارگمین سلطانی آینه زین در ایران زین در اثر ادعیه قدسیه آن یاران عزیزان ازین هر
کیک از پرداز شریعه غرایی بزداش از پیمانهای مهیش فخر از خوارت نار محبت الله در جوش و نزدش شنید
جمع یاران راسان در مجامع لاهیان شیع روشن گردند و در صوایع ملکویان شادی این مسیب
دایش همار و اعزاز نصرت اتفاقاً در از قزوین امر ملکت نخار در هر مدینه و دیار . تا باید نور بین جان خلد
برین شود و نعمات ملکا رحبت اینی روی زین رامعطر و عین زین نماید و کل نیفیع عظیم نامتناهی و کرب نیما
میت اعدل غلطم آیین فائزه مرتبا یی کردم و میں نہ امن فصله بغیر . بارجای دعا و عیات بیچ

در رضوان ۱۴۲ بیان نمایند گان شرکت کنند و در این گشوده شور و راحانی تی بهایان کان و پایام محبت آمیزی جهت یاران ممحن محمد امیر آله
ارسال داشتهند که نامه فوق در جواب این پایام و مصلی گردیده و از هر سطر آن شنیده ای از وفا و استقامت طاهر و نهاده است .

« عندیب »

لغت فصحی و لغت نورا

«بعلم ایا دی عزیز امر سه جناب علی اکبر فروتن»

مقدمه

این مقاله در سال ۱۳۱ بدیع در مجله آهنگ بدیع شماره ۳۲۹ بطبع رسیده و بعدها بصورت رساله‌ئی بهمت موئسسه مطبوعات امری بنام "لغت فصحی و لغت نوراء" بسال ۱۳۲ انتشار یافته است.

چون در این ایام چند نفر از دوستان حضرت رحمن تجدید انشاد آنرا از این ناتوان درخواست نموده‌اند آنرا به لجنهٔ مجلهٔ "عندليب" تقدیم مینمایم که اگر صلاح دانستند و مفید تشخیص دادند بتدریج منتشر فرمایند.

شهر العظمه ۱۴۴

ارض اقدس - حیفا

علی اکبر فروتن

در سفر اخیر که شب و روز از محضر یاران عزیزاله استفاده می‌شد و مخصوصاً با جوانان هوشمند بهائی موالفت مستمر حصول می‌یافت بعضی از احبا می‌خواستند بدانند که حکمت نزول کتاب مستطاب اقدس و بسیاری از آثار مبارکه بلسان عربی چیست و حال آنکه جمال قدم جل اسمه‌الاعظم ایرانی و زبان ملیشان فارسی بوده است و این عبد و عده داد که در مراجعت به ارض اقدس بمحض آنکه فرست مناسب دست دهد آنچه از آثار والواح الہی راجع بزبان مستقاد شود تدوین و به محفل مقدس روحانی ملی بهائیان ایران شیدالله ارکانه تقدیم نماید تا در صورت تصویب باستحضار یاران حضرت رحمن پرسد و اینک بآن و عده وفا می‌شود:

چون جمال قدم از کشور ایران ظاهر شده‌اند و این مرز و بوم موطن موعود کل ملل و ادیان و جلوه‌گاه مظهر حضرت یزدان است البته این اقلیم جلیل بر سائر ممالک و اوطان برتری یافته و مقام روحانی و معنوی آن بلند و ارجمند گشته است و در آینده محققًا شرف و منقبتش واصل خواهد شد و بر هموطنان حضرت بهاء الله کاملاً مکشف و میرهن خواهد گشت که چه سعادتی نصیشان شده و چه موهبتی بآنان ارزانی گردیده است. اگر بخواهیم آنچه را که در بیان رفعت شان و علو مقام این اقلیم جلیل در آثار مبارکه وارد شده یکان بشماریم مطلب بطول خواهد انجامید و فقط من باب نمونه به نقل چند فقره اکتفا می‌کنیم:

در کتاب مستطاب اقدس راجع بارض طا، مدینه منوره طهران این آیات مبارکه نازل شده:

"يا ارض الطاء لاتعزى من شيء قد جعلك اللهم لطلع فرح العالمين افرحى بما جعلك الله افق النور
بما ولد فيك مطلع الظهور اطمئنى بفضل ربك انه لاتنقطع عنك لحظات الاطاف"

و در لوح مبارکی این بیانات راجع به طهران نازل شده:

▪ يا ارض الطاء يادآر هنگامی را که مقر عرش بودی و انوارش از در و دیوارت ظاهر و هویدا.

تا آنکه میفرمایند:

"طوبی از برای تو و از برای نفوosi که در تو ساکنند نفحات قمیص الهی از تو قطع نشده و خواهد شد".

حضرت عبدالبهاء مولیالوری در الواح عدیده راجع به کشور مقدس ایران بیاناتی فرموده‌اند که چند فقره آن نقل می‌شود، قوله‌الاحلی:

"مستقبل ایران در نهایت شکوه و عظمت و بزرگواری است زیرا موطن جمال مبارک است جمیع اقالیم عالم توجه و نظر احترام به ایران خواهند نمود و یقین بدانید که چنان ترقی نماید که انتظار جمیع اعاظم و دانایان عالم حیران ماند هذه بشاره کبری بلغها لمن تشاء و هذا وعد غیر مکذوب وستعلم نباه بعد حین".

"حضرت بهاء‌الله و حضرت باب هردو ایرانی بودند و بیست هزار ایرانی در این سبیل جانفشنای نمودند و من نیز ایرانی هستم حتی با وجود اینکه شصت سال است از ایران خارج شده‌ام هنوز راضی با آن نگشته‌ام که عادات جزئیه ایرانی ترک شود. بهائیان ایران را میپرسند نه همین حرف میزنند شما نظر بعمل کنید".

"بهائیان چنان ایران را در انتظار جلوه داده‌اند که امروز جم غافیری از اقالیم سبعه پرستش ایران متیمایند زیرا شمس حقیقت از آن افق طلوع نموده و وطن مقدس حضرت بهاء‌الله است ملاحظه کنید که چه موهبتی حضرت یزدان در حق ایران و ایرانیان فرموده‌اند" ... "آن حدود و ثغور منبت شجره مبارکه است و موطن حضرت مقصود وعاقبت چنان آباد گردد که جمیع ممالک عالم غبطه برند".

"ای یاران الهی خطه شیراز منسوب به حضرت بی نیاز و موطن کاشف اسرار بر اهل راز. از آن کشور ماه منور طلوع نمود و از آن اقلیم صبح متیر سطوع یافت اول نداء در آن خطه و دیار اوچ گرفت و نفویں مبارکه نعره ریتا انا سمعنا منادیا ینادی‌الایمان ان آمنوا بریکم فاماً براوردند یقین است که موطن آن نور مبین بهمت دوستان الهی عنقریب تزیین یابد و غبطه بهشت برین گردد".

"ایران چنان ترقی نماید که محسود و مغبوط شرق و غرب گردد".

در ضمن مناجاتی میفرمایند:

"پاک یزدانانا خاک ایران را از آغاز مشکبیز فرمودی و شورانگیز و دانش خیز و گوهرریز از خاورش همواره خورشیدت نورافشان و در باخترش ماه تابان نمایان".

اینها نمونه‌هایی از بیانات حضرت عبدالبهاء مولیالوری راجع به کشور مقدس ایران بود.

حضرت ولی امرالله در تواقیع منیعه مکرّره درباره رفتت مقام و عظمت شان کشور مقدس ایران بیاناتی فرموده‌اند که به نقل چند فقره اکتفا می‌شود. منجمله چنین میفرمایند قوله‌الاحلی:

"مکذارید گمان کنند که بهائیان تعلق به وطن خویش ندارند بلکه براستی بدانند و یقین نمایند که از همه بیشتر و از همه مخلصتر و از همه ثابت تر در احیای ایران و تعزیز ایرانیان به وسائل حقیقی میکوشند و مطمئنند که ایران عاقبت عزیز و توانا خواهد شد".

"اهل بهاء چه در ایران و چه در خارج آن، موطن جمال اقدس ایهی را پرستش نمایند و در احیاء و تعزیز و ترقی و ترویج مصالح حقیقیه این سرزمین منافع و راحت بلکه جان و مال خویش

را فدا و ایثار کنند. " انتهی

حال از همین چند فقره بیانات مبارکه تعلق اهل بهاء به کشور مقدس ایران کاملاً واضح و عیان است.

و اما درباره مقام و منزلت زبان فارسی حضرت بهاء الله چنین میفرمایند، قوله عزّ کبیرائیه:

"درباره زبان نوشته بودید تازی و پارسی هردو نیکوست چه که آنچه از زبان خواسته‌اند پی بردن به گفتار گوینده است و این از هردو می‌آید و امروز چون آفتاب دانش از آسمان ایران آشکار و هویداست هرچهاین زبان را ستایش نمائید سزاوار است".

"محبوب عالم بلسان پارسی تکلم می‌فرماید دوستان او هم اگر باین لسان تکلم نمایند و بنویستند لدی‌الوجه مقبول است اگرچه لسان عربی احسن است ولکن گفتار پارسی احلی".

پس تعلقات معنوی و محبت صمیمی اهل بهاء به کشور مقدس ایران و زبان شیرین پارسی از همین چند نمونه که بیان شد واضح و عیان است واحتیاج به بسط کلام نیست.

اما نکته‌ای مهمتر از وطن دوستی در تعالیم بهائی مندمج و آن عالم دوستی و وحدت بشر است که اُس اساس آئین الهی دراین دور بدیع و کور جدید است و در اینصورت جمال مبارک متعلق بهمه اهل عالمند و مبادی روحانی و اداری این امر منبع مخصوص به یک ملت دون ملت دیگر نیست و محصور به یک کشور معین نخواهد بود ویکی از وسائل مؤثر و مهم برای وصول به این منظور مقدس یعنی تحقق وحدت عالم انسان و اتحاد اوطان و رفع تعصبات بیهوده و استخلاص بشر از محاربات ویران کننده، انتخاب و ترویج لسانی عمومی است که در این باره تأکیدات اکیده در آثار الهی نازل شده است .

حضرت بهاء الله در یکی از الواح باین بیانات مبارکه ناطق، قوله عزّ بیانه:

"قد نزلنا فی الكتاب المقدس یا اهل المجالس فی البلدان ان اختاروا لغة من اللغات ليتكلّم بها من على الأرض و كذلك من الخطوط أن الله يبيّن لكم ما ينفعكم عن دونكم انه لهوالفضل العليم الخبير".

"...این امر مبرم از جبروت قدم برای اهل عالم عموماً و اهل مجالس خصوصاً نازل شده چه که اجرای اوامر واحکام وحدودات منزله درکتاب برجال بیوت عدیله‌الهیه تفویض شده‌این حکم سبب اعظم است از برای اتعاد و علت کبری است از برای مخالطه وداد من فی‌البلاد ...

ملحظه می‌شود اکثری از ام از تشتّت لغات اهل عالم از مخالطه و معاشرت و کسب معارف و حکمت یکدیگر محروم‌ند لذا محض فضل و جود کل مامور شده‌اند باینکه لغتی از لغات را اختیار نمایند چه جدیداً اختراع کنند و چه از لغات موجوده ارض و کل بآن متکلم شوند در اینصورت جمیع ارض مدینه واحده ملاحظه می‌شود زیرا که کل از لسان یکدیگر مطلع می‌شوند و مقصود یکدیگر را ادراک مینمایند این است سبب ارتقاء عالم وارتفاع ام و اگر نفسی از وطن خود هجرت نماید و بهریک از مدن وارد شود مثل آنست که در محل خود وارد شده تسکوا به یا اهل المجالس والمدن... اگر نفسی فی‌الجمله تفکر کنند ادراک مینماید که آنچه از اسماء مشیت الهیه نازل شده محض فضل بوده وخیر آن بکل راجع است... " تا آنکه می‌فرمایند:

"هر طایفه بلسان خود تکلم مینماید مثل تُرك به تُركی و اهل ایران به فارسی و عرب به عربی و اهل اروپا به السن مختلفه خود و این السن مختلفه مابین احزاب متداول است و مخصوص است به طوائف مذکوره و یک لسان دیگر امر شده که اهل عالم عموماً بآن تکلم نمایند تا کل از لسان یکدیگر مطلع شوند و مراد خود را بیابند اوست باب محبت و وداد و الفت و اتحاد و اوست ترجمان اعظم و مفتاح کنز قدم چه مقدار از نفوس مشاهده شده که تمام اوقات را در تعلیم السن مختلفه صرف نموده بسیار حیف است که انسان عمری را که اعز اشیاء عالم است صرف

اینگونه امور نماید و مقصودشان از این زحمات آنکه لسان مختلفه را بدانند تا مقصود طوائف و ماعندهم را ادراک نمایند حال اگر بازچه امر شده عامل شوند کل را کفایت نمیماید و از این زحمات لاتحصی فارغ میشوند... .

تا آنکه میفرمایند:

"وهمچنین سوای خطوط مخصوصه طوائف مختلفه یک خط اختیار نمایند و خلق عموماً بتحریر آن مشغول شوند تا جمیع خطوط خط واحد و جمیع السن لسان واحد مشاهده شود و این دو سبب اتحاد قلوب و نقوس اهل عالم گردد انه یعلمکم ما هو خیر لكم تمسکوا به انه لهوالاعظ الناصح المبين والمدبر المشفق العلیم الحکیم وبالآخره جمیع لسان و خطوط به واحد منتهی گردد و قطعات مختلفه ارض یک قطعه مشاهده شود اذا لاتری فيها عوجاً ولا امتاً". انتهى
در لوحی دیگر جمال اقدس ابهی این موضوع یعنی وحدت لسان را باین بیانات تکرار میفرمایند،
قوله الاعلى:

"اشراق ششم اتحاد و اتفاق عباد است لازال باتفاق آفاق عالم بنور امر متور و سبب اعظم دانستن خط و گفتار یکدیگر است از قبل در الواح امر نمودیم امناء بیت عدل یک لسان از السن موجوده و یا لسانی بدیع و یک خط از خطوط اختیار نمایند و در مدارس عالم اطفال را با آن تعلیم دهند تا عالم یک وطن و یک قطعه مشاهده شود".
در کلمات فردوسیه میفرمایند:

"از قبل فرمودیم تکلم به دو لسان مقدّر شده و باید جهد شود تا به یکی منتهی گردد همچنین خطوط عالم، تا عمرهای مردم در تحصیل السن مختلفه ضایع نشود و باطل نگردد و جمیع ارض مدینه واحده و قطعه واحده مشاهده شود".

در تبیین این اصل مسلم که از قلم جمال قدم جل شانه‌الاعظم نازل شده مبین منصوص، حضرت عبدالبهاء بیانات عدیده فرموده‌اند که چند فقره آن در این مقام نقل میشود، قوله الاحلى:

"از جمله‌امر حضرت بها الله این است که باید جمیع ملت از اهل معارف و علوم اتفاق کرده یک لسانی انتخاب یا ایجاد نمایند و آن لسان عمومی باشد و این امر در کتاب اقدس چهل سال پیش نازل شده و مقصود آن این است مسئله لسان بسیار مشکل شده زیرا لسان بسیار است و اختلاف حاصل شده بین جمیع اقوام و طوائف و تا وحدت لسان حاصل نگردد ائتلاف مشکل و معاملات مختلف است هر انسان محتاج به لسانهای بسیار است تا بتواند با جمیع بشر معامله و معاشرت و ملاقات نماید و این مستحیل است زیرا آنچه تحال در آکادمی معلوم و مسلم شده هشتصد لسان معین گشته و از برای انسان تحصیل اینهمه ممکن نیست پس بهتر این است یک لسان ایجاد و یا انتخاب شود تا آنکه لسان عمومی باشد در اینصورت انسان به دو لسان محتاج است یکی لسان وطنی یکی لسان عمومی. به لسان وطنی خودش با قوم خود گفتگو نماید اما به لسان عمومی با جمیع عالم مخایره نماید و محتاج لسان ثالث نمیباشد و جمیع بشر با یکدیگر بدون مترجم الفت و مصاحب مینمایند حال اگر چنین چیزی بشود فی الحقیقہ سبب راحت و آسایش و سرور جمیع ملل عالم است ."

در مقامی دیگر حضرت عبدالبهاء در این باره میفرمایند:

"در عالم وجود اعظم امور امر عمومی است لهذا میتوانیم یکوئیم لسان عمومی امریست مهم زیرا سوء تفاهم را از بین ملل زائل نماید قلوب عموم را بهم ارتباط دهد و سبب شود که هر فردی مطلع بر افکار عمومی شود در عالم انسانی تفهم و تفہم که اعظم فضائل عالم بشری است

مشروط به وحدت لسان معلم و متعلم است چون لسان عمومی حاصل شود تعلم و تعلم سهل و آسان گردد مقصد این است که در عالم انسانی وحدت لسان خیلی سبب الفت و اتحاد است و بالعكس اختلاف لسان مایه جدال و این واضح است لهذا از جمله تعالیم بهاءالله در پنجاه سال پیش امر به وحدت لسان میباشد که تا لسان عمومی تأسیس وترویج نشود ارتباط تمام بین بشر حاصل نگردد زیرا سوء تفاهم مانع الفت است و این جز بوحدت لسان زائل نشود بسبب اختلاف لسان اهل شرق عموماً از معلومات اهل غرب و اهل غرب از معلومات اهل شرق بیخبرند اما بوسیله لسان عمومی شرق افاضه از غرب نماید و غرب اقتباس انوار از شرق تواند". انتهى

واما آنچه راجع بلسان عربی و اهمیت و وسعت آن زبان برای بیان حقائق معنوی و عوالم روحانی از قلم اعلی صادر شده بسیار است منجمله در یکی از الواح مقدسه میفرمایند، قوله عز بیانه:

"آنچه‌لدىالعرش محبوب است آنست که جمیع به لغت عربی تکلم نمایند چه که ابسط از کل لغات است اگر کسی به بسط و وسعت این لغت فصحی مطلع شود البته آنرا اختیار نماید لسان پارسی بسیار مليح است و لسان‌الله در این ظهور به لسان عربی و فارسی هردو تکلم نموده ولکن بسط عربی را نداشته و ندارد بلکه جمیع لغات ارض نسبت باو محدود بوده و خواهد بود واین مقام افضلیّ است که ذکر شد ولکن مقصود آنکه لغتی از لغات را اهل ارض اختیار نمایند و عموم خلق بآن تکلم کنند هذا ماحکم به الله و هذا ماينتفع به الناس لو هم يعرفون".

بفرموده مبارک مقصود از این تعریف و توصیف مقام افضلیّ است والا جمال قدم اهل عالم رامختار و مخیّر فرموده‌اند که لغتی از لغات را اختیار نمایند ولکن چون بسیاری از آثار مبارکه باین لغت نازل شده تحصیل آن بر اهل بهاء واقعاً لازم است تا به معنی آیات الهی واقف شوند واز آن منبع فیض فیاض برای فهم آیات مقدسه استفاده نمایند. تحصیل لسان عربی بقدرتی مهم و حیاتی است که حضرت عبدالبهاء به یکی از اماءالرحمن غرب بنام مسیس کروپر چنین میفرمایند، قوله‌الاحلى:

"ای کنیز عزیز خدا یک وقتی تحصیل لسان عربی مینمودی این بسیار مفید است البته مداومت نما تا آنکه مهارت پیدا کنی و بتوانی که به کمال فصاحت و بلاغت به لسان عربی مخابره نمائی البته صد البته در تحصیل لسان عربی نهایت همت مجری دار تامهارت تامه حاصل نمائی و به کمال سهولت بخوانی و بنویسی".

حضرت ولی امرالله در تواقیع عدیده تأکیدات شدیده راجع به تعلیم و تعلم لسان عربی صادر فرموده‌اند که چند فقره آن در این مقام نقل میشود، قوله‌الاحلى:

"تأکید نمائید اطفال بهائی را از صغر سن در مدرسه به لغت عربی که بفرموده جمال قدم لغت فصحی است و آیات مبارک و احکام وادعیه و صلوات و سور علمیه اکثر بآن لسان نازل کشته آشنا نمایند و تعلیم دهنده اجرش عندالله عظیم است و نتایج آن در جامعه بغایت مفید". همچنین میفرمایند:

"قبلاً راجع به‌اهتمامیت لغت عربی وتعلیم آن به‌اطفال و تاءusi و متابعت لحن الواح مبارک در منشآت امریّه و تقریر و تحریر و نشریات یاران امر حضرت رحمن در آنسامان دستور صریح صادر وهمچنین بواسطه زائرین تأکید گشت. مسامحه و اهمال قطعیاً جائز نه یاران را محفل روحانی ملی باید تذکر دهد و تشویق و دلالت نماید".

همچنین میفرمایند:

"تعمیم لغت عربی در مدارس بهائیان و تشویق جوانان بسیار لازم تا به قواعد لغت فصحی آشنا گردند و پی به معانی و رموز و اشارات الواح عربیه و احکام منصوصه الهیه برند". انتهى

جوانان عزیزبهائی و نونهالان بستان الهی باید بکمال دقت این دستور مبارک را اجرا نمایند و در تحصیل زبان عربی بکوشند تا درهای معارف امری برویشان باز شود و فهم کلمات آسمانی برایشان میسر گردد ضمناً برای مزید تبصر در این موضوع توجه به چند نکته مفید خواهد بود:

نکته اول – آنکه زبان عربی که لسان مقدس عالم است در نزد مسلمین بسیار مهم تلقی شده و میشود و مسلمانان روی زمین از هر نژاد و ملیت آن زبان را برای فهم آیات مقدسه قرآن فرا گرفته و میگیرند و مومنین اولیه باین امر مبارک که اکثراً از علماء طراز اول بوده بر لسان عربی تسلط کامل داشته‌اند و آیات الهیه و آثار مبارکه غالباً با آن زبان نازل شده و لهذا گنجی بی پایان از مخزن اسرار الهیه به زبان عربی بنوع انسان ارزانی یافته که برای بدست آوردن آن باید در تحصیل لسان عربی که منزله کلید در آن گنج بی پایان است اهتمام تام نمود.

نکته دوم – آنکه در تحصیل کمالات معنویه و فراگرفتن معارف الهیه مناقشه بر سر زبان که آیا عربی بهتر است یا فارسی واقعاً ضرورت ندارد زیرا مقصود اصلی کشف حقائق روحانی و کسب دقائق ملکوتیست و زبان فقط وسیله وصول بمقصود و حصول منظور است لاغیر.

نکته سوم – آنکه انبیای الهی برای تربیت جسمانی و انسانی و روحانی نفوس بشری ظاهر می‌شوند و برای هدایت ناس بشریعه باقیه مافق تصورات محدوده بشریه قرار می‌گیرند و زبان را فقط وسیله و آلتی برای تفہیم و تفہم حقائق روحانیه می‌شناسند و ببیچوچه احساسات ملی و نژادی را در آن مدخلیت نمی‌هند چنانکه در قرآن کریم بیش از سیصد لغت غیرعربی مانند کافور، زنجیل، مشکو، استبرق، سندس، دینار، قسطاس، فردوس، طاغوت، قنطر، عدن، ملکوت، مسک، اباریق، وغیره وغیره که از زبانهای عربی و آرامی و امثال آن اقتباس گشته وارد شده و مجموعه بیانات شفاهی حضرت مسیح که بعدها به انجلیل موسوم گردیده ابتدا به زبان یونانی که لسان علمی آنروز دنیای متمدن بوده نگارش یافته است.

نکته چهارم – آنکه هیچیک از زبانهای رایج دنیا خالص نمانده و هرقدر ارتباط ملل و محل با یکدیگر بیشتر شده اختلاط و امتزاج السنه نیز بهمان مقیاس وسیعتر گردیده است و این خود حسن و کمال هر زبانی است که برای بیان مطالب لغات کافی در اختیار داشته باشد و شعراء و حکماء و علماء همیشه از این امتزاج و اقتباس استفاده نموده‌اند چنانکه مثلاً در شاهنامه فردوسی که شاهکار زبان فارسی است بیش از پانصد لغت عربی در موارد ضروری بکار رفته و نابغه شهیر از این اقتباس واستقراض سر باز نزد است. زبان کنونی فارسی ما نیز که مرکب از ۱۶۰،۰۰۰ کلمه است، ۵۸،۸۷۹ آن فارسی، و ۱۰۱،۱۲۱ لغت آن خارجی است، و این امتزاج و اختلاط کمال زبان است نه نقص آن زیرا همانطور که جمال مبارک می‌فرمایند مقصود از زبان پی بردن به گفتار گوینده است و هرقدر بتوان در یک زبانی موجبات تفہیم و تفہم را کاملتر فراهم نمود البته بهتر است.

نکته پنجم – آنکه لسان عربی با تفاوت زبان‌شناسان همان‌طور که از قلم حضرت‌اعلی نیز تصریح گشته نظر به وسعت دائره لغات برای بیان روحانیات و مجردات مناسبتر و کاملتر است و بهمین دلایل بسیاری از متفسران و دانشمندان فارسی زبان نیز تأییفات خویش را به زبان عربی تدوین می‌کرده‌اند و در مغرب زمین زبان لاتین که شعبه‌ای از زبانهای هند و اروپائیست این مقام را داشته و الحال نیز ریشه اغلب از السنه اروپائی لاتین و یا یونانی است و بهمین جهت تشابه تام بین این زبانها بیان آمده است. اکنون زبان عربی علاوه بر ساکنین شب‌جزیره عربستان لسان اصلی بیش از پنجاه میلیون نفر در ممالک مختلف جهان است و به تصدیق محققین یکی از مهمترین زبانهای دنیاست و لهذا تحصیل زبان عربی نه تنها برای فهم معارف بهائی لازم و ضروری است بلکه احاطه بر آثار ادبی زبان فارسی نیز ممکن به آشنائی با لغات و اصطلاحات و صرف و نحو زبان عربی است. پس بنا به آنچه گفته شد اهتمام نورسیدگان و جوانان عزیز بهائی به

تحصیل زبان عربی بسیار مفید و لازم است و همانطور که فیالمثل زبان اصیل فارسی والسنہ غربی مانند انگلیسی، فرانسه، آلمانی، و غیره را فرا میگیرند، زبان عربی رانیز در همان ردیف بل در رتبه اولی قرار دهنده.

برای تزئین و تکمیل این گفتار چند فقره از بیانات حضرت بهاءالله به زبان عربی و فارسی و پارسی ویژه در این مقام درج میشود لیکن خاتمه مسک. از لوح مبارک جمال اقدس ابھی خطاب به سلطان ایران:

"یا سلطان انجی کنت کاحد من العباد و راقداً على المهاد مرث على نسائم السبحان و علمتی علم ماکان لیس هذا من عندي بل من لدن عزیز علیم و امرتی بالنداء بینالارض و السماء و بذلك ورد على ما ذرفت به عيون العارفين ما قرئت ما عند الناس من العلوم و ما دخلت المدارس فاسئل المدينه التي کنت فيهالتوقن باجی لست من الکاذبين هذا ورقه حرکتها اریاح مشیة ربک العزیز الحمید هل لها استقرار عند هبوب اریاح عاصفات لا و مالک الاسماء والصفات بل تحركها کیف ترید لیس للعدم وجود تلقاء القدم قد جاء امره العبرم و انتقمنی بذکره بینالعالمین انجی لم اکن الا کالمیت تلقاء امره قلبتنی ید اراده ربک الرحمن الرحیم هل یقدر احد ان یتكلّم من تلقاء نفسه بما یعترض به عليه العباد من کل وضیع و شریف لا فوالذی علم القلم اسرار القدم الا من کان مویدا من لدن مقدر قدر".

از لوح مبارک خطاب به مانججی صاحب:

"نامه شما در زندان به این زندانی روزگار رسید خوشی آورد و بر دوستی افزود و یاد روزگار پیشین را تازه نمود سپاس دارای جهانرا که دیدار را در خاک تازی روزی نمود دیدیم و گفتیم و شنیدیم امید چنان است که آن دیدار را فراموشی از پی در نیاید و گردد روزگار یاد او را از دل نبرد واز آنچه کشته شد گیاه دوستی بروید و در انجمن روزگار سبز و خرم و پاینده بماند. اینکه از نامهای آسمانی پرسش رفته بود رک جهان در دست پزشک داناست درد را میبیند و بدانایی درمان میکند هر روز را رازی است و هر سر را آوازی درد امروز را درمانی و فردا را درمان دیگر امروز را نگران باشد و سخن از امروز رانید دیده میشود گیتی را دردهای بیکران فراگرفته و او را بر بستر ناکامی انداخته مردمانی که از باده خودبینی سرمست شده‌اند پزشک دانا را از او بازداشتهداند این است که خود و همه مردمان را گرفتار نموده‌اند نه درد میدانند نه درمان میشناستند راست را کژ انگاشته‌اند و دوست را دشمن شمرده‌اند بشنوید آواز این زندانی را بایستید و بگوئید شاید آنان که در خوابید بیدار شوند بگو ای مردگان دست بخشش یزدانی آب زندگانی میدهد بشتابید و بنوشید هرکه امروز زنده شد هرگز نمیرد و هرکه امروز مرد هرگز زندگی نیابد.

ای دوست چون گفتار نفستین در روزپسین بیان آمد گروهی از مردمان آسمانی آواز آشنا شنیدند و بآن گرویدند و گروهی چون کردار برخی را با گفتار یکی ندیدند از پرتو آفتاب دانایی دور ماندند".

از کلمات مبارکه مکنونه فارسی:

"زینهار ای پسر خاک با اشرار الفت مکیر و موانتست مجو که مجالست اشرار نور جان را بنار حسبان تبدیل نماید.

ای پسر کنیز من اگر فیض روح القدس طلبی با احرار مصاحب شو زیراکه ابرار جام باقی از کف ساقی خلد نوشیده‌اند و قلب مردگان را چون صبح صادق زنده و منیر و روشن نمایند.

ای غافلان گمان مبرید که اسرار قلوب مستور است بلکه بیقین بدانید که بخط جلی مسطور

گشته و در پیشگاه حضور مشهود.

ای دوستان براستی میگویم که جمیع آنچه در قلوب مستور نموده اید نزد ما چون روز واضح و ظاهر و هویداست ولکن ستر آن را سبب جود و فضل ماست نه استحقاق شما.

ای پسر انسان شبینمی از ژرف دریای رحمت خود برعالمیان مبذول داشتم و احدی را مقبل نیافتم زیرا کل از خمر باقی لطیف توحید بماء کثیف نبید اقبال نموده اند و از کاس جمال باقی بجام فانی قانع شده اند فبئس ما هم یقنون.

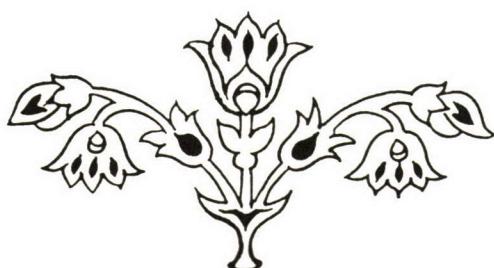
ای پسر خاک از خمر بیمثال محبوب لایزال چشم مپوش و بخمر کدره فانیه چشم مکشا از دست ساقی احديه کوهس باقیه برگیر تا همه هوش شوی و از سروش غیب معنوی شتوی". انتهی.
امید و طید چنان است که جوانان عزیز بهائی کشور مقدس ایران به محتویات این مقاله که مزین به بیانات مقدسه و دستورهای مؤکد مبارک مولای توانا حضرت ولی امرالله ارواحنا لترتیبه الفداست توجه تام بفرمایند و این نکته مهمه را همواره در مد نظر قرار دهند که آئین نازنین بهائی برای وحدت اهل عالم و اتحاد ملل و امم ظاهر شده بفرموده جمال قدم جل اسمه العظم که در کتاب عهدی نازل شده، قوله الاعلی:

"مقصود این مظلوم از حمل شدائد و بلایا و ارزال آیات و اقامار بینات احمد نار ضغینه و بغضا بوده که شاید آفاق افتاده اهل عالم بنور اتفاق منور گردد و باسایش حقیقی فائز".

"منظور اصلی مظاهر مقدسه تربیت نفوس بشری و رفع تعصبات بیهوده است و لهذا برای وصول بچنین مقام بلند اهل بها و راکبین سفینه حمرا باید از دائره حدودات بشریه قدم فراتر نهند و افق فکر را وسعت کامله بخشند و زبان رافظ و سیله ای برای هدایت اهل عالم شناسند و این بیان مبارک جمال اقدس ابھی را همواره در مد نظر قرار دهند که میفرمایند قوله الاعلی:
"...اگر از لغات مختلفه عالم عرف ثنای تو متضوع شود همه محبوب جان و مقصود روان
چه تازی چه فارسی اگر از آن محروم ماند قابل ذکر نه چه الفاظ چه معانی ...". انتهی.

علی اکبر فروتن
ارض اقدس - حیفا

شهرالشرف ۱۳۱



خدمت امرالله

«تنظيم از جابر بحشیده شنی راوه»

آن عزیزان چه آنهاییکه شهید شدند و چه آنهاییکه چون کوه در مقابل بلايا مستقیم مانده‌اند چندان انتظاری از ما درقبال خون مطهرشان و قبول تضییقات ندارند، و چه بسا آرزو میکنند که ایکاش صدهزار جان میداشتند و فدای جانان مینمودند. ولی آیا شرط وفات است؟ آیا شرط انصاف است یا شرط مروت است که عمر گرانمایه را به انتها رسانده و با دلای مرده که به آمال و آرزو آلوده شده و جمال دوست ندیده به آب و گل باز گردیم؟

همه ما شاید به امید رزق یومی، بامید سرزمنی امن و امان، بامید تحصیل و یا بامید کسب ثروت و زندگی بهتر از زادگاه خود کوچ نموده‌ایم و باین دیار آمده‌ایم، در دل خود به خیلی چیزها معرفیم ولی نباید مایوس بود زیرا میفرمایند: "در هر چیزی سری مکنون است". پس این آمد و شدها هم سری دارد و این نمیتواند باشد مگریه مشیت الهیه. اگر اراده حق شامل نمیشد سنگ از روی سنگ حرکت نمی‌نمود. اکنون آیا فکر نمیکنید این حرکتی که صورت گرفته باید استمرار حرکت یاران عزیز ایران باشد و در جهت خدمت به امر جمال اقدس ابھی صورت گیرد؟ آری مسیر واقعی وحقیقی این حرکت همان خدمت امرالله است لاغیر که ما فرد فرد بدون استثناء در این دیار بآن مأموریم.

دوستان عزیز: انفاس حیات را صرف امری عظیم کنید و مدت زندگانی را حصر در خدمت نور مبین نمائید تا عاقبت گنج روان ملکوتی بدست آرید و از زیان و خسran برهید، زیرا حیات

سالها میگذرد و آتش بلا که همانا موهبت و عنایات الهیه است در موطن جمال‌بارک بر عزیزانمان در مهد امرالله شعلهور است و ما چه قبل از شعلهور شدن این آتش و چه بعد از آن خود را از این فیض الهی محروم نموده‌ایم و در دیاری دیگر سکنی گزیدیم. دیدیم، شنیدیم و خواندیم که یاران جمال‌قدم چگونه رقص کنان بمیدان فدا شتافتند و طناب دار را بوسیدند و دماء مطهرشان را در راه معبد و دوست حقیقی بزمین ریختند تا شجره امرالله بارور گردد، جانهای بیشماری در راه محبوب نثار شد و سرهای نامداری بر دار مرتفع گشت و سینه‌های پاکی آماج تیر جفاکاران گردید، آنها دست از جان شستند و عزم جانان نمودند، چشم از عالم و عالمیان برداشتند و به جمال دوست گشودند، زیرا میدانستند با چشم فانی جمال باقی نتوان دید. گردن برافراختند و سینه سپر بلا ساختند. آنان منتظر نماندند که تیر گمراهان بسوی قلب پر مهر و وفای آنها حرکت نماید، بلکه خود بطرف آن شتافتند. آنان از مدارج ظل وهم بگذشتند و به معراج عزیقین وارد گشتند تا شاید و یقیناً خدمتی به امرالله انجام دهند.

آری تاریخ بار دیگر تکرار شد. چه بسا شدیدتر از اوایل. حال ما بہر دلیل و بہر عنوان باین دیار آمده‌ایم و دست و دل از کشور مقدس ایران بالاجبار شسته‌ایم، فرصت بسیار برای فکر کردن و اندیشیدن داریم. برای لحظه‌ای فکر کنیم آنها چرا جان عزیز خود را باختند؟ آنان به اوج اعلی تاختند؟ به یقین مبین میدانیم که چه دیدند که مال و جان و خانواده بگذاشتند و

نادویده دست یافته‌ایم. آری در دورانی بسر میبریم که حقایق مقدسه آرزو دارند جای بند و شما باشند تا بتوانند خدمتی به آستان مقدسش نمایند. پس باید این نعمت را صد هزار مرتبه شکر گفت و در این میان احباء عزیز ایران به چه فضلی نایل آمدند، زیرا میفرمایند: ... احباء ایران رافعان علم هدایتند و منادیان امر حضرت احادیث خدمات عظیمه مستمره‌شان در عقود و عهود متولیه تاریخ امر الهی هرگز از بسیط غبرا محو نگردد چه که قلم اعلی بذکر محمد و مناقبسان متحرک و الواح مبارکه مرکز میثاق بر تمجید خدماتشان ناطق و تواقيع منیره مصدر ولایت عظمی بر علو مقامشان شاهد... یاران الهی آنچه دارند و آنچه جویند باید برای امر مبارک خواهند، عزت و شوکت و غنا و ثروت، علم و صنعت کل درنظر احباء عزیز وسیله عبودیت آستان الهی است نه هدف اصلی و مقصد غائی. اگر این مراتب و شئون در سبیل خدمت امر مبارک و تاسیس ملکوت الهی و خدمت عالم انسانی بکار رود زمی سعادت و نعم المراد، والا وبال گردن است و اسباب گرانباری و محرومیت ... (۵)

وقتی صحبت از خدمت امرالله پیش می‌آید اکثرا در ذهن افراد این سؤال مطرح می‌شود که برای خدمت کردن باید شرایطی خاص فراهم باشد تا بتوان به خدمتی نائل گردید. مثلا میدان خدمت، تامین بودن وضع مالی، دارای معلومات عالیه امری بودن، و نظایر آن. حق در این مورد چنین میفرماید: ... فی الحقيقة میدان خدمت چنان وسیع وایام بدرجه‌ای خطیر و امرالله بشانی عظیم و خدام آستان به پایه‌ای قلیل و فرصت بحدی کوتاه و قصیر و افتخارات به میزانی جلیل و پربهاست که احدهی از پیروان امر حضرت بهاءالله که خود را قابل انتساب به آستان مقدس الهی شمارد لحظه‌ای تامل و تردید بخود راه ندهد و دقیقه‌ای در انجام وظایف

بشر جمیع درخطر، اطمینان بقا در دقیقه‌ای نه وجود این اقوام مانند سراب اوهام در مجند و گمان اوج دارند، هیهات هیهات قرون اولی نیز چنین گمان منیمودند تا آنکه بموجی از امواج به تراب پنهان شدند و به خسaran و زیان افتادند، مگر نفوosi که فانی محض شدند و در سبیل الهی به جانفشنانی برخاستند کوکب نورانی آنان از افق عزت قدیمه درخشید و آثار قرون واعصار برهان این گفتار. پس شب و روز آرام نگیرید و راحت نجوئید، راز عبودیت گوئید و راه خدمت پوئید تا به تائید موعود از ملکوت احادیث موفق گردید... (۱)

باید دوستان به خدمت امر مشغول باشند اگر در ایام الهی، امر محبوبی از نفسی ظاهر شود حکم لقاء از برای او از قلم اعلی جاری میشود... (۲)

و نیز میفرمایند... ای یاران الهی جهی بلیغ نمائید و سعی شدید کنید تا موفق بعیوبیت جمال‌قدم و ذور مبین گردید و سبب انتشار انوار شمس حقیقت شوید. چشم قدیر قدیم امکان را روحی جدید بدمید و مزرعه آفاق را تخم پاکی بیفشناید و بر نصرت امر قیام نمائید... (۳)

در مورد اهمیت خدمت در این دور اعظم که فخر اعصار و قرون است همین بس که حضرت ولی محبوب امرالله میفرمایند: ... الیوم حقایق مقدسه ملأه اعلی در جنت علیا آرزوی رجوع باین عالم می نمایند تا موفق به خدمتی به آستان جمال ابهی گردند و به عبودیت عتبه مقدسه قیام کنند... (۴)

ملاحظه میفرمائید چقدر امر عظیم است و ما در چه دوران پرشکوهی زندگی میکنیم و به چه گنجی

روحانیه خویش توقف ننماید... (۶)

بشنوند... باید رضای جمال‌مبارک را درنظر بگیرند و به اشخاص نظر نکنند. مثلاً بگویند چون جمال مبارک خواسته که من خدمتگذار عالم انسانی باشم باید باین شخص خدمت کنم... (۹) و نیز می فرمایند: ... در فکر آن باشند که خدمت بهر نفسی از نوع بشر نمایند و به اعراض و انکار واستکبار و ظلم و عدوان اهمیت ندهند و اعتنا نکنند، بالعکس معامله نمایند و به حقیقت مهربان باشند نه بظاهر و صورت ... (۱۰)

بله دوستان عزیز گاهی اوقات در این دیار دور هم می نشینیم و یا اینکه با خود خلوت می‌کنیم و به گذشته نمچندان دور نظری می اندازیم به دوستانمان به فامیلیا به عزیزانمان که با آنها سالهای سال مانوس بودیم و حالا پیش ما نیستند و شهید راه جمال‌مبارک گردیدند چه بسا آهی از ته دل می‌کشیم که خوشابحالشان در این دنیا آزمایش روشنی درآمدند، خوشابحالشان که حسن خاقمهای برای خود فراهم آوردند، خوشابحالشان که نیستند تا اینهمه سختی و مشقت را تحمل کنند. و از این قبیل درد دلها. و بعد می‌گوییم ایکاش ما هم مثل آنها بودیم. حضرت ولی عزیز امرالله می‌فرمایند: ... مقام فدا بسیار مقبول و مطلوب ولی الیوم باید چنان بود که در هر ساعتی شهید گشت و در هر دقیقه صدهزار جان فدا نمود. اما شهادت یکدفعه جان باختن و تا فضای اوج اعظم تاختن است ولی خوشنتر آنکه در این بساط به کمال فرح و انبساط هر آن صدهزار جان فدا نمود و به خدمت امر حضرت احادیث قیام کرد. (۱۱)

ملحوظه بفرمایید حق چگونه راه و رسم رسیدن به خواستهای قلبی بندگانش را واضح و روشن مشخص فرموده‌اند، پس باید برای رسیدن به این چنین آرزوهای درونی ب瑞کدیگر سبقت گیریم نه آنکه خدای ناکرده بگوئیم دیگران هستند

و نیز می‌فرمایند: ... ای یاران میدان مجاهدت مفتوح است و تائید جنود ملاع اعلی محظوم و سپاهیان ملکوت مستعد کفاح و هجوم. نظر به ضعف و ناتوانی خود و شدت موافع مقابله فرمایید شمع منیر اگرچه حقیر است بزم‌افروز است و آتش سرکش هرچند شدید است خرمن سوز، به وعد مصّرّحه در آیات الهیه مطمئن باشید و نظر به الطاف جمال ابھی فرمایید که به صریح بیانات مبارکه عنایاتش قطه را موج دریا دهد و ذره را اوج اثیر بخشد، مور نحیف را جله سلیمانی عطا فرماید و پشه ضعیف را عقاب آسمان سازد. همت کنید، قیام فرمایید که دور دور شماست و شاهد مقصود در انتظار شما... (۷) هرچه دامنه خدمات احباء وسعت گیرد امواج تائید اوجش بیشتر و خروشش شدیدتر گردد و بالعکس اگر یاران در مقابل مشکلات مقابله مزعوب و محمود شوند از امداد جنود ملاع اعلی که مستعد کفاح و هجومند محروم مانند... (۸)

آری این خدمت را نباید محدود به خود و یا خانواده خود نمود و باین حد محدود کرد، بلکه باید عمومی باشد زیرا امری ممدوح و مورد قبول الهی است که خیرش بعموم راجع گردد، چنانکه می‌فرمایند: ... احباء الهی در هر حال ممی‌بندند بشرط آنکه نه فقط حیاتشان منحصر به نفس خودشان باشد و در پی تحصیل ثروت و مقام بروند و بگویند من که حکیم شدم باید تا آخر عمر راحت باشم و چنین و چنان کنم، بلکه باید نیت خیر داشته باشند که خود را خادم عالم انسانی بدانند رنج خود را بطلبند و راحت دیگران. اگر باین حالت موفق گشتند آنوقت ممی‌بندند، تائیدات الهیه احاطه می‌کند ... احباء باید در علوم ظاهره هم بین‌الامال والاقران ممتاز باشند. باید اول نمره

در این میان جوانان عزیز نقشی بس عظیم بعده دارند آنها عوامل پیشرفت محیرالعقل امرالله هستند. جوانان عزیز بهائی فرصت بسیار مبارکی در پیش دارند، تا سبکبارند باید رهسپار سبیل خدمت گردند، اگر به اکتساب علوم و فنون عالیه نافعه مشغولند و یا بشغل و صنعت و اقتراضی مألف باید در همه حال مقصد اعلامیشان تقديم خدمتی به آستان یزدان باشد، سنین اخیره شاهد مجاهدات جمیله و توفیقات بدیعه جوانان در شرق و غرب جهان بوده از مهد امرالله نیز جمعی از آن نهالان بوستان حقیقت در گلشن عبودیت ببالیدند و باعث فخر و مبارکات کل گشتند بعضی تحصیل و مهاجرت را با هم قرار دادند و در هر دو موفق شدند و برخی جهت تبلیغ و تشویق به اسفار طویل المدت پرداختند و عده‌ای قبول شغل و کسب قلیلی را در میدان خدمت ارجح بر فراش راحت و مشاغل بهتر شمردند واز این راه انقطاع خویش را اثبات فرمودند. (۷)

واقع مولمه ایران نشان داد که هیچکس نمیتواند خود را از این امر مهم مستثنی سازد زیرا دیدیم آن پیمرد ۸۵ ساله یزدی چه کرد و آن دختر ۱۶ ساله شیرازی چه نمود پس خدمت امرالله برهمه مقدار شده است تا بدینوسیله بندگی خود را بجمال مبارک به اثبات رسانیم و در این راه باید جوانان عزیز را یاری و همکاری نمود و حداقل کمک را در اجرای این مهم ارزانی داشت. چه بسا جوانانی هستند که قلب پاکشان چون مرأت صافی اشعه ساطعه از مرکز نورانیت را سریعاً جذب کرده و قصد انعکاس آنرا دارند و بر همین اساس قصد خدمت دارند، و چه بسیار والدین در مقابل این سور عشق و ایمان چنین عکس‌العملی نشان میدهند. شما فعلاً جوانید و وقت بسیار دارید میدان خدمت وسیع است انشاء الله در آینده و ... و یا اینکه می‌گویند: عنقریب الهی بسیار طولانی است پس فرصت بسیار است

دیگر احتیاجی بما نیست و یا اینکه شکستمنفسی کنیم و بگوئیم ما که لایق نیستیم و احیاناً چنین بهانهای را برای خود بتراشیم زیرا حضرت ولی محبوب امرالله میفرمایند: ... در خدمت حق و امر او بربکدیگر سبقت گیرید این است آنچه که شما را در این جهان و جهان دیگر بکار آید ... (۱۲)

دوستی بمزاح میگفت احباء اگر واقعاً در فکر حفظ مال و ثروت خویش باشند ژروشان را جائی سرمایه‌گذاری میکنند که محفوظ بوده و بره واقعی با درصد بالائی داشته باشد. احباء بهتر است مال و منالشان را در راه جمال‌مبارک مصرف نمایند و مطمئن باشند بره آن اضعاف مضاعف خواهد بود و در این عالم و عالم دیگر دریافت میدارند... مبادا یاران عزیز که باید جوهر انقطاع و اعتدال باشند مفتون ظواهر این جهان فانی گردند و به آسایش دنیا دل بندند و حیات خویش را بهدر دهن. اگر اهل ژروتند باید آنچه را به آنان عنايت شده وسیله تقرب بدرگاه کبریا سازند نه آنکه رنگ تعلق پذیرند و نصایح قلم اعلى را فراموش نمایند زیرا میفرمایند: بعد از تحقق وجود و بلوغ ژروت لازم و این ژروت اگر از صنعت و اقتراض حاصل نزد اهل خرد مددوح و مقبول است. ولکن ژروت و عزّت اگر وسیله خدمت و عبودیت آستان الهی گردد مطلوب است والا احتراز از آن محبوب ... (۱۳)

و نیز میفرمایند: ... قسم به مسخر عالم که هر نفسی الیوم به خدمت امر ولو اقل من ذر باشد و عمل بما ازله الله فی الكتاب فائز شد البته مكافات آنرا در دنیا و جمیع عوالم فائز خواهد گشت ... (۱۴)

آری یاران باوفای جمال مبارک، آنچه باعث نجات ما در این عالم و عوالم دیگر است خدمت امرالله است والا مطمئن باشید عمر بیهوده میگذرد وابداً ثمری نخواهد داشت.

اعلان

بطوریکه از مؤسسه مطبوعات بهائی هندوستان اطلاع میدهنند کتب ذیل برای فروش به یاران الهی آمده است نقوسی از دوستان که مایل بخیری آنها هستند میتوانند با ارسال وجه لازم با آدرس مؤسسه بشرح ذیل مکاتبه فرمایند:

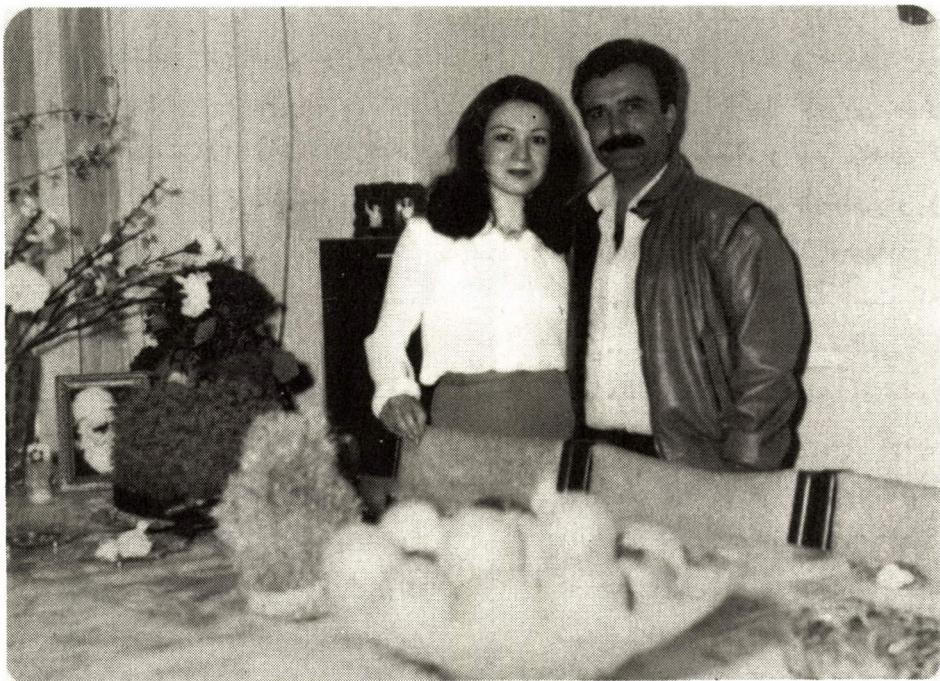
قیمت	نام کتاب
۳۰ روپیه	۱ - آثار قلم اعلی
" ۳۵	۲ - دریای دانش
" ۲	۳ - بحور الحکمه
" ۵۰	۴ - گنجینه حدود و احکام
" ۴۵	۵ - تسبیح و تهلیل
" ۷۵	۶ - پیام ملکوت
" ۲۵	۷ - لوح مبارک سلطان ایران
" ۲۰	۸ - مائده آسمانی
" ۸۵	۹ - مائده آسمانی
" ۱۴۰	۱۰ - مائده آسمانی
" ۴۵	۱۱ - مفاوضات
" ۱۵	۱۲ - مجموعه مناجات‌های حضرت عبدالبیاء (جلد دوم)
" ۱۵	۱۳ - مجموعه مناجات‌های حضرت عبدالبیاء (جلد سوم)
" ۲۵	۱۴ - جلوه مدنیت جهانی
" ۸	۱۵ - وعده صلح جهانی
" ۷۵	۱۶ - رسائل علمی - جناب فروتن
" ۳	۱۷ - کتاب ایقان
" ۵	۱۸ - سوره‌الملوک
" ۳۰	۱۹ - التبیان والبرهان
" ۱	۲۰ - کتاب قیامت
" ۲	۲۱ - آئین بهائی
" ۴	۲۲ - بشارت عظیمی
" ۴	۲۳ - نگاهی به تاریخ - جناب فروتن
" ۳۸	۲۴ - جمال ابهی - جناب دکتر قدیمی
" ۱۵	۲۵ - مجموعه شعر - جناب دکتر بهزاد
" ۱۰۰	۲۶ - نم نم باران - اشعار جناب فتح‌اعظم

. شاید عنقریب الهی در مقایسه با عمر کوتاه ما طولانی باشد ولی بهمین عمر کوتاه هم اعتمادی نیست زیرا حق فرموده: ... به دقیقه‌ای بعد اطمینان نشاید ... پس جوانان عزیز شما که در این جهان مادی که وجهه آن رو به لامذهبی است و در هر یوم درمعرض استهزا مستکبرانید و هدف تیر ملامتگران، باید به جوشن ایمان و عرفان مجهز گردید و بر توسعن اطمینان نشینید و به میدان عبودیت جولان دهید و از هیچ چیز در این راه نهراستید زیرا جنود ملء اعلی یار و پشتیبان شماست. انتهی

منابع مورد استفاده:

- مکاتیب حضرت عبدالبیاء، جلد ۲، صفحه ۳۷۴
- امر و خلق، جلد چهارم، صفحه ۱۴۰
- پیام بیت‌العدل اعظم الهی خطاب به احباب ایرانی مقیم بلاد غربیه، شهرالاسماء ۱۳۸ بدیع ۴ - ظهور عدل الهی، صفحه ۹۹
- پیام بیت‌العدل اعظم الهی خطاب به احباب ایرانی، شهرالعلاء ۱۲۲ بدیع ۶ - ظهور عدل الهی، صفحه ۹۸
- پیام بیت‌العدل اعظم الهی خطاب به احباب ایرانی، نوروز ۱۳۱ بدیع ۸ - پیام بیت‌العدل اعظم الهی خطاب به محفل ملی ایران، ۱۷ شهرالملک ۱۲۶ بدیع ۹ - خاطرات حبیب، صفحه ۵۶
- مکاتیب حضرت عبدالبیاء، جلد سوم، صفحه ۱۲۱ مائده آسمانی، جلد ۹، صفحه ۷۳
- ظهور عدل الهی، صفحه ۱۲۰
- پیام بیت‌العدل اعظم الهی خطاب به احباب ایرانی مقیم بلاد غربیه، ۴ شهرالملک ۱۳۶ بدیع ۱۴ - مائده آسمانی، جلد ۸، صفحه ۱۴۸
- مائده آسمانی، جلد ۸، صفحه ۱۳۷

شرح حال و شهادت شهید مجید جناب جمال کاشانی علیه رضوان سید



عکس آقای جمال کاشانی و خانمش افسانه خانم شهیدی - توروز ۱۴۰ بدیع

جناب آقاعلی اکبر و عائله در آن مزرعه دوازده سال اقامت فرمودند و متدرجًا مهاجرین دیگر با آن محل اضافه شدند و محفل روحانی آن قریه تشکیل شد.

جناب آقامجال برای تحصیل دروس ابتدائی با تفاق خواهر و برادرش کمال در گنبد قابوس نزد مادر بزرگ خود بسر میبردند و چون اطفال بزرگتر شدند لذا برای تحصیل دروس دبیرستانی مجبور شدند به شهر گرگان رهسپار گردند و مدت هفت سال در گرگان به تحصیل پرداختند و آقاعلی اکبر در خارج شهر با مور زراعتی مشغول بودند که معاش عائله را تأمین میکردند.

شهید عزیز جناب آقا جمال کاشانی فرزند آقاعلی اکبر کاشانی و باهره خانم سلیمانی (وادقانی) کاشانی در تاریخ ۱۸ شهریور ۱۳۶۰ بدیع مطابق ۲۵ سپتامبر ۱۹۴۹ در طهران متولد شده. در وقتی که آقامجال کاشانی چهارساله بود والدین ایشان با این طفل بقصد مهاجرت از طهران به قریه علیآباد طپانچه هجرت کردند و سه سال در آن قریه بستختی سکونت نمودند و چون بواسطه مشکلات شغلی و تحصیل معاش دچار موانع شدند از آنجا خارج و محل هجرت خود را به اطراف گنبد قابوس تعویض نمودند و در مزرعه‌ای مقیم گشتند.

او را اذیت و آزار میکردند که تبری کند با شجاعت و جرئت مقاومت مینمود و ما لقب دلاور باو داده بودیم. هر وقت او را برای بازجوئی میبردند وقتی برミگشت با روئی روشن و متبسم مراجعت مینمود درحالیکه از بس سیلی و مشت بر سروصورتش زده بودند کبود رنگ شده بود و آثار ضربت از جبین و سروگردن و گوشاهی او ظاهر و نمایان بود و ما از مشاهده آن ضربات ناراحت و محزون میشدیم.

آقاعلی اکبر کاشانی میگوید پانزده روز بعد حسب المعمول رفتیم بزندان که جمال عزیzman را ملاقات کنیم. لباسهای او را بما دادند و شماره تلفنی را ارائه نمودند که محل دفن او را بدانیم. خدا آگاه است که در آنموقع چه حالی شدیم و چه عوالمی را طی کردیم.

انشاء الله خداوند ظالمین را متتبه سازد.

نگارنده برای پیدا کردن اصل و نسب آقاجمال کاشانی و قرینه‌اش افسانه خانم شهیدی (الهام) تحقیقاتی را شروع نمود و معلوم شد که جد اعلی افسانه خانم و آقاجمال هردو از شهدای دوره جمال قدم جل جلال‌الاعظم بوده‌اند.

جد آقاجمال حسن شعبان بوده که ایشان را شهید نموده‌اند و قلم قدم جل ذکره‌الاعظم آن شهید مجید را بلقب آحسن ملقب فرموده و آحسن دو پسر داشته که یکی از آنها شمس‌الله جد آقاجمال کاشانی است.

افسانه خانم شهیدی نیز صبیه جناب لبیب شهیدی است که نوه آقابعدالرسول است که سقای بیت مبارک در بغداد بوده. جناب لبیب شهیدی در ارض اقدس متولد شده و اکنون در کالیفرنیا اقامت دارند. اما آقابعدالرسول سقای بیت مبارک را در بغداد اعدای امرالله کارد بر شکم ایشان فروکرده و شهید نموده‌اند. ایشان مورد عنایات و الطاف جمال قدم جل ذکره‌الاعظم واقع گشته‌اند.

نمایند و ضمناً مهاجر آن نقطه باشند.

جناب آقاجمال در سن ۲۴ سالگی با امه‌الله افسانه خانم شهیدی ملقبه به الهام ازدواج نمود و خداوند دو دختر بانها عنایت فرمود که بنام ماندانا و هدی نامیده شدند.

جناب آقاجمال مدت نه سال بدهقان ویلا که یکی از شهرهای کوچک تازمساز اطراف کرج میباشد نقل مکان نمود و در آنجا عضو محفل روحانی بود و اکثر جلسات در منزل او تشکیل میشد.

جناب آقاجمال مدت ۱۸ ماه در زندان اوین تحت شکنجه و آزار قرارداشت و بالاخره در روز یکشنبه ۹ دسامبر ۱۹۸۴ مطابق ۱۷ شهر القول ۱۴۱ بطرز نامعلومی بحیات او خاتمه داده و شهیدش کرده‌اند.

آقاعلی اکبر کاشانی میگوید آخرین دفعه که برای ملاقات پسرم بزندان رفتیم از او پرسیدم اوضاع چطور است و درجه حالی هستی. جواب داد پدرجان مطمئن باش که محبوبیم را چون بصر و جان عزیزش میدارم و جانم را برای نثار آستانش آماده دارم. از شنیدن این نکات فهمیدم که عنقریب او را شهید خواهند کرد. باهره خانم مادرش میگوید دیدم انگشتی دو دست پسرم زرد و ناخنهاش سیاه رنگ شده بود واز مشاهده آن ناراحت و گریان شدم ولی پسرم جمال مرا دلداری داد و گفت مادرجان ناراحت نباش ما تا از همه چیز نگذریم بهمه چیز نمیرسیم. جمال عزیز به خانمش میگوید غصه و اندوه بخود راه مده بذیل حضرت پروردگار متمنک باش خدا بزرگ است برخدا توکل داشته باش آنچه مقدر است خیر محض است.

سه نفر افراد غیربهائی که مدتی در زندان با آقاجمال محشور و موأنس بوده‌اند وقتی از حبس آزاد شدند برای والدین آقاجمال تعریف کرده‌اند و گفته‌اند آقاجمال جوانی باشهمat و قوی‌القلب و با استقامت بود، هرچه



«بعم متصاعدہ لہ تہما در شہید مجید»
«فرستنده خانم روچینہ شکر».

شرح زندگانی شهید مجید جناب فریدون فردانی

از شهادتی سبعةٍ يزد



به سمت مساعد انتخاب و بعد از دو سال
بعضیوت هیئت معاونت مفتخر و متباهی گشت.
همواره دراعلای امرالله، تشویق و تحریص
احباء الله و حضور در جلسات جوانان و
بزرگسالان چه در شهر و چه در دهات و
قصبات جهد بلیغ مبذول میداشت.

در سن ۱۸ سالگی عریضه‌ای بحضور مولای
مهربان حضرت ولی عزیز امرالله تقدیم و طلب
تأثید نمود و به اخذ جواب عطوفت آمیز از آن
مولای بیهمتا فائز گشت.

در سن ۲۷ سالگی با صبیه متصاعدالله،
جناب اسفندیار مجذوب (همايون خانم) ازدواج
نمود. اولادن ایشان بنام فرشته، مهران، و
نادر هستند که همگی مومن و در ظل امر مستریح
میباشند.

در تابستان سال ۱۳۵۹ شمسی مطابق
۱۹۸۰ میلادی بنا به اراده الهیه چند نفر از

شهید عزیز آقای فریدون فردانی فرزند
ارشد گشتاسب و گلچهر فردانی در سال
۱۳۰۱ شمسی مطابق با ۱۹۲۲ میلادی در یزد
در خانواده بهائی زردشتی نژاد متولد و نشو و
نما نمود.

در ایام کودکی در مهد امر تربیت یافت
و به تحصیل دروس امری علاقه وافر داشت.
کتب مقدسه اقدس و ایقان و سایر کتب امریه
علی‌الخصوص الواح و آیات عربیه را در خدمت
فضلای امر و مبلغین گرامی حضرات متصاعدين
الی الله جنابان نوش‌آبادی، علوی، و فاضل یزدی
تحصیل نمود و بعده در شهر و حومه به اداره
کلاس‌های متعدده دروس امری و تدریس و تشویق
جوانان پرداخت. در اوان جوانی سالهای
متمامی عضو فعال لجنه تربیت اطفال و لجنه
جوانان بود. در سال ۱۳۲۹ شمسی، مطابق با
سال ۱۹۵۰ میلادی که اعضای محفل مقدس
روحانی یزد جمیعاً به مناسبت اتهام بپروا گرفتار
و تحت محاکمه بودند آقای فردانی به سمت
عضو محفل جدید انتخاب و نیز بسمت منشی
محفل مفتخر گردید و این وظیفه جدید روحانی
خود را در آن ایام بینهایت سخت و بحرانی
باکمال شجاعت و جدیت انجام میداد و از آن
موقع به بعد مرتباً به عضویت محفل روحانی یزد
و به نمایندگی کانونشن ملی انتخاب، و هرسال
به سمت منشی محفل مفتخر میشد. بعد از
بازنشستگی تمام اوقات روزانه خود را فقط
صرف امور امریه مینمود. در سالهای اخیر

رد اتهامات واردہ و اثبات بی گناهی خویش و سایر احبا تنظیم نموده بود. مندرجات این دفاعیه خود حاکی از روح شهامت و ایمان و ثبوت و استقامت ایشان میباشد.

اسامی شش نفر دیگر از نفوس نفیسه‌ای که با تفاق جناب فریدانی شهید شدند عبارت است از جناب عزیزالله ذبیحیان عضو هیئت معاونت، جناب عبدالوهاب کاظمی منشادی که حین شهادت بیش از ۸۵ سال از عمر شریفشان میگذشت، جناب نورالله اختراخواری، جناب علی مطهری، جناب جلال مستقیم، و جناب محمود حسن زاده.

بعد از شهادت این ارواح مجرده، منسوبین و بازماندگان آنها بلاستثناء دچار مصائب و امتحانات گوناگون گردیدند و محصور به ترک مال و منال و مسکن و موطن خود گشتند و همگی سرگون از شهر و دیار خویش و در نقاط مختلفه متواری شدند.

ترجمه ملکس مغض اعلیٰ مؤخر اول آکبر ۱۹۸۷

با تأسفی شدید و احساسی عمیق تواًم با انزجار، راپرتی را که هم اکنون به مرکز جهانی واصل گشته ابلاغ مینماییم. در ۲۸ سپتامبر دوتن از یاران، جناب اردشیر اختری و جناب امیرحسین نادری که هردو عضو محفظ روحانی ملی بهائیان ایران بوده و از تاریخ ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۴ در زندان بسر میبرده‌اند، در طهران اعدام شدند. احکام اعدام مقارن با ایام توقف دبیرکل سازمان ملل متعدد در ایران صادر گردیده است.

جناب سروش جباری و جناب ابوالقاسم شائق که در سوم مارس ۱۹۸۷ اعدام شدند و نیز جنابان اختری و نادری جزء گروه ۱۴ نفره مسجونین بهائی بودند که سرنوشت آنان از آغاز سال جاری منشاء نگرانی شدند احباب ایران بوده است ...

اعضای مصحف مقدس روحانی یزد و عده دیگر از احبا گرفتار و زندانی شدند. آقای فریدانی هنوز آزاد بود. گرچه مسلم بود که ایشان هم گرفتار خواهند شد، معهداً هرچه یار و اغیار اصرار مینمودند که از یزد خارج شوند قبول ننمودند و اظهار داشتند هرگز وجود ائمۀ راضی نمیشود که احباب اسیر و بازماندگان آنها را تنها بگذارم. باری نه تنها راضی به فرار و اختفا نشد بلکه توانست برای استخلاص زندانیان با مخابرۀ تلگرافات متعدد و نوشتن عرایض به مقامات مریوطه و غیره کوتاهی ننمود، و دستورات واصله از مصحف مقدس ملی را دقیقاً انجام میداد و بحال منسوبین و خانواده‌ای محبوبین رسیدگی مینمود و ایشان را تسلی خاطر میداد و به صبر و سکون دلات میکرد تا آنکه روز ۳۱ تیرماه ۱۳۵۹ شمسی دستگیر و زندانی شد. بیش از شش هفته با سایر زندانیان زندانی بود. وسیله مراوده با این مظلومین فقط نامه‌ای مختصری بود که گاهگاهی از زندان مینتوشتند ولکن اجازه ملاقات به هیچکدام آنها داده نمیشد. روز ۱۶ شهریور ۱۳۵۹ (۲ سپتامبر ۱۹۸۰) بطور ناگهانی اجازه ملاقات به منسوبین داده شد. تمام محبوبین در نهایت ثبوت و رسوخ بودند. همگی امیدوار بودیم که بزودی آزاد شوند ولی روز بعد یعنی روز ۱۷ شهریور مطابق ۸ سپتامبر خبر شهادت هفت نفر از آن عزیزان از جمله آقای فریدانی به بازماندگان داده شد و تاریخ شهدای سبعه یزد پرای چهارمین مرتبه تجدید گردید. قلوب یار و اغیار و اشخاص منصف چه زردشی و چه مسلمان از این ظلم جریح‌دار شد چه که این وجودات مقدسه همگی بحسن اخلاق و پاکی طینت معروف بودند.

از صفات ممتازه آقای فریدانی محبت خالصانه، تواضع و فروتنی زاید‌الوصف و امانت و صداقت بود. آقای فریدانی در زندان دفاعیه مفصلی خطاب به دادگاه اسلامی مبنی بر

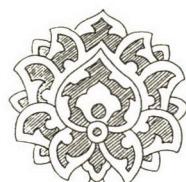
جانم به لطف جمال مبارک در سور و فرحي
است که هرگز در حیاتم نظیر آنرا بخاطر نمیآورم
و شاید دیگر هرگز برایم تکرار نشود.
خار ارچه جان بکاهد گل عذرآن بخواهد

سهول است تلغی می در جنب ذوق مستی.
قربانتان شوم گفتنی بسیار است
اما مقتضیات مفقود. لذا به همین مختصر
قناعت میکنم. این زمان بگذار تا وقت دگر.
تمنا دارم درادعیه حاره خود و نیازهای
خالصانهتان مرا نیز یاد کنید. تعیات بدیعه و
اشواق طیبه ما را خدمت جمیع دوستان ابلاغ
فرمائید.

فدايتان - فرهاد

قسمت رزرو یستعفی حضرت ولی محبوب امراء مورخه ۱۴ شهریور ۱۰۲ بیان

"... فرمودند بنویس قبل راجع به
اهمیت لغت عربی و تعلیم آن به اطفال و تاسی
و متابعت لحن الواح مبارک در منشات امریه و
تقریر و تحریر و نشریات یاران و پیروان امر
حضرت رحمن در آن سامان دستور صریح صادر
و همچنین بواسطه زائرین تاکید گشت، مسامحه
و اهمال قطعیا جائز نه و تقلید و ترویج افکار و
عقاید حالیه راجع به انصاف ایندو لغت یعنی
فارسی و عربی بسیار مضر. یاران را محفوظ ملی
روحانی باید تذکر دهد و تشویق و دلالت
نماید..."



نامه ای از کی از عزیزان زمانی

عزیزان مهربانم قربانتان گردم

از راهی دور و با دلی پرشور روی
ماهستان را میبیوسم. اگر چه مدت مدیدی است
که حتی از زیارت دستخط زیبایتان مهجورم
وازاستشمam رائمه دلانگیز مهر و محبتان
محروم، اما در عالم جان "آنی نمیرود مگر آنکه
بخاطر آئید و دمی نمیرود مگر آنکه یاد
شوید". سپاس بی پایان بارگا حضرت منان را
رواست که گوهري گرانبهاء در جان آدميان
بودیعه نهاد که بعد اجساد کمترین خللی در
قرب ارواح ندارد.

ای غایب ز دو دیده چنان در جان منی
کز لب گشودنت به من آواز میرسد.
مزید بر دیدار روحانی مسرت شنیدن
بشارت صحت احوال و توفیق در خدمت
شماست که در ملاقاتها بوسیله والدین متتابعاً
دریافت میکنم. تائیدات لاریبیه اش شامل حالتان
باد.

حضرت محبوب فرمود: "من لم يرض
بقضائي فليطلب محبوباً سوائي". شکر عتبه
سامیه جمال مبارک را که افزون به سه سال
است که طوق بندگی اش را در سجن مقدسش به
گردن ما انداخت، و البته این ره نه به خود
میپوئیم که اگر آنی تائید او منقطع گردد لحظه‌ای
امید استقامت و پایداری نخواهد بود.
نمیدانم من کجا و این فضل و عطا کجا، وقتی
بخود مینگرم سراسر قصورم و خطأ، و هنگامیکه
باو می اندیشم تماماً عنایت است و الطاف.
عزیزان خاطر گرامیتان را هرگز بیاد من مکدر
مکنید که اگر چه ممکن است از لحاظ امکانات
مادی و جسمی اندکی در مضيقه باشم و از
دیدار دوستان و نزدیکان محروم، اما روح و

صلح

«ازجناب دکتر علی توکلز»

در سوره بقره آیه ۲۰۵ میفرماید: يا ایها الذین امنوا ادخلوا فی السّلم کافهٔ^۱ ولا تتبعوا خطوات الشیطان إنّه لکم عَدُوٌ مبین. یعنی ای کسانیکه گرویدید همگی در صلح داخل شوید و پیروی از شیطان نکنید برای اینکه او دشمن شماست (ومیخواهد همیشه شما با یکدیگر در جنگ و کشتار باشید). در سوره انفال آیه ۴۹ نیز میفرماید: اطیعوا الله و رسوله ولا تنازعوا فتشلوا و تذهب ریحکم. یعنی فقط از خدا و رسولش پیروی کنید و نزاع و جدال نکنید زیرا سست و ضعیف میشوید و توانائی و آبروی شما خواهد رفت.

گفتم در تورات امثال سلیمان نیز میفرماید: اما مشورت کنندگان صلح را شادمانی است (۱۲:۲۱) و در انجیل متی (۵:۹) فرموده: خوشا بحال صلح کنندگان زیرا ایشان پسран خدا خوانده خواهند شد. اما این مسأله عجیب و باعث حیرت است با وجود اینکه در توراه و انجیل توصیه برای صلح دارد و قرآن مجید تأکید بصلح و سازش میکند ولی پیروان این کتابهای آسمانی و مدعیان ایمان بآنها در سراسر تاریخ اینهمه با هم بجنگ و ستیز برخاسته‌اند و جنگهای صلیبی و منتهی و فرقه‌ای بوجود آورده‌اند. حتی بین پیروان یک دین جنگ و خونریزی و دشمنی واختلاف اتفاق افتاده و هنوز هم ادامه دارد. گفت جواب این مسأله در خود کتاب آسمانی بیان شده. گفتم در کجا و آن چیست؟ گفت در قرآن سوره احزاب، آیه ۶۲ و ۶۶ یوم تُقلب وجوهُهم فی النار یقولون يالیتنا اطعنا الله واطعنا الرسول... و قالوا ربنا انا اطعنا سادتنا و کبراً انا فَاضلُونَا السَّبِيلَا.

لسان الغیب حافظ علیه‌الرحمه را در رویائی شیرین زیارت کردم. گفت چون این سال را سال صلح نامیده‌اند و پیام صلح نیز منتشر شده و کام صاحبدلان را شیرین کرده من هم میخواهم در این مراسم صلح و فعالیت آن شرکت کنم، زیرا همیشه طرفدار صلح بوده‌ام و دوستی را بر دشمنی ترجیح میدادم و از جنگها و خونریزی‌های بشر رنج میبردم و انتقاد میکردم چنانکه گفته‌ام:

جنگ هفتاد و دو ملت همه را عذر بنه
چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند.
گفتم ای شیرین سخن شیراز، اگر آنها حقیقت را میدیدند یا بحقیقت میرسیدند چه میکردند؟ گفت از جنگها و خصومنها و خونریزی دست میکشیدند و بصلح و دوستی و اتحاد میگردیدند زیرا در عالم حقیقت جنگ و جدال و دشمنی و قتال نیست. وحدت و یگانگی و الفت و فرزانگی است، سیل خروشان و کدر چون بدربایی حقیقت رسید آرام میگردد و صفا پیدا میکند. عارف عالیقدر و شاعر پیشین مولوی علیه‌الرحمه که مصدق الفضل للمتقدم بر او صادق است نیز در این باره فرموده:

جان گرگان و سکان از هم جداست
متحد جانهای شیران خدادست.
گفتم سعدی علیه‌الرحمه نیز که استاد غزل و افصح المتكلمين است طرفدار صلح بوده چنانچه در بوستان گفته است:

اگر پیل زوری و گر شیر چنگ
بنزدیک من صلح بهتر که جنگ.
گفت در قرآن کریم نیز از جنگ و جدال
نهی شده و بصلح و محبت توصیه گردیده چنانچه

یعنی هرگاه کلاغ راهنما و پیشوای قومی گردد آنها را به ویرانی و تباہی هدایت خواهد کرد. سپس گفتم ای شیرین سخن شیراز برای این موضوع و پیشنهاد خود چه نظری دارید؟ گفت میخواهم با هم مشترکاً غزلی درباره صلح بسازیم و تقدیم دوستان صلح جو و صلح طلب کنیم. گفتم من در ردیف شعرای درجهموس نیز نیستم چگونه میتوانم با شاعری درجه یک چون شما شرکت کنم. گفت: هذا من فضل الله يوتى من يشاء. این بخشش الهی است بهرکس بخواهد میدهد. قبول خاطر و حسن سخن خداداد است. در این بین از رویای شیرین و اندیشه آن بیرون آمد، بعد از اندکی تفکر دیوان حافظ را برگرفتم، برسبیل تفائل آنرا بازکردم، غزلی آمد که آنرا مناسب دیدم دوبیت و یک مصراع از آنرا در غزلی تضمین کردم تاتقدیم حضور دوستان کنم. تاچه قبول افتاد و چه در نظر آید.

آگست ۱۹۸۶ علی توکلر

ربنا اتهم ضعيفين مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنَمِ لعنةً كبيراً.
يعنى روزی که رویها در آتش عذاب گردانیده شود گویند ای کاش ما فقط پیروی از خدا و پیغمبر خدا کرده بودیم سپس گویند پروردگارا علت گمراهی ما این شد که اطاعت کردیم سرکردها و بزرگانمان را و آنها ما را گمراه کردند. پروردگارا بده ایشان را دوچندان از عذاب و لعنت کن ایشانرا لعنتی بزرگ.

گفتم در انجیل متی (۱۴:۱۵) نیز پیروی و اطاعت از چنین پیشوایان و بزرگان منع شده چنانچه میفرماید: "ایشان را واگذارید کوران راهنما یان کورانند هرگاه کور کور را راهنما شود هر دو در چاه افتدند." در همان انجیل (۲۱:۲) چنین آگاهی میدهد "که نه هر که خداوند خداوند گوید داخل ملکوت آسمان گردد بلکه آنکه اراده پدر مرا که در آسمانست بجا آورد." پس از این سخنها شعر شاعر عرب بخطار آمد که گفته است:

اذا كان الغراب زعيماً قوماً سيهديهم الى دارالبوار

پیام صلح

نفیس هدیه و الهامی از سروش آمد
"که موسم طرب و عیش و ناز و نوش آمد"
زمان رشد بشر گشت و عقل و هوش آمد
ز هر طرف بدوانید و جنب و جوش آمد
درخت سبز شد و مرغ در خروش آمد"
کنون بلوغ وی و عهد حق نیوش آمد
بسا شریف نفوosi که خرقه پوش آمد
مسلم است که آخر زبون چو موش آمد
بحکم آنکه چو شد اهرمن سروش آمد"

پیام صلح ندائی که خوش بگوش آمد
نوید داد به صاحبدلان اهل جهان
گذشت دوره بیداد و جهل و خونریزی
از این پیام که شدمنشتر منادی صلح
"هوا مسیح نفس گشت و باد نافه گشا
شد آن زمان که بشر همچوطفل میجنگید
مدار فضل و هنر پر نژاد وزیور نیست
هر آنکه گرگ صفت حمله کرد بر مردم
ز فکر تفرقه باز آی تا شوی مجموع



لوجه بُرْبَان پارسی

«از جناب عکس ثابت»

مقاومت دلیرانه ایرانیان در نگاهداشت زبان فارسی: قوم عرب نه تنها به ایران یورش آورده و تا هند تاختند، بلکه دیانت مقدس اسلام را بغرب و ممالک مصر و تمام کشورهای شمال افریقا برده تا اسپانیا رسوخ و نفوذ دادند. کشورهای مذکور هریک بزبان ویژه خود تکلم میکردند. خط و کلام آرامی، یونانی، مصری و عبری زبانهای دیرین و پیشین این مردم بود، ولی پس از سلط عرب، زبان عربی کمک جایگزین زبانهای آنان گردید و حتی ادبیات و فرهنگ خود را برخی از این کشورها از یاد برداشت و بتمامه در ادبیات و فرهنگ تازه اسلام موقعیت جدیدی بدست آوردند. اما ایرانیان از همان زمان نخستین بتمام کوشش در نگاهداشت و زنده کردن زبان فارسی همت گماشتند و همه مکارم اخلاق و فرهنگ و روش خود را حفظ نمودند و در عین حال قبول دیانت مقدس اسلام و پیروی از قرآن کریم، راه راستین خدا را پیشه کردند، ولی در راه حفظ فرهنگ و زبان خویش سختیها کشیدند و جانهای عزیز دادند تا اینکه شعر و ادب پارسی پایدار و جاودانه ماند.

اوج سخن پارسی بعد از غلبه اعراب: چامه و بویژه چکامه (نثر و نظم) زبان فارسی را نویسنده‌گان ارجمند و شعرایی بزرگ و خردمند بپایه‌ای بس بلند رساندند و در واقع چنانکه روانشاد فردوسی، بزرگ شاعر قرن چهارم هجری میگوید:

برافکنند از نظم کاخی بلند

که از باد و باران نیابد گزند.

براستی این شعر و نویسنده‌گان که بمدت بیش از هشتصد سال به سخن فارسی شعر سروندند و رساله نوشتند، فرهنگ و ادبی از خود بیادگار گذاشتند که در قرون اخیر، چون

واژه پارسی چهزیباست و داراست! سخن خدا با آن به گیتی انتشار یافت: نخستین کلام که بر زبان کودکی حضرت نقطه اولی گفته شد فارسی بود و مادر بزرگوار بر آن غنچه دهان واژه پارسی نهاد. و نیز این زبان لسان اصلی اسم اعظم و جمال قدم بود و از فم مطهر حضرت یزدان جاری میشد و بیشتر سخن خدا و وحی الهی از آن بگوش عالم انسانی رسیده. زبان و گفتار حضرت مولی‌الوری، که شرق و غرب را از آثار خود بپیجان آورد بیشتر بزبان فارسی نازل شد و مولای توانا حضرت ولی محبوب امرالله توجیه خاص بدین زبان، که جمال مبارک آنرا "نورا" خوانده بودند، مبذول میفرمودند. (۱)

دگرگوئیهای زبان فارسی: چون قسمتی از قبائل آریائی به سرزمین ایران روی آوردند و کم‌کم پادشاهانی بر آنها فرمان راندند، تمدنی شکوفان درمیان این قوم نمایان شد. (۲) و نخستین زبان آنها که خویشاون زبانهای هند و اروپائی است، زبان معمول مردم این سرزمین گردید و آنرا اکنون زبان پارسی باستان نام می‌نهند. اما در عین حال اوستای^(۳) حضرت زردشت، پیامبر ایرانی نیز بزبان ویژه‌ای نگارش یافته بود که این زبان هم از ریشه زبان ایرانیان دور نبود. اما زبان ایران باستان در زمان اشکانیان به زبان پهلوی دگرگون گردید که نزدیک پانصد سال زبان ادبیات و هنر و زبان معمول دربار و مردم بود، تا اینکه تازیان بر ایران تاختند (۶۴۵ - ۶۳۶) و آثار شگفت‌انگیز تمدن ایرانیان را در هم ریختند و زبان فارسی دچار دگرگونی تازه‌ای شد و بسیاری از واژه‌های سخن از دست رفت و لغات عربی و سایر زبانها در آن داخل گردید، لکن هرگز نمرد، بلکه زنده‌تر، زیباتر، و پرحلالت‌تر گردید.

درآوردن و مقام والای آنها را به پایه‌ای که آن کلمات مقدسه متعالیه دارا هستند بیان دارد. اینقدر که میدانیم دانشمندان بیگانه و دانایان فارسیزبان و فصحای عرب جملگی بر این سخن گویا شدند که برابر ظهور این امر اعظم پایه کلام فارسی و عربی از نو ریخته شد و کاخی عظیم براین پایه استوار گردید.

جمال قدم و حضرت مولی‌الوری و حضرت ورقه مبارکه علیا الواح و آثاری نیز به فارسی سره نازل فرموده‌اند که بطور قطع نموداری است که هرگز سخن آدمی بدین مرتبه ارجمند و بدین شیوه دلپسند نخواهد رسید. اینک چند نمونه برای اهتزاز دلها در اینجا آورده می‌شود. جمال قدم در یکی از الواح مبارکه که بفارسی خالص نازل شده می‌فرمایند^(۴)، قوله جل کیریائه:

"بنام خداوند مهربان ای مهربان دوستی از دوستان یادت نمود یادت نمودیم امروز آنچه دیده می‌شود گواهی میدهد و بندگان را بخداآوند یکتا می‌خواند بگو امروز آفتاب بینائی از آسمان دانائی هویدا نیکوست کسیکه دید و شناخت آنچه از پیش گفته شد در این روزگار پدیدار بگو ایدوستان خود را از دریای بخشش یزدانی دور منماید چه که او بسیار نزدیک آمده آنکه پنهان بود آمده و خوب آمده بر یک دستش آب زندگانی و بر دست دیگر فرمان آزادی بگذارید و بگیرید بگذارید آنچه در جهان دیده می‌شود و بگیرید آنچه را دست بخشش می‌بخشد... " (۵)

و نیز می‌فرمایند:

"بنام خداوند بیمانند ای بندگان سزاوار آنکه در این بهار جانفزا از باران نیسان یزدانی تازه و خرم شوید خورشید بزرگی پرتو افکنده و ابر بخشش سایه گستردۀ باپهله کسی که خود را بی بهره نساخت و دوست را در این جامه بشناخت بگو ای مردمان چراغ یزدان روش است آنرا ببادهای نافرمانی خاموش ننماید روز ستایش است به آسایش تن و الایش جان مهردازید اهريمتان در کمینگاهان ایستاده‌اند

دانشمندان اروپ و امریک به پژوهش در آثار زبان فارسی پرداختند، آنرا بپایه‌ای پرمايه و پراندیشه یافتند که برخی از آنها آثار جاودان این زبان را در مقام نخستین یاد کردند و دهها از آنها به تحقیق در آن، سالهای عمر خود را در راه ترجمه و تنقید و تنقیح این آثار کوششها مبذول داشتند.

اوج ادب فارسی: کم‌کم در زمان شاهان صفوی، بواسطه محدودیتهای شدید منتهی راه نزول پیمود و از این امر هیچ شاعر و نویسنده‌ای از آن زمان تا زمان اواخر شاهان قاجار نتوانست جلوی این بی‌مایگی زبان فارسی را بگیرد. فقط یکی دوتن نویسنده و شاعر که از این زوال دل پرملال داشتند، مانند میرزا ابوالقاسم قائم مقام و سایر شعرای اخیر منشأت جدیدی خالی از حشو و زوائد قدیم ساختند و بفرهنگ فارسی مایه‌ای نو دادند. لکن چون صحیح هدی دمید و خورشید تابان یزدان پاک درخشید سخن پارسی غنای تازه و روشنی بی اندازه یافت. هرگز از روز نخستین تا روز پسین این چنین زیبائی و جلال و کمال را زبان فارسی بخود ندیده بود، چه که هر یک از این طلعت‌مقدسه به شیوه‌ای بدیع و سبک و روشنی جدید آهنگ جهان بالا را بر افسرده‌گان این جهان تاریک فرو خواندند:

شیوه کلام وحی حضرت رب اعلی مخصوص آن ذات مکرم است، و شیوه و سبک کلام وحی جمال قدم و اسم اعظم ، بهر واژه‌ای روح قدم عنایت کرده و بهر کلامی کمالی بی مانند عطا فرموده، و حضرت عبدالبهاء الواح و آثاری سهل و ممتنع، روان و دلپذیر، درها و گوهرهای سورانگیز از دریای بخشش خود بساحل وجود انسانی ریخته، و سبک نگارش و شیوه ترس حضرت ولی محبوب امرالله چنانکه گوئی از قله کوهی عظیم آن جوهر مکرمت و آن گوهر یکتا نهرهایی از بیان و تبیان بر بندگان آستانش ارزانی کرده است. قلم و گفتار آدمی چگونه تواند که بر این آثار خداوندی سخنی بنگارش

نگاشته دوازدهم شوال رسید و دل و جان را خوشی بیاندازه بخشید. ستایش ایزد توانا را که در این روز پیروز آفتاب بخشش چنان تابش فرمود که از پرتوش جهان دلها برافروخت و پردهای نادانی و گمراهی بسوخت. دست و پای مردمیرا از بند و زنجیرهای افسانهای بیمايه و اندیشهای فرومایه بگشود و زنگ و گرد این معاک خاکدان را از آئینه جانها بزدود. در خمخانه بی پایانش را بگشاد و باده دانائی و بینائی و دوستی را ارزانی داد. سراپرده یگانگی را برافراخت و شالوده بیگانگی را برانداخت. نژادها و آئینهای رنگارنگ از باده گلنگ دوستی او چشیدند و دست از دوئی کشیدند و در خم یگانگی او یک رنگ شدند. پاکانی که بکوی شناسائی او رسیدند و مانند آئینه تابناک درخشیدند، دل از هرچیزی جز او گستند و باو پیوستند. گفتار و رفتار او را در گوش هوش کردند و هرچه جز آن فراموش نمودند. از جهان پائین بجهان بالا درپروازنده و شایسته شنیدن و فهمیدن هر راز. پس چنین روزی روز ستایش است و نیایش و دست شستن از هر آایش. روی دل بجهان بالا نمائیم و دست نیاز سوی آن دلبر بی نیاز دراز کنیم و درخواست آوریم که: ای بخشندۀ مهربان و پرورنده دل و جان ما را جز پیمودن راه تو اندیشهای نه و بجز خشنودی تو آرزوئی نیست. دلها یک بیک توأم است و همه با یکدیگر همراه و همدم. در ستایش و پیروی تو هم‌آوازیم و همراه تو در پرواز. ناتوانانیم توانائی بخش و یاوری فرما توئی دستگیر و توئی پرورنده مهربان. بهریک از دوستان راستان آستان یزدانی درود بی پایان برسانید. فانیه بهائیه – شهر ذیقده." (۲)

لزوم فراگیری زبانها: دستیابی و تحصیل زبانهای محلی، بویژه لسان انگلیسی که مورد تاکید مرکزمیثاق و حضرت ولی عزیز امرالله بوده است، یکی از اساسی‌ترین نیازهای احبا در سرزمینها و کشورهایی است که یاران در آن دیار سکنی

آکاه باشید و بروشنى نام خداوند یکتا خود را از تاپیکهای آزاد نمائید... بگو ای نادانان گرفتاری ناگهان شما را از بی کوشش نمائید تا بگذرد و بشما آسیب نرساند اسم پزرگ خداوند که بیزرنگی آمده بشناسید اوست داننده و دارنده و نگهبان" (۶)

و نیز حضرت مولی‌الوری در یکی از الواح نازله بافتخار یکی از پارسیان می‌فرمایند، قول‌الاحلی:

بنام پاک یزدان بی نیاز ای خسرو از بیگانگان بیزار شو تا بدلوست یگانه بی برد در گروه آشنايان دانا پیشوا باش تا در انجمان آسمان مه یکتا گردی. روز راستی و بخردی و بینائیست و بامداد روشنائی و هوشیاری و بزرگواری. هرگه بی پیش نهد بهره بیش گیرد و هر مرغی که شهر دانائی و شناسائی گشاید بجهان بالا رسد و دمساز سروش در سپهر مهر خدا گردد و همراز بی نیاز شود و با بزرگان راه خدا آغاز راز کند. مهر تابان از خاور نمایان و اختران چرخ راه خدا تا باخت درخشان آتش مهر پاک یزدان روشن و مرغزار دل و جان دانایان رشك چمنستان سبز و خرم. بهار خدائی رو نموده و خورشید جهان یزدانی رخ گشوده، باد فوردهین سال ماه جهان آفرین می‌وزد و بوی خوش مشکین یار دلنشین میرسد، باران اردیبهشت پروردگار میبارد و پرتو تاب آفتاب پادشاهی بهی میتابد. پس تو ای خسرو، خسرو کشور هوشیاری شو و مه‌آباد کیهان دانائی گرد. در این گلشن چون نسترن و یاسمن شکفته شود و در این انجمان چون چراغ روشن گرد. دل را پاک کن و پیراهن را چاک نما، پرده برانداز و درفش پاکان برافراز پرتو شب افروز شو و آتش جهانسوز گرد، غلغله در فکن و بند گردن بشکن. مهر جهان‌آرا خواه، ماه انجمان بالا جو، بروشنى بهی تابان باش. ع ع و این است دستخط مبارک حضرت ورقه

مبارکه علیا بفارسی سره: "هولله ای پیروان پاک یزدان نامه

که مقدور بوده بحلیه چاپ و انتشار آوردند، و خاصه آنکه با وجود تنگیهای موجود بعضی از این نشریات غالباً رایگان در خود همان کشورها بیاران فارسی‌زبان توزیع شده و میشود و دانشمندانی بس عزیز و گرانقدر، چمبا روزها و شبها برای تهیه سواد اولیه این مجلات و نشریات پویا و جویا هستند تا نشریه‌ای زیبا و دلکش و پرمحتو و دلپسند بدوستان هدیه فرمایند.

براین کوششها ارج نهیم و سپاس گزاریم و از درها و گوهرهای آنها جان و دل را پر بنا کنیم.

- (۱) تاکید هیکل مبارک حضرت ولی‌امرالله در لوح ۱۰۲ بدیع بفرانگی زبان عربی و عدم قبول به تفکیک زبان عربی از فارسی است که در آذمان برخی از زمامداران وقت قصد اجرای آنرا داشتند.
- (۲) بتاریخ ایران باستان گردآوری "پیرنیا" مراجعه و بویژه به آثار زمان کورش کبیر که اول پایه‌گزار آزادی مذهب بوده و اشارات آن در کتب عهد قدیم نیز آمده است مراجعه فرمائید.
- (۳) نوشه‌اند که حضرت زردشت نزدیک هفت‌صد سال قبل از میلاد مسیح میزیسته و کتابش اوستاغ که امروز کمی از آن باقی مانده مشحون از دانش و حکمت ربانیه و سرودها و تغییات روحانیه بوده‌است.
- (۴) از قلم اعلی الواح مفصل بفارسی سره نازل شده.
- (۵) این لوح مبارک را در صفحه ۳۰۳ ادعیه حضرت محبوب طبع مصر سنه ۱۳۳۹ هجری ملاحظه فرمائید.
- (۶) این لوح مقدس نیز در صفحه ۳۰۸ همان مجموعه زیارت شود.
- (۷) این دستخط را در آهنگ بدیع سال سوم شماره ۲ ملاحظه فرمائید.



گزیده‌اند، چه که با دانستن زبانهای محلی است که میتوان آئین الهی را باسانها و نژادها ارائه داد و باب دوستی و محبت گشاد و همچنین کلیدهایی هستند برای فرانگی و آموختن آثار عظیمی از علوم و فنون دانش بشری، و وسیله‌ای برای کار و تحصیل روزی. لذا بطور قطع یادگیری زبانهای محلی از الزم نیازهاست، بویژه برای جوانان که تاحد امکان کوشش خود را مبدول دارند که تا سرحد تسلط کامل در زبان تحصیلی خویش توفیق یابند. اما زبان عزیز و گرامی فارسی را نیز ازدست نهند و آنرا نیز کلیدی دانند که همواره گشاینده دلایل پاکشان باسرار و رمز کتب مقدسه الهیه است.

در اینجا بجاست که توجهی خاص برای نکته دقیقه انداخت، که جمال قدم و عائله مبارکه را از ایران بعراق و از آنجا به اسلامبول و ادرنه و سپس مسجونا به قشله عسگریه سرگون کردند. مدت اقامت در عراق (بغداد) در حدود ۱۱ سال و در ادرنه بیش از چهارسال و در عکا هیکل اقدس تا سنه صعود و سپس حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی‌امرالله و عائله عظیمه، در تمام این دوران به دو زبان مسلط در این کشورها یعنی ترکی و عربی مواجه بودند، لکن زبان معمولی و خانوادگی همان لسان شیرین فارسی بود و کل چه عائله مبارکه و چه زائرین شرقی و مجاورین همانا بدان زبان تکلم میکردند.

کمیابی کتب فارسی در خانوادها: بر این محدودیت هم واقفیم که بیشتر خانوادهای بهائی پس از تحولات اخیر حتی دفترچه مناجات‌های محبوب خود را بهمراه نیاوردن، چهرسد به کتب و مجلاتی که غالباً از خانه‌ها بدست تطاول اولی‌البغضاء افتاده و ازبین رفته‌است. کوشش متمادی محافل ملیه مقدسه امریکا و کانادا و فرانسه و سایر بلاد درخور بینهاست ستأیش است که براین درد داروئی پربها دادند و نشریات فارسی و کتب و آثار الهی را آنها

شعر از عذر لیب

نظر بینک در تطمیم ابیت شعر عذر لیب گفشن بجا در شاه فخر (۲۲) سهاد رسید
اشتبه شده بتو عذر پذیر از خفندگان گهار مجد و امبارت برج میگوید.
(همین تحریره)

(فوگی از روی خط شاعر)

بسه اسدر علیلم الکبر

علمت هجر نزخ پر برآخته ایک سایعی بایم اینه خته
نفعه اول روان در آتش خته بهتر غشی او سوخته دسته
احب اشیا نه در جهش نثار

چاچال القم بالملکوت القم من استاد ارضیع نه عظیم
اول نخیصین صراط استقیم هر قل علمنات بششم الکم
دشت شمش کرمه من فرق افتاده
هر بتوت کذت کرد و کاید صور هجر نجابت صرس قیامت
قوه از هم سکافت قرب زخم دید صراط پیزان میان برشت و مونچ پنهان
بکار وان هجر نزدیک حدان بعزم

با طلاق شین چار یوم آنثور فضاحت اتصافه دقام من القبور
فنج بکسر الحجه و ماج عرفه ته اندلیقون طسم قصور کهور
دشنه اهل حضون لهم مقریل بووار
سین بیعنیں جاں بیکھو کو جو کر از تکییم عابد مسیح
محی ازیک افق ش بدو شهوار طافت حوش کر مقام حسیمه
خوش ایک در ظراو آمد و شرکهار

تدھرت فرالیجو حقیقت جامعه بقوه فاصهه بحجه فاطعه
اچلت المکنات بحق الموسسه فخر کل الوجه لوجه اللامعه
بوز شمس لیحاء ضائعت شسر انخهار
از افق اقدار شمس ہویت میسید غلت او هم تو زیر حقیقت دیده
جدهه از یکد کر ایک سایه پسید آمد و در جب رسید یوم الودیده
و فانکو از لرم بوعده پرورد کار

برس کل کشت باز عزیز صحریون همچو زیخ جوں شده جان کمن
برده بیه صبا مژده بخشن یافته بیهور چرس خیش پرین
چندر کرفت نور ز دینه مریان

کلیم کز بدار بصریهان ازید صدا میسد جان بکند پدم
خزان چو زعن غرق نهی عدم رشاخ هر سرمه ز آتش سیان
دادی این شده عالم ازین نوجا

بدر سیخیس بکو سحره اوند روی هجر کرد داد جان بخان داد
مرد بیک لای خاک یروان کشید هیرزاده جوں جان از شهدیه
لکھت سرخیز شد بیجان ایکهار

بسیط عزاد کز خبر خضر کشید ز بزر سطح روی رشک و زیشه
لار محمد میسد سینل ز داشه یاسن و ارغون پهید و پیا شده
شکوفه سر ز رشاخ بنفسه از کوکار

زکر لذکنیش دلق عین کشت هیرزاده شیخ پیش محبو و
ز شکر ز عفران دار و جاریت زینت بزم ملک کش په کر دیت
کمش از دهانکو محفر از دشکار

سین که نقا ش منن چه طرح کنیت سیاه دزد و پیه هم در آینه
بنغش منح دیج کیکر بیحته هر انشکر زین بود حسیم ریکه
پنهم منن کرد این نیش و نکار

اکوهه ارد بیشت داد بیچاره کرفت ارد بیشت ز بعد صوره ز
ز بعد غمین کرفت عالم همچاره جان بیکادیافت ز نام زیدان طاره
بایم غلطیم چو و دراد کر دکار

چشم کش بین بند رهی بی شاق را در هر لفاقت بین جده و هر ارق را
بشرط عزیزان بند برق را بجز او کام بسوز او راق را
ز مکر خر خود بار دنو هر شمار

فتح بحکم مدینه عهد را بیت تمیز خست مدینه عهد را
پر از زانه بخواهی خرینه عهد را هر کنگره بدل حنفیه عهد را
بسیار مصیر که شش بیان فرار
با آنان قصین توبو ثم اسر عدا محمد عهد هم منکر او دفعه
بندر عصیه ایهاد ششوا خشعوا صفو آزاد کنم مسکم است معا
هید درقا و عهد من بخرا آن سلطان

با آنان قصین نهاد عهد ایست لو آداین عهد را پنجه قدمه بست
شسته کرد کی که عهد حق را اگر بود خرج هست پستراز فنا کش
در درجه از مشعه دیسیه زیر سار

با آنان قصین هدای عهد همیم نهاد اعظم
ما حضن مین نهاد عصون کیم ز جهرا با کف ضعف به آنیم احمد کیم
سلام فضوا بگزرا استدار

غتن با خلیل علیه زیر شدت سعی العیقیم دل لعنه بیوت
ز نفت جل جهاد سخن بکار برگات کرم کز عهد حق هر دنار و نورت
خر صفت بند که ستراز از دنار
آرزو در جان اد ز زد بخندکات پیش بزینه که بایز شرمنه کاش
بند کاشتاد در بوجان نز کار سلطنت بزروال بند که دنبر کش
حضرت اورابو بند که افسشار

ولیک دارم ایسه لعنه علیه که ابر دیر خشم ز غرما که لقا
چشم او شن خو بدر زان دره کوش همان کنه لعن خوش بفرزا
پسر زار نعیمه بغضنفر میز دار

یا طاہرین عثیم عاشیه آنکم خافه در کم کا وته
عقلکم ذهمه قوکم فاسیه مونکم خاسته بیوکم خاویه
لیسر عقر کم بله سر القادر

کش پیدا کن کرد بیان رسول عرب شترحق بخوا طرع از هزار
ز قم شردو خو پیدا شد و بدب دلک شجاع خلق ندید محجب
سوار عشیکه حق ز دو از خبر
نقده بادی از رسول طاہلین خدا فیم الفیم هندا نور مین
هزار بیت کریم هبده سیمین قدر عیاهی لاهک یوم دین
آن الیه لمصیر آن لاخ شیار

نقطه ایلی نهاد عزیز ایل زند هر زیان سلا بخون هنر زند
که کریان سو قمر کشند دیاد زند سرمه ایشات را برش لازند
چون چپک که نزدیک بکاران شهید

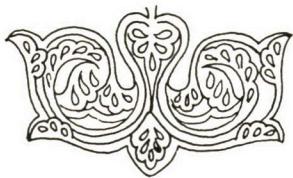
با آن ازوح بد ته ال مسح سحر عظیم بالتفهات المدع
بنعلان کل لکلیل بالتفهات لاضع له طلاق ایشات سیم علیه طبع
که ده چشتیز حکم خو زیبار

کشید بکمزد پرده ز دهیل بکو بقمع هیو کا برسانه ضلیل
کش ز همینه نهاد بز میل خدا بیعوب دل آده با مذل
چند کشیده ججاج چند کشیده نهاد
شر جهاد بجا جان چهارشنبه بخوا خطة ایکارا غبطه کمش بخوا
بیکل از پیش زند جشن بخوا کتاب هجر دشت بیان متفق بخوا
کرد پر ایمه صحو ز ملک ناپایه ز

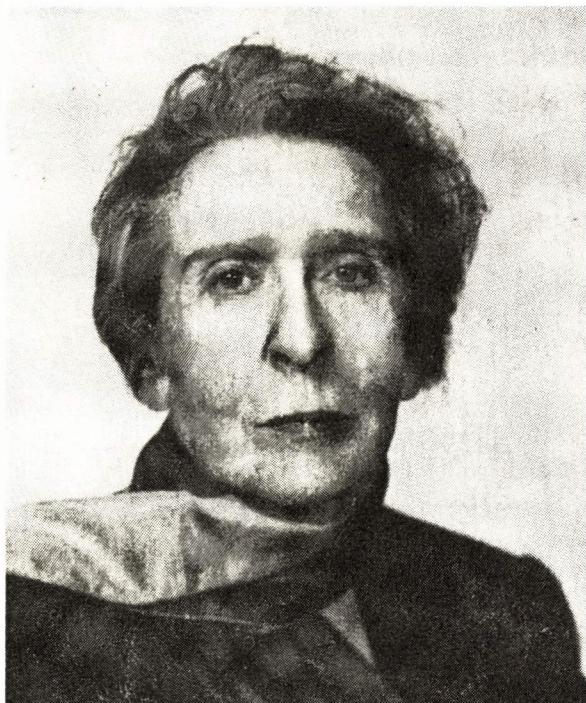
نیز بسیور را بفضل مرحم کشت اور لک رس د بفع اقدم کشت
نظم ایهاد بست اقام کشت برجع من سیلا د بعض اعظم کشت
که تا بکرد ضراف ببالرسی نا بخار

ولیک همیوی ز دهیز کشند بقد سلطان عمد ایجی خسته
پر عکم خلاف بعلم ایهاد در لصفین دلوس اندرا
که بلکه بکشند عهد خداونکار

ز من کو یهی بعده بعده بعده که خواره رکشید چند کی جد و
هم بخاید بکشند بکشند همان کنه این سو تیر صیلی عهد
ز عکم پیچ ز در حق شرم دار



«علمایادی امرالله جناب دکتر یو گو جیاگری»
«ترجمہ جناب عباس ثابت»



امة الله لورا کلیفورد و ریفس بارنی

مقدمه مترجم:

امة الله لورا کلیفورد بارنی از زمرة نساء شهر و متقدم امرالله است که یقیناً بیشتر یاران ارجمند که با کتاب مستطاب مفاوضات انس و الفت دارند از خدمات و زحمات ایشان در تدوین و تنظیم این کتاب آگاه و نیز مستحضرند که از نخستین زائران غربی است که بحضور حضرت مولی‌الوری در عکا، محل زندان و قلعه‌بندی هیکل مبارک مشرف گردید. شوق و عشق به مولایش چنان شعله‌ای در جانش برافروخت که بعداً چندین بار دیگر بحضور انور تشرف حاصل کرد و اتفاقاً زمانیکه اقامتش در عکا طولانی شد بر آن گردید که سوالات قلبی خود را از حضور مبارک استفسار نماید و حضوراً از بیانات احلى پاسخ دریافت دارد.

این انگیزه شوقيه او سبب بوجود آمدن اثر جاودائی که در میدان مذاهب بی نظیر و بی همتاست گردید. اينک برای اينکه دوستان بيش از پيش به خدمات خستگی ناپذير اين بانوی گرامی واقف شوند، اين عبد ترجمة احوال ایشان که بقلم ایادی عزيز امرالله جناب دکتر جیاگری به نگارش درآمده والحق حق سخن را درباره ایشان بسزا ادا کرده‌اند، اقدام نمودم و اميد است بزیور قبول یاران الهی واقع گردد.
 Abbas ثابت

لورا بارنی در ایالات متحده آمریکا در یک خانواده هنرمند و دانشمند دیده به جهان گشود. وی در اوخر دهه قرن نوزدهم برای تکمیل دانش خود به پاریس رفت. باهوش سرشار و متعالیش و نیز روح منطقی و خصلت ذاتیش در پژوهندگی او توانسته است از آغاز نجوانی تا پایان زندگی طولانیش برای بهبود روابط بین انسانها و بویژه کوشش در نزدیکی نژادها و طبقات کوئنگون مردم و ملتها، منتهای فدایکاری خود را مبذول دارد. وی ناطق زبردستی بود که بارها خطابها و کنفرانس‌های درطی اسفار بهکشورهای متعدد، در لزوم اتحاد و یگانگی عالم ایراد نمود. و همچنین در زمانیکه کشورهای گیتی از لحاظ جغرافیائی و سیاسی عملبا یکدیگر متباین و مخالف بودند، این خانم پیشقدم این وحدت گردید، درحالیکه اهل این عالم هنوز خیلی دور بودند که این وحدت روحانی را ادراک کنند. این اشتغال و شور برای خدمت بنوع انسان هرگز از دل او جدا نشد و آنها که در مدت زندگی طولانیش با لورا آشنا بوده و تفصیل ملاقاتش را داشته‌اند، برای نشان گواهی میدهند که وی بی باک و آزاد و از هر دلبستگی تا پایان حیات برای برادری و ایجاد

یگانگی بین بشر همچنان کوشای بوده است.

لورا در پاریس زمانیکه با مادر و خواهرانش زندگی میکرد از آئین جهانی بهائی آگاهی یافت. این خود شراره‌ای بود که در دلش آتشی روشن کرد که هیچگاه خاموشی نپذیرفت. وی در دیانت بهائی بلندترین افکار و ایده‌آل‌های خود را یافت، بطوریکه مدت هشتاد سال از زندگیش بكمال ثبات واستقامت و درنهایت سرور موفق به فعالیتهای در خدمت و جانشانی در این امر مبارک گردید. لورا در زمرة اولین زائرانی بود که در اوخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم بحضور حضرت عبدالبهاء مشرف شد و در این تشرف مانند یک بهائی مؤمن و فداکار معرفی گردید. نگارنده بیاد دارد بهنگامیکه شرح اولین ملاقات بسیار جالب خود را با سرکار آقا توصیف میکرد، نیز چون گاه بگاه تفصیل دیدارهاش را در فامیل مبارک میگفت و خدمات فداکارانه‌اش را که در آنجا می‌توانسته است انجام دهد شرح میداد، چه حالاتی از سرور و شگفتی در چهره او نمودار میگردید. باز برای ما حکایت میکرد که دفعه‌ای در زیارت ارض اقدس با حرارت و شوق میخواسته است که چند روزی در میان فامیل مبارک در حضور سرکار آقا و در جمع روحانی حضرتشان بسر برد، پس چون وارد میشود و بحضور مبارک تشرف حاصل میکند و مقدمش مورد تهنیت و خوشآمد هیکل مبارک قرار میگیرد، به وی میفرمایند: "من میخواستم که شما اگر میتوانستید بنقطاط و محله‌ای که مربوط بزندگی حضرت مسیح است عزیمت نمائید زیرا من مشتاقم که شما رفتار و سلوکی را که با حضرت مسیح شده بواقع بشما ارائه گردد" و با این بیانات دیدار پایان پذیرفت. حضرت عبدالبهاء به لورا نیروی روحانی اعطا نمودند تا در مقابل بی تفاوتیها و رودرروئی با قسمت بزرگ جامعه بشری که در سراب زهد و ریا و تعصبات جاهلانه سرگردان است او را تقویت نموده باشند.

سراجام چون این دیدارها از ارض اقدس بتوالی صورت میگرفت برای وی آن موقعیت مناسب پیدا شد که با حضرت مولی‌الوری و خانواده مبارک مدتی طولانی سرتند. در این اقامتها با حضرت شوقی افندی که در آن زمان کودکی بودند و بیش از ۵۶ سال نداشتند آشنائی یافت. و در همان زمان لورا این طفل فوق‌العاده را شناخت و نیز آگاه شد که حضرت عبدالبهاء در نظر دارند که این کودک زبان انگلیسی را کاملاً بیاموزد. دریکی از این ملاقاتها که وی با حضرت شوقی افندی داشت ایشان بهمراه معلمه ایتالیائی خود بودند، لورا توانست بواسطه ذوق لطیف و اکتسابات تربیتی خویش نظر و توجه همکان را برانگیزد تا او را بفاتح خار خدمت تدریس و معلمی زبان انگلیسی این کودک بگمارند. این خدمت را بكمال سعی و مجاهده انجام داد، بطوریکه ایشان در سالهای بعد با کمال و تسلط کامل براین زبان توفيق یافتد. محبت و علاقمندی وی بحضرت شوقی افندی روز بروز بالا میگرفت تا بدانجا که احترام و تحسین عمیقی نسبت باانحضرت مرعی میداشت.

مسافرت به عکا واقامت در این شهر برای لورا بارنی در واقع محور الهامات زندگی او شده بود. در سال ۱۹۰۵ در موقع دیداری که از این شهر بعمل آورد ویک ماه بطول انجامید، مادرش میسیس آلیس بارنی که قبل از شده بود ویرا همراهی میکرد. خانم مذکور شاعر، نقاش، آهنگساز، و نیز آرشیتکت بود و هم‌اکنون تابلوهای نقاشی نفیس او در موزه ملی واشنگتن موجود است. و در سال ۱۹۰۳ از مبلغ نامی امرالله جناب ابوالفضل، موقعی که ایشان در شهر واشنگتن تشریف داشتند تصویری ساخت که بسیار مورد توجه واقع شد. در میان سایر خدمات موفقیت‌آمیز لورا بارنی، مشهورترین و بارزترین آنها تدوین کتاب مستطاب مفاوضات است که در حقیقت پس از تالیف و تنظیم این کتاب نام وی در تاریخ جهان پاینده و ابدی گردید. این مجموعه که شامل سؤالها و دریافت پاسخهای است که او از حضور مبارک حضرت مولی‌الوری نموده است، در موقعی انجام شده که هنوز هیکل اطهر میثاق در زندان عکا در فشار تهدید

دائمی بسر میبرده‌اند و هردم امکان داشته که آنحضرت را تبعید بصرحای فیزان نمایند. آقای دکتر یونس خان افروخته (۱) پژشکی که چندین سال سمت مترجمی و منشی گردی حضرت عبدالبهاء را عهده دار بوده در ضمن خاطرات خود چگونگی تنظیم و تحریر این کتاب نفیس را متذکر گردیده است. وی در خلال سوانح سخت آن سالها که درحضور حضرت مولی‌الوری بوده است از کمکهایی که برای ترجمه این گفتگوهای تاریخی بعمل می‌آورده در یادداشت‌های خود چنین یادآور میگردد که این سؤال و جوابها درموقع صرف ناهار مطرح میشده است و دراین موقع هیکل اطهر در بالای میزناهار جلوس میفرمودند و لورا بارني در سمت چپ آنحضرت می‌نشست و اتل روزنبرگ (۲) در پهلوی لورا قرار میگرفت. سؤالاتی که بوسیله لورا بارني طرح میشد و بزبان انگلیسی بود، میس روزنبرگ آنها را یادداشت میکرد و پاسخهای مبارک بوسیله دکتر یونس خان به انگلیسی ترجمه میگردید و دراین حال اصل بیانات متعالیه ازلسان اطهر بفارسی نیز بواسطه جناب میرزا منیر زین تحریر می‌یافت. دامادهای مبارک جناب میرزا هادی والد حضرت شوقی افندی و جناب میرزا محسن که هردو از خاندان افنان میباشد به ترجمه و تحریر بیانات مبارکه کمک میکرده‌اند. دونسخه از آن دستنویسها که بزبان انگلیسی نوشته شده بود، هردو را لورا توانست بزیور خاتم مبارک حضرت عبدالبهاء مزین سازد و یک نسخه از آن دستنویسها را باوجود مراقبت و فشار شدیدی که در آن موقع بحضرت عبدالبهاء و خانواده مبارک وارد میگردید وی توانست از فلسطین خارج نماید.

وجود این دست نویس واین اثر بسیار نفیس که ازطرف لورا بپاریس آورده شده بود جناب هیبولیت دریفوس (۳) را که اولین بهائی فرانسوی است برآن داشت که این کتاب را بزبان فرانسه ترجمه نماید. همکاری صمیمانه این دو نفس نفیس در امر ترجمه این کتاب در سال ۱۹۱۱ منجر به ازدواج و آغاز زندگی مشترک آنان گردید. در سالهای بعد این دو تن خادم صمیمی امرالله، مجاهدتها و کوششهای خود را مشترکاً بانجام میرسانند و بدستور حضرت عبدالبهاء سفری بایران نمودند و در این کشور به بیشتر اماکن متبرک از جمله ماکو رفته زندان حضرت رب اعلی را زیارت کردند. سپس به عشق‌آباد محل اولین مشرق‌الاذکار عزیمت نمودند و آنگاه به شرق آسیا و هندوچین (ویتنام امروزی) و سایر ممالک سفرهای تبلیغی انجام دادند.

بعد از صعود حضرت عبدالبهاء و قبل از جنگ جهانی دوم خوشبختانه دستنویس انگلیسی کتاب مستطاب مفاظات و همچنین الواح مبارکه‌ای که مرکز پیمان به اعزاز لورا بارني و دوست نزدیکش میسیس جاکسون (۴) نازل فرموده بودند بوسیله شخص معتمدی بحضور حضرت ولی امرالله ارسال گردید. و نیز این خانم فعال بعد از ایمان به امر بهائی و بخصوص آن مدت که وی درحضور حضرت عبدالبهاء و عائله مبارکه بوده است و همچنین از گزارش‌های مسافرت‌های خود یادداشت‌های روزانه‌ای مینوشته که بعدها بدین نیت بوده است که بصورت کتابی منتشر کند. این یادداشتها کلاً در یک میز تحریر نگاهداری میشد و نمایانگر تاریخچه‌ای از امر بهائی بودند. بدینکجا محتوا این میز در زمان جنگ جهانی دوم بدست پلیس مخفی آلمان افتاد. اما با نهایت خوشحالی یادآور میشویم که دست نویس کتاب مفاظات دراختیار حضرت ولی امرالله قرارداده شد. چند سال قبل نگارنده این سطور از خانم دریفوس بارني تقاضا نمود که آیا برای او امکان دارد خاطرات خود را که در یادداشت‌های روزانه خود مینوشته مجدداً بیاد آورده بنویسد؟ ایشان پاسخ داد که این کار غیرممکن است. اما خوشبختانه او بسیاری از جزئیاتی را که در مورد کتاب مفاظات در حین گفتگوهای گوناگون نقل گردیده در نامه‌ای که بنگارش درآورده و ابرام و تصدیق شده‌اند در ترجمه ایتالیائی این کتاب مطبوع و منتشر گشته است.

استمرار و استواری خلوص لورا بارني بحضور مولی‌الوری و حرم مبارکشان وهمچنین بحضور ورقه مبارکه علیا اعتماد، حق شناسی، و عشق آن وجودات مقدسه را نسبت بخود برانگیخت. حضرت عبدالبهاء در

الواح متعدد تحسین از خدمات گوناگون و شایان توجه او فرمودند. و گاهی نیز عائله مبارکه ویرا به اهداء جواهر و هدایائی مفتخر می کرده اند. لورا این هدایا را در آخر حیات خود در اختیار نگارنده گذاشت که چند سالی است تقدیم به بیت العدل اعظم گردیده است.

لورا دریفوس بارنی بعداز ازدواج با هیپولیت دریفوس برمیزان خدمتش با مرالله بیش از پیش افزود و این دو تن با هم به بندگی حضرت مولی الوری قیام کردند. در موقعیکه آنحضرت در فرانسه تشریف داشتند غالبا محل اقامتشان در منزل جانب دریفوس بود و در طی اسفار در فرانسه و سوئیس بیشتر این دو نفر افتخار همراهی هیکل مبارک را داشتند. ترجمه‌ای که جانب دریفوس بیاری همسرش از متون آثار مبارکه بعمل آورده است در واقع منبع آثار دیانت بهائی در زبان فرانسه شد. نامبردگان هردو متبحر در زبانها بودند. خانم لورا تجربیات و آگاهی در زبان فارسی داشت ولی شوهرش در زبان فارسی و عربی دستی بسزا داشت، بطوریکه با این مواهب خداداد توانست آثار الهی را به زبان فرانسه برگردانده و آنقدر که در دسترسش بود ترجمه آنها را پایان دهد. مسلم است که هردو نیز در دو زبان فرانسه و انگلیسی متبحر بودند. آنها توانستند بسخاوتمندی در طول سالهای گذشته برای جامعه بهائی فرانسه ادبیات بهائی را که بیشتر بوسیله "مطبوعات دانشگاهی فرانسه" انتشار مییافت طبع و نشر نمایند.

حضرت ولی امرالله در آغاز جوانی چندین بار شهر پاریس را دیدن فرمودند و هر بار میهمان این دو خادم امرالله بودند. ایشان روحی فوق العاده موشکاف و تیزبین داشتند. اتفاقا در پاریس از سالها قبل دو تن هنرمند از یاران باوفا بنامهای مستر و میسیس ادوین اسکات که اصلاً امریکائی بودند زندگی میکردند که وجود این دو هنرمند که استودیوی آنها محل فعالیتهای امری در پاریس قرار گرفته بود و حضرت عبدالبهاء چندین بار در این استودیو در سال ۱۹۱۱ با برادر نطق پرداخته بودند^(۵)، برای لورا بارنی انگیزه‌ای گردید که آنان را بحضرت شوقی افندی معرفی نماید و این آشنائی سبب شد که ایشان مجذوب در ذیای از هنرهای ممتازه شوند. حسن التفات و علاقمندی حضرتشان به هنرهای معماری، مجسمسازی، و نقاشی باعث شد که با توجه و مراقبت آن دو هنرمند میدان وسیعی در شناسائی این هنرها درنظر انورشان گشوده گردد. اتفاقا این بازدیدهای حضرت ولی امرالله از پاریس چندین سال ادامه یافت و برای ایشان منبعی از رضایت قلبی و خوشحالی شد. حضرت شوقی افندی چون ولی امر بهائی گردیدند با یجاد موسسات اداری امر پرداختند و بتمام بهائیان دنیا پیامهای ابلاغ فرمودند که نخست به پایه‌گذاری و تأسیس محافل ملیه خود اقدام نمایند. از جمله در ژوئیه سال ۱۹۲۵ جانب دریفوس و قرینه‌شان را برای شرکت و نمایندگی در کانونشن بهائیان ایالات متحده امریکا که در Green Acre تشکیل میشد بکشور مذکور گسلی داشتند.

حق رسالات وصفحات بیشماری لازم است تا خدماتی که امهالله لورا بارنی و آقای دریفوس در امریکا و اروپا و سایر کشورها انجام داده است بنگارش درآید. ما او در یک مخلفی که احبا در نیوجرسی بیا دبود حضرت مولی الوری منعقد کرده بودند بیاد می‌آوریم که در آن مجلس از خاطرات بسیار مؤثر و دلنشیں خود در زمان اقامتش در عکا بیان داشت که بغايت بدلهای ما اثر گذاشت. در این گردهم آئی فراموش نشدنی برای اولین بار فیلمی رنگی از این مراسم تهیه گردیدم. اکنون این فیلم تاریخی که در آن خانم لورا بارنی، مونت فور میلز Mountfort Mills^(۶)، روی ویلهم Roy Wilhelm^(۷)، علیقلی خان و همسرش^(۸)، مستر و میسیس ادوارد کینسی Edward Kinney . صفا و وفا... و بسیار نفووس دیگر در آن دیده میشوند در اختیار ماست.

اکنون بجاست که ما بخدمات و فعالیتهای انسانی واجتماعی لورا بارنی و همچنین در توفیقات وی در زمینه صلح جهانی نام بپریم در جنگ جهانی اول نامبرده جزو "گروه امریکائی بیمارستانهای سیار" بود و در

شهر آویون فعالانه در ایجاد بیمارستانی برای کودکان شرکت کرد. نیز در بیمارستان پناهندگان جنگ خدمت و انجام وظیفه مینمود. در پایان این جنگ افکار ایمانی و عقیدتی خود را در جامعه مل آنروز بکار برد و نماینده بین‌المللی زمان در آن مجمع گردید. نیز در آنجا نقش مهمی را در راه تبادل تعلیم و تربیت بین ملتها بکار برد. او تنها زنی بود که از طرف شورای "جامعه مل" آنژمان بعنوان کارشناس در کمیسیونی که تحت نظر کمیته تعلیم و تربیت کار میکرد انتخاب شد و این شغل را که از سال ۱۹۲۶ عهدهدار گردید تا سالهای چند در این خدمت استوار باقی ماند. در سال ۱۹۲۵ ایشان کمیته "جمعیت بین‌المللی صلح از راه تعلیم و تربیت" را زیر نظر جامعه مل بنیانگذاری نمود و در مقامیکه در این کمیته بعنوان حضور دائمی خدمت میکرد افسر رابط با جامعه مل نیز بود. در سال ۱۹۳۴ وی عضو کمیته مشورتی در جامعه مل برای امور آموزشی گردید. فعالیتهای لورا در زمینه خدمات بین‌المللی بسیار است. نامبرده در حالیکه عضو کمیته شورای بین‌المللی صنعت تهیه فیلم سینمایی و انتشارات رادیوئی بود، از طرف همان کمیته مامور گردآوری و دعوت اعضای آن گردید. و در سال ۱۹۳۱ زیر نظر مؤسسه بین‌المللی تهیه فیلمهای تربیتی جامعه مل، او موفق شد برای اولین بار کنگره‌ای از زنان در رم تشکیل دهد که بتوان از راه تولید فیلمهای سینمایی به انتشار آموزشی صلح طلبانه اقدام نمود... در سال ۱۹۳۷ از طرف وزیر بازرگانی فرانسه عضو شعبه تهیه فیلمهای سینمایی در نمایشگاه بین‌المللی پاریس انتخاب شد و در همین سال از طرف وزیر امور خارجه دولت فرانسه بمقام صاحبمنصبی "لژیون دو نور" که از سال ۱۹۲۵ با آن گروه پیوسته بود، با فرمان مخصوص نائل آمد، درحالیکه از قبل نیز رئیس کمیسیون بین‌المللی صلح و حکومت در شورای بین‌المللی زنان انتخاب شده بود.

بعد از صعود شوهرش در دسامبر ۱۹۲۸، این خانم برای چیرگی بر تنها خویش علاوه بر خدمات بین‌المللی کوشش‌های خود را برای خدمت به آئین حضرت بهاءالله و امر صلح افزون نمود. در سال ۱۹۴۱ وی عضو هیئت نمایندگی امریکا در کنفرانس همکاریهای تربیتی در هاوانا پایتخت کشور کوبا بود. در سال ۱۹۴۴ از طرف هیکل مبارک حضرت ولی امرالله برای شرکت در مراسم یادبود صدمین سال اظهار امر حضرت رب اعلی، درحالیکه جنگ و خونزیزی قسمت اعظم کره ارض را فراداشت، درویلت امریکا حضور یافت. نگارنده خوب بخاطر دارم بیانات مؤثر و دلانگیز او را که بمناسبت این یوم عزیز و بزرگ در آن حفله روحانی ایجاد نمود، و همجنین یادآور شد ایام اولیه را که در عکا در حضور حضرت مولی‌الوری بسر آوردہ بود، و نیز پیشرفتهای امرالله را در ظرف چهل سال اخیر گزارش داد و نام بسیاری از احبابی متقدمین که همانند وی در خدمت عتبه مقدسه الهیه در راه نشر تعالیم الهی و انتشار شمیم جانپرور ظهور حضرت بهاءالله در ارجاع عالم بخدمت اشتغال داشته‌اند، یادآور گردید.

در طول تمام جنگ جهانی دوم لورا دریفوس بارنی نماینده کمیته ملی زنان در کمیسیون امور نژادی بود و در پایان جنگ وقتی سازمان ملل متفق بوجود آمد، وی بسمت رئیس کمیسیون شورای نسوان در مرور د محدود کردن و کنترل تسليحات که مقر آن در شهر ژنو بود، انتخاب گردید و توانست در سالهای بعد در شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متفق که در شهر مذکور تشکیل میشد فعالانه خدمات شایان توجه انجام دهد. چون نگارنده بعنوان ناظر از طرف جامعه بین‌المللی بهائی برگزیده شده بود موقعیت‌هایی بدست می‌آمد که با لورا بارنی در اجتماعات سازمان ملل متفق ملاقات‌هایی داشته باشیم. وقتی که مقر سازمان تغذیه و امور کشاورزی (وابسته به سازمان ملل متفق) از شهر واشنگتن به رم تغییر محل داد، او به رم می‌آمد و ما ضمن پذیرائی گرمی که از وی بعمل می‌آوردیم تنها فرست بسیار مناسبی بود که بخاطرات و سرگذشت‌های حیات پرافتخار او که مصروف خدمت باستان حضرت بهاءالله کرده است استماع نمائیم و نیز به سلسله حوادث و وقایعی که مربوط به تجربیات شخصی او در حضور حضرت عبدالبهاء و فامیل مبارک و حضرت

شوقی افندی و نیز شوهر محبوبش بدست آورده است گوش هوش فرادهیم. در سال ۱۹۵۵ در افتتاح حظیره القدس شهر پاریس حضور یافته بود و همچنین در این مراسم خانم ادیت سندرسن در زمرة بهائیان اولیه مقیم پاریس شرکت داشت. بعداز مراجعت ما در سال ۱۹۶۹ از امریکا به اروپا، هر وقت موردي پیش میآمد که در پاریس باشیم بحضور خانم لورا بارنی میرسیدیم و او آنچه را که محبوب و دلخواه فوآد مابود ما را محظوظ و مستفید مینمود.

در آخرین سالهای زندگانیش او در خانه خود مقیم شده بود و دوستان و یاران را در فرصت مناسب میپذیرفت و در واقع با خاطرات شیرین فعالیتهای بارور و پرثمر خویش زندگی میکرد. وقوع آخرین ملاقات ما یکی از گرمترین و محبت آمیزترین دوران طولانی دوستی مابود. وی بواسطه عارضه طولانی بیماری روماتیسم جسمش به تحلیل و فلنج گرائیده بود. اما قوای روحی و عقلانی او همچنان درخشان و پرهیجان بنظر میآمد. در کنار وی روی میز کوچکی کتاب مستطاب مفاوضات بزیان ایتالیائی که بالاترین مراو و منظور نگارنده بنتارت در انتشار آن بود، بچشم میخورد. او بسیار تمجید در کیفیت طبع و شکل و زیبائی کتاب مینمود و باخرستنی بدستان ملاقات کننده خود نشان میداد. چند هفته قبل از صعودش ما از منشی ایشان نامه‌ای دریافت داشتیم که در آن مُصرّاً خواسته بود که ملاقاتی با وی بعمل بیاوریم، ولکن دریغا که این امر امکان پذیرنشد. زندگی جسمانی پرافتخار و شگفت انگیز این بانوی ارجمند در ۸ اوت ۱۹۷۴ پایان پذیرفت، در حالیکه ۵ سال مانده بود که او بصدمین سال خود برسد. خوابگاه ابدیش در گورستان پاسی در پاریس است. روزنامه مشهور لوموند، چاپ پاریس درگذشت او را در روزنامه‌اش اعلام نمود و احبابی امریکائی و فرانسوی از فقدانش بسختی متاثر گردیده به سوگواری نشستند. و از طرف بیت‌العدل اعظم الهی تلگرام زیر باعزم ایشان باحبابی امریکائی مخابره گردید:

"کنیز برازنده امراه‌الله لورا دریفوس بارنی بخیل گروه قلیل مومنین عصر قهرمانان پیوست، گروه تاریخی در شهر پاریس که ناشر لوایشان امة‌الله‌المنجذبه می‌ماکسول بود(۹). وی بواسطه تالیف کتاب مستطاب مفاوضات که در میدان تاریخی ادیان بی‌نظیر و بی‌همتاست، نامی جاودان کسب نمود. در عتبه مقدسه الهیه برای ارتقاء روحش در ملکوت ابھی مشتعلانه دعا میکنیم. باطلاع کلیه مجتمع امری فرانسه برسانید به نشان حق شناسی از توفیقات شگفت انگیزش جلسات تذکر شایسته‌ای بربا دارند." (برخی از کلمات از جمله امة‌الله‌المنجذبه و غیره در متن تلگرام نبود، احتراماً اضافه شده است).

توضیحات و زیرنویسها:

۱- جناب دکتر یونس خان افروخته از زمرة مشاهیر و خادمین این امر مبارک است. ایشان مدت ۹ سال در عکا در حضور حضرت مولی‌الوری بخدمات منشی گری و مترجمی اشتغال داشته‌اند و بقدرتی مورد عنایت مبارک بود که مخاطباً ویرا خان صدا میفرمودند. اثر جاودانی "خاطرات نه ساله عکا" که حاوی بسیاری از نکات حیات مبارک است بقلم ایشان نگارش یافته‌است. ۲- امة‌الله اتل روزنبرگ از زمرة نخستین مومنین امراه‌الله در انگلیس است. وی هنرمند و نقاش زبردستی بوده و با این فن اعشه میکرده است. تقدير الهی نیز با وی یاری کرد که او هم سهمی بسزا در تصحیح و ترجمه کتاب مستطاب مفاوضات بدست آرد و نسخه‌ای از آنرا در کشور انگلیس طبع و نشر نماید. ۳- جناب هیپولیت دریفوس در اوخر سال ۱۹۰۰ با مردم ایمان آورد و در سال ۱۹۰۱ بحضور حضرت مولی‌الوری مشرف شد و بمقامی بلند از ایمان و ایقان فائز گردید. وی بعداً برحسب اشتیاق شدید به فهم مسائل الهیه و مطالعه آثار مبارکه به تکمیل زبان فارسی و عربی توفیق یافت. پنج سال بعد دوباره بحضور انور مشرف شد و مامور بسفرهای تبلیغی به اکناف عالم گردید. کتاب مستطاب ایقان و برخی آثار دیگر از ترجمه‌های او بزبان فرانسه است. وی نیز از زمرة نوزده تن از حواریون حضرت عبدالبهاء در کتاب عالم بهائی جلد ۳ (۱۹۲۸ - ۱۹۳۰) بشمار آمده است. دریفوس مروج، مؤلف، و مترجم مشهور شریعت‌الله است که در سال ۱۹۲۸ صعود کرد. (باختصار از خاطرات نه ساله عکا). ۴- میسیس جاکسون Jackson از اهل بوستون بود. شوهرش جیمز جاکسون اصلًا فرانسوی بود. این خانواده در پاریس ساکن بودند و باب

خانه‌شان همه‌گاه بروی احبا و یاران باز بود و جلسات دائماً در این خانه منعقد می‌گردید. حضرت عبدالبهاء الواحی باعازاز ایشان نازل فرموده‌اند که اکنون در مرکز جهانی بهائی نگاهداری می‌گردد. در زمان هیکل مبارک حضرت مولی الوری، آنحضرت پولی را که خانم جاکسون جهت هزینه خرید زمین ساختمان خانه آنحضرت داده بودند بُوی مسترد داشتند (ترجمه از ذیل مشروحه نویسنده در مجله لپانسه بهائی). ۵- احتمالاً حضور حضرت عبدالبهاء در آن استودیو جهت ضبط صوت آن حضرت بوده است. ۶- مونت فورمیلز یکی از احباب امریکائی خدوم و شریف امرالله است که مجاهد نهائی در امر استرداد بیت مبارک بغداد و نیز کمکهای بجناب عبدالجلیل سعدبیک در مورد تصمیماتی که در سال ۱۹۲۹ علیه احبا در مصر گرفته بودند بعمل آورده است. ۷- ایادی محترم امرالله روی ویلم خدمتش در امرالله در ظل میثاق و حضرت ولی محبوب امرالله گوناگون بود. برای آگاهی از شرح حال ایشان بكتاب "موسسه ایادی امرالله" و نیز بشمارهای ۹- ۱۰ سال ۲۰ مجله آهنگ بدیع مراجعه فرمایند. ۸- علیقلی خان (نبیل الدوله) از رجال معروف امرالله‌است که شرح حال مفصل ایشان بوسیله دکتر خسرو مهندسی از اصل انگلیسی ترجمه گردیده، در آهنگ بدیع شماره ۵- ۶ سال ۲۰ (شهریور ۱۳۴۴) ملاحظه شود. ۹- امة الله می بولز (ماکسول) دختری که در اوایل قرن بیستم منجذب‌انه و مشتعلانه و با انفاس طبیه خود در پاریس سبب تپشیر امرالله و اقبال عده‌ای از مومنین اولیه گردید، بعدها بازدواج جناب مهندس ماکسول در آمد و ثمره این ازدواج حرم مبارک، امة‌البهاء حضرت روحیه خانم، ایادی امرالله می‌باشد.



بعض از بیانات مبارک حضرت عبدالبهاء، ارواح العالمین لـ الفدا در غرب

- ۱- "ماهمه باید در فکر تبلیغ باشیم. هرکس فکر دیگر دارد بدانید سبب اختلاف خواهد شد." (سفرنامه مبارک - جلد اول، صفحه ۱۴۹)
- ۲- "تأثید غیراز استعداد و علم و عقل است. چه بسا نفوس غیر مهمه که امور مهمه را کشف نمودند. چقدر نفوس سالها زحمت کشیدند برای کشف نقطه شمالی اما مستر آدمیرال پری رسید. اما کشف نقطه مقصوده باید نمود. کلمبوس چون تأثید پیدا کرد بزحمت جزئی آمریکا را کشف کرد. حواریون حضرت مسیح با آنکه بظاهر ذلیل بودند کاری کردند که ناپلئون نکرد هیئت عالم را منقلب کردند از این ثابت می‌شود که امور به تأثید الهی است." (سفرنامه مبارک - جلد اول، صفحه ۱۷۲)
- ۳- "... اقطع بعدم اسباب نیست، بلکه بعدم تعلق قلب است." (سفرنامه مبارک - جلد دوم، صفحه ۱۸۷)
- ۴- "هر امری را منع و مقاومت می‌توان نمود مگر اقتضای زمان را." (سفرنامه مبارک - جلد اول، صفحه ۲۹۱)
- ۵- "... در این مدت ولو در غرب بودم ولی همیشه رویم بسوی احبابی شرق بود و تأثید ایشان را از ملکوت الهی مسئلت مینمودم. امید من هماره باحبابی شرق بوده چه آنها چکیده امرند و امرالله بواسطه آنها در ایران تمکن تام جسته. چگونه ممکن است که آنی فراموش گردند واز خاطر بروند." (سفرنامه مبارک - جلد دوم، صفحه ۱۱۷)

شِعر

«ارشید محمد اوجی»

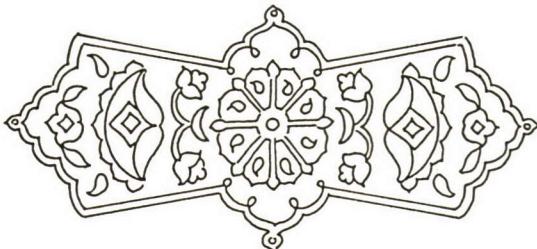
کشتی اندر روی دریا ناخدا دارد ندارد
روح بر مافوق اعلی رهنمای دارد ندارد
احتیاجی با وجود انبیاء دارد ندارد
بانگ وحدت جای لبیک و بلی دارد ندارد
بر زبان پیغامی از صلح و صفا دارد ندارد
همراهش هر کوکبی نور و ضیاء دارد ندارد
شخص آن البته ایمان بر بقاء دارد ندارد
ذات حق بر گفتهای خود وفا دارد ندارد
اینچنین عیبی به نزد حق بها دارد ندارد

ایها الناس این جهان آخر خدا دارد ندارد
جسم را چون رهنمائی کرد جسم دون بمادون
فطرت عالم چو بر افراط و تفریط است هر که
از چه رفت ازیادتان عهد است ای اهل عالم
میکند دعوت بسوی حق جهان را امر قائم
چند میخواهی دلیل از آفتاب آخر بعالم
هر که در راه هدف زد پشت پا برهستی خود
گفت قرآن قطع میسازم حیات کافران را
«نابتا» گر مردمان عیبی کنند از گفته هایت



جهان پر از غم و امید شادمانی نیست
که در ریاض جهان بوی کامرانی نیست
”خوشاست عمر دریغا که جاودانی نیست“
که اعتماد بر این پنجروز فانی نیست
ولی چه سود که در باغ زندگانی نیست
زدost طاقت دوری چنانکه دانی نیست
که کارا هل وفا غیر جانفسانی نیست
دگر حللوت نوبا وه جوانی نیست

بقای عمر در این خاکدان فانی نیست
گل مراد از این آب و گل چه میجوئی
برای صحبت یاران مهربان کریم
چوغنچه بسته دهن خون خور و مخدن چوگل
دوام عیش و بقا میوه ایست بس شیرین
مرا تحمل جور زمانه نیست ولیک
بیا و از سر جان خیز ورنه رو بشین
بهار عمر بوقت خزان رسید «حسین»



میرزا سیاوش سفیدوش

چون حیات روحانی و بهائی جدمادری نویسنده سیاوش سفیدوش با جدیدریام استاد جوانمرد شیرمرد که شرح حال مختصر ایشان در قسمت یادی از گذشتگان شماره بیستم مجله عندلیب درج شده بود ارتباط کامل دارد، لازم دانستم چند کلمه‌ای حتی بطور ناقص هم شده یادی از آن بزرگوار و خدمات تاریخی و شایانش با مر الهی و خاطرات ایام تشرف ایشان بحضور مرکز میثاق جمال‌بارک، حضرت عبدالبهاء روح ماسوه فدا نموده و در مجله عندلیب بنظر دوستان و خوانندگان عزیز برسانم.

جناب میرزا سیاوش از خانواده زردشتی متدين یزدی بودند و ایام کودکی و جوانی را در مدرسه زردشتیان یزد که به مدیریت و معلمی استاد جوانمرد دائز بود بتحصیل مختصر پرداخت و برای کسب و تجارت عازم کاشان و بعد شهر قم گردید. پدرشان رستم در سفر طiran جریان شهادت جناب سلیمان خان و شمع‌آجین نمودن ایشانرا بچشم خود دیده و در مراجعت به یزد برای او تعریف نموده و حس تحری و کنجکاوی را در فرزند خود ایجاد نموده بود ولی خود بدون ایمان صعود نمود. در کاشان و قم سیاوش کمتر با احبا تماس داشته ولی چون زردشتیان متعصب از مسلمان و زبان عربی دوری می‌جسته‌اند سعی و کوشش آنان در هدایت او اثر ننمود. در قم از حاجی میرزا حیدرعلی و جناب نداف مژده نزول لوح مبارک هفت پرسش را در جواب سوالات استاد جوانمرد شنید و تقاضای دیدن لوح مبارک را نمود. او با سه نفر از همکاران زردشتی خود که بتجارت مشغول بوده و همیشه مورد ظلم و ستم و تمسخر مسلمانان بودند لوح مبارک را زیارت و همگی بشرف ایمان فائز و آمنا و صدقنا گفته لوح مبارک را حفظ مینمایند و تا آخر حیات کرارا از حفظ تلاوت میکردن و تصمیم میگیرند بتلافی مافات پرداخته به تبلیغ همکیشان خود قیام کنند.

این وجود بزرگوار پس از تصدیق چون شمع برافروخته و موفق بخدمات عظیمی در سبیل امرالله شده، عده زیادی از زردشتیان را تبلیغ و با خود بمیدان خدمت می‌اورند و بپاس زیارت این لوح مبارک در جواب استاد جوانمرد با ازدواج صبیه فاضله مومنه خود با پسر ایشان موافقت و این ازدواج باعث نزدیکی بیشتر این دو نفس نفیس گردید.

از شدت عشق و ایمان خود را در آثار امری غوطه‌ور ساخته و با اکتساب اطلاعات بیشتر بر خدمات تبلیغی خود افزود و همواره آرزوی شهادت مینمود. پس از ایمان از طرف ارباب جمشید معروف به سمت مباشر و محاسب منصوب گردید و توانست تمام متواریان و خانواده شهدای یزد را در دستگاه او پناه داده بکار گمارد و ارباب جمشید هم با وجودیکه بهائی نبود بسیار با احبا موافق و مساعد و مورد عنایات هیکل مبارک حضرت عبدالبهاء قرار گرفت.

پس از صعود مبارک حضرت بهاءالله جل‌اسم‌الاعلی همواره آرزوی زیارت مرکز میثاق را داشت ولی هیکل مبارک باو تاکید فرمودند که خدمات ارباب جمشید و احبا واجب تراز زیارت است و بالاخره اجازه زیارت را موكول با جازه ارباب جمشید فرمودند.

آرزوی دیرینه او در سال ۱۹۱۲ میلادی، قبل از عزیمت هیکل مبارک بآمریکا جامه عمل پوشید و

در اسکندریه مصر بزیارت مرکز عهد و پیمان الهی موفق و خاطرات بسیار شیرین و زیبائی را خود مرقوم و فرزندان ایشان آنها را در کتاب "یار دیرین" بچاپ رسانده‌اند که ذیلاً بدرج چندی از آنها مبادرت میگردد:

۱- ایشان بشعر خیلی علاقه داشتند. درحضور مبارک کاملاً مجذوب و مفتون بوده و در تشرف تنهائی خود بمناسبتی این شعر را میخوانده:

رشته‌ای بر گردنم افکنده دوست تار و پوشن از محبت‌های اوست
گه به مسجد گه به دیرم میکشد میکشد آنجاکه خاطرخواه اوست. هیکل مبارک خنده مليحی فرموده
ایشانرا مورد عنایت قرار داده میفرمایند:

"رشته برگردن ز نافرمانیست این کشش بیرشته گربا شد خوشست".

۲- هیکل مبارک با ایشان بسیار عنایت فرموده و از کمکهایی که باحبای یزد در دستگاه اداری ارباب جمشید شده تقدیر میفرمایند و سؤال میکنند که این دوستان وضعشان چطور است. ایشان در جواب عرض میکند بسیار راحت هستند و خیلی مورد لطف و محبت ارباب جمشیدند ولی گاهگاهی خطاهایی میکنند. هیکل مبارک بعد از لحظه‌ای سکوت میفرمایند:

رئیس قافله را اندکی تغافل باد که بی نصیب نگردند قاطعان طریق

۳- دریک تشرف تنهائی مورد لطف و عنایت هیکل مبارک قرار گرفته و عصای مبارک را با ایشان لطف میفرمایند. این عصا یکی از عزیزترین اشیاء نزد ایشان بود. در قاب مخصوص طلا محفوظ و هرساله اول عید اعظم رضوان که در سنین طفولیت بملاقات پدربرزگ میرفتیم با مراسم فراموش نشدنی آنرا از قاب بیرون آورده و بهمه نشان ارائه داده میبوسیدند و درجای خود قرار میدادند.

۴- در روز آخر تشرف که هیکل مبارک عازم سفر آمریکا بودند از زائرین خدا حافظی و فردفرد را در آغوش محبت گرفته مصافحه فرمودند. سیاوش در موقع مصافحه میگوید:
آن سفرکرده که صد قافله دل همراه اوست ، هیکل مبارک مصوع دوم را با صدای بلند تمام کرده میفرمایند:

"هر کجا هست خدایا به سلامت دارش".

۵- حضرت عبدالبهاء در یک تشرف با ایشان فرمودند: "سیاوش اکنون که قلبت بنور ایمان منور گشت سفیدوش شدی خوشابحال تو" و از آنروز فامیل سفیدوش را برای خود گرفتند و با آن افتخار میکردند. در مناجاتی در حق ایشان میفرمایند:

"هوالله پروردگارا کردگارا ای یزدان من و خداوند مهربان من این فارسیان یار دیرینند و دوستان راستان خاورزمین ... ع ع".

فرزندان ایشان کتاب شرح حیاتشان را بدین مناسبت "یار دیرین" نامیده‌اند.
پس از مراجعت از ساحت اقدس بنا بر دستور و امر مبارک در لوحی که بافتخار ایشان نازل گشته چنین میفرمایند:

"در کوه و صحراء در جمیع شهرها مانند باد بادیمپیما باش. پیمانه پیمان بدهست کیر و باده الطاف جمال مبارک بنوشان. لسان بلیغ بگشا و تبلیغ بنما تا خفتگان بیدار گردند و محرومان از فیض جمال مبارک بهره و نصیب برند و علیک البهاء الابهی ع ع".

باده‌پیما شد و موافقیت‌های عظیم تبلیغی بدهست آورد. بعد به هندوستان مسافرت نمود و خدمات شایانی در میدان تبلیغ نموده بارها از طرف سران زردشی مورد ظلم و ستم و ضرب و شتم قرار گرفت. پس از مراجعت هیکل اطهر از سفر آمریکا بدون عرض عریضه‌ای لوح ذیل بافتخار ایشان نازل که در

هندوستان بزیارت شن نائل گردید:

"هوالله ای یار دیرین من ایامی که همراز و همنشین بودی در خاطر است ابدا فراموش نگردد الحمد لله روشی و از نار محبت الله مائند سمندر در آتشی خوشی و دلکشی ... ع ع"
از انتشارات او که بزیان فارسی و گجراتی تهیه و در هندوستان چاپ و توزیع گردیده است میتوان باین شرح نام برد: ۱- رساله توضیح و اضحتات، ۲- کتاب معرفت الدنیا، ۳- رساله فرامین بهی.

جناپ سفیدوش علاوه بر اسفار تبلیغی و ابلاغ امر به نفوس مستعده افتخار عضویت اولین و دومین دور محفل روحانی طهران را در سنه ۱۳۱۵ هجری قمری بامر حضرت عبدالبهاء از طریق انتخابات عمومی تشکیل و براهنمایی وحضور ایادی عزیز امرالله جنابان ابن‌ابر و حاجی‌آخوندعلیه‌باهء‌الله‌الابی متباهی بوده عضویت یافته وهمچنین در خرید زمین حظیره‌القدس طهران و حدیقه‌الرحمٰن سهمی بسزا داشته و در تقدیم زمین حظیره‌القدس گرگان و گلستان جاوید آن دیار خدمتی شایان توجه نموده است و بعلاوه تشکیل شرکت پارسیان و حصول مدیریت آن کعباچنین سکه طلا عنایتی حضرت مولی‌الوری موهبیتی برای مدت پنجاه سال گردیده از کارهای برجسته آن نفس نفیس بوده است.

شرح زیر خاطرهای از یکی از جلسات تبلیغی ایشان است: میدانیم که زردشتیان حروف "ف" و "پ" را بالعکس تلفظ مینمایند. مرحوم کیوان از قدما وفضلای امر می- فرمودند من سالها با بهائیان در تماس بوده‌ام و بسیاری از مبلغین سعی کردند که مرا هدایت نمایند ولی موفق نشدند و همگی از من مایوس شده بودند. روزی یکی از احبا بمن پیشنهاد کرد که به بیت تبلیغی یکنفر بهائی زردشتی که اخیرا از حضور مبارک مراجعت کرده است رفته بحرفهای او گوش بدhem. من پذیرفته بمعیت ایشان بمنزلی که میرزا سیاوش صحبت میکردند رفتیم. اطاق پر از جمعیت و جای برای ما نبود. هردو در بیرون اطاق ایستاده از پشت درب بسخنان ایشان گوش میدادیم. مرد زردشتی با تلفظ مخصوص خود آیه قرآن را تلاوت میکرد و میگفت: اپکلما جائکم رسول‌با لاته‌یو انسکم پپریقا کذنتم پپریقا تقتلون!

آقای کیوان بدون ملاقات سیاوش بفرد بهائی میگوید من تصدیق امر جمال مبارک را مینمایم و قلبم بنور ایمانش روشن شد زیرا میبینم و میشنوم یک نفر زردشتی که "ف" را "پ" تلفظ میکند، و از قرآن واسلام تنقر داشت مشغول اثبات امرالله با آیات قرآنیه است. شکی نیست که امر جمال مبارک حق است. و تا آخر حیات سالگرد روز تصدیق خود را با میرزا سیاوش در هر شهری که بود میگذرانید.

از آن وجود مقدس پنج فرزند - سه پسر و دو دختر باقی که عموم در ظل امرالله موفق بخدمت میباشند.

اطلاعیه

عکسهای تاریخی از متقدمین احباء که در پشت جلد (داخل و خارج) چاپ شده و در شمارهای آتی نیز تعدادی چاپ خواهد شد از قسمت سمعی و بصری مرکز جهانی برای چاپ در عندیلیب و بمنظور شناسائی افراد و محل و تاریخ عکسبرداری و سوابق تاریخی آن بواسطه یاران رحمانی که اطلاعاتی در این موارد دارند و اصل گردیده، لذا از کلیه احباء عزیز الهی استدعا دارد هرگونه اطلاعاتی در موارد فوق دارند باین هیئت اعلام فرمایند تا این هیئت بتواند فرمهای مربوطه را تکمیل و به قسمت سمعی و بصری مرکز جهانی ارسال دارد.

و نیز متنمی است در نامهای جوابیه نمرات عکسها و افراد نوشته شود تا در تطبیق اشکالی پیش نیاید.
با عرض تشکر و احترام
(هیئت تحریریه عندیلیب)

سروشی از خوش‌جوانی پریمون رابطه‌جوانان با نقشه منیعه عی‌ساله

انقطع بر صفوں نفس و هوی تازند و جنود
تقالید و اوہام را متواری سازند و در قطب
آفاق علم هدایت کبری برافرازند. »(۲)

در طی سنین متولیه اخیره نقش‌های پرفتح
و عظمت آئین حضرت یزدان در سراسر جهان که
هر کدام بابدعا طرق به ید اطهر حضرت ولی امرالله
و یا بوسیله دیوان عدل اعظم الهی طرح ریزی شده
بود با افشاء‌نده هر بذری در سبیل گسترش
خدمات امربه و ابلاغ پیام حیات بخش جمال
اقدس ابھی شمیم موهبت و برکت رویش
شکوفه‌های وحدت و صلح جاودانی را به همراه
داشت. حال که نقشه منیعه مبارکه هفت ساله
با برداشت صدھا قدم فراتر بسوی هدف غائی
پیروان محبوب بیهمتا حضرت بهاء‌الله بذرها در
بوستان الهی در جوار اشجار تنومند ظفرات
امرش افشاء‌نده به حجت بلیغه خویش مهر اختتام
زده است و سبیلی جدید را بر وجه اهل بها
گشوده. سبیلی که به نقشه شش ساله تسمیه
یافته و در پیامی از پیامهای اخیر معهد اعلی
بعنوان آخرین فرصت برای خدمت اهل بهاء
شناخته شده است. نقش‌های که در
بحرانی ترین و پرآشوب ترین احیان مدنیت مادی
آغاز یافته و با خاطره مهمترین رویدادهای امر
مبارک یعنی گذشت یک قرن از صعود محیی امم
جمال قدم خاتمه خواهد یافت در حالیکه بشارت و
نوید قرب تولد نظم بدیع جهان آرای الهی را به
یاران الهی میدهد و همواره لوح مبارک ذیل را
در گوشها و اذهان طنین افکن می‌سازد که:

» سلسله حوادث مهیب اخیر عالم بشریت
را به مقصد هدفی که حضرت بهاء‌الله پیش بینی
فرموده‌اند به حدی نزدیک ساخته که هر پیرو
ثابت قدم امرش وقتی شواهد و علائمی را که
از هرجهت حاکی از درد و الم عالم است
مشاهده مینماید نمیتواند ازتصور قرب استقرار
نظم بدیع الهی بهیجان و اهتزاز نیاید. »(۱)

اکنون که اهل بها در این بهار جانفرا آغاز
مرحله‌ای جدید را در تاریخ تکوین بشر جشن
گرفته، و غریو شادی و فوران احساسات فتح و
پیروزی را به اوج اعلی رسانیده و هر دم ظفری
جدید را در سبیل مستقرساختن نظم بدیع جهانی
بر عرصه عالم کنونی در دوران نقشه منیعه شش
ساله منتظر و متوقعند، انتظار شیفتگان حضرت
محبوب به جامعه جوان معطوف گشته است.
جامعه‌ای که باید در این مرحله بدیع با هر قدمی
فراتر هدفی بزرگتر را به ثبت رساند و بر آمار
فتحات امرش بیفزاید. جامعه‌ای که می‌بایست
با امکانات خویش تحولی را که در ترکیب جامعه
برای مزید اتحاد مطلوب است خلق نموده و
اعلام نصرت امرش را بر فراز عالم برافرازد.
و بالآخره جامعه‌ای که معهد اعلی خطاب به آنان
می‌فرماید:

» باید بجوشن ایمان و عرفان مجهر گردند
و بر تومن اطمینان نشینند و بمیدان عبودیت
جلان دهنند، سلاح صلاح برگیرند و صلی حی
علی الفلاح و حتی علی النجاح بمسامع اهل عالم
رسانند و بسیف حکمت و بیان و سپرتقی و

حواله

ای بندۀ حق همتی بنما و دامنی بکمر زن
و قصد مقامی بلند تر از افلاک نما. ای بندۀ حق
رخش سریع حاضر، میدان وسیع موجود، گوی
سعادت در پیش و چوگان عنایت در دست .
وقت جولان است و ربودن گوی از میدان .
من آنچه شرط بلاغ است با تو میگویم، بشتاب
بشتاب که وقت تنگ است و آهنگ مطرب
نزدیک بانتها، اگر در این بزم کف نزنی ،
دف نزنی ، آواز نخوانی ، و شهناز بلند نکنی
دیگر در چه زمان مخمور و مست گردی.
والبهاء علیک ع ع " (۳)

جامعه جوان که در جریان نقشه‌های پیشین
بطرق مختلفه درگوشه و کنار جهان نقشی عظیم و
مؤثر را اداء نموده‌اند و قدرت فنا‌پاذیر
خویش را در پایداری و استقامت در اعلاء
کلمه‌الله و خدمت ثابت کرده‌اند در این اوان
در جرگه پرتوان‌ترین عناصر جامعه و از جمله
بانیان بنای ذهبي امر مبارک محسوبند.

چنان است که جامعه جهانی بهائی و
تشکیلات اداری و امری جمیع امید خویش را در
جوانان بینند و در چهره‌های فروزان و
استعدادهای ایشان به آمال خود جامه عمل
میپوشانند. حال با درنظرگرفتن چنان افضال
ومواهی چگونه قادریم این مقام را نادیده
گیریم، آنهمه امید را روح یاس و حرمان بخشیم
و جمیع آرزوها را بی معین بگذاریم؟ چگونه
میتوانیم از آنهمه موهبت و فضل چشم پوشی
کنیم و در استقرار نظم جهانی الهی سهیم
نباشیم؟ و چگونه راضی خواهیم گشت که در این
چند روزه حیات دقیقه‌ای را راحت نشینیم و
اعلاء امرالله برنیاریم و بر نفسی ابلاغ کلمه‌الله
نکنیم ، گوئی نیفکنیم و چوگانی نزنیم ...؟

شاید در تحت تاثیر چنان احساسات و
عالی از ایقان و عرفان و خدمت و انقطاع بوده که
جناب نعیم لب به سرودن چنین ابیاتی گشود:-

"دیده چکار آیدم اگر نجوید لقا
لب به چه کار آیدم اگر نگوید ثنا
تن به چه کار آیدم اگر نگردد فنا
سر به چه کار آیدم اگر نباشد فدا
جان به چه کار آیدم اگر نسازم نثار" (۴)
بیائید در این یوم فضل عظیم و در این
بهار روحانی صفحه‌ای جدید را بگشائیم و جملاتی
بدیع در خدمت آستان حضرت یزدان و اعلاء
کلمه‌الله بر سطور نقشه شش ساله بنگاریم ، و
بروحی مoid به روح القدس و بنوری ساطع از
طلعت قدس ره تاریک وصول به وحدت نهائی را
بپیمائیم و دره ر قدمی شمعی افروزیم و فانوسی
روشن نمائیم ، بل بتمامی جان و دل مظہر بیت
ذیل گردیم که در لوح مبارک شکرشکن از قلم
اعلی جاری شده:
"زنده دل باید در این ره صدهزار
تاکند در هر نفس صد جان نثار"

و مطلع آیه : "به منزله سراج باشید از
برای عالم ظلمانی و بمثابه نور باشید از برای
تاریکی" شویم. (۵) و بیان اتم اقوم حضرت ولی
عزیز امرالله را نصب‌العین قرار دهیم که
میفرمایند: "جهان اطراف ما را فساد اخلاق،
اغتشاش، عدم عفت، هرزگی و بدرفتاری پرکرده
است . جوانان بهائی میبایست دشمن این
مفاسد باشند و به پاکی و پاکدامنی و صداقت
و نجابت عمل و رفتار نیک خویش دیگران را
از پیر و جوان به امر الهی جلب نمایند. جهان
از حرف خسته شده و تشنّه عمل است و جوانان
بهائی باید جوابگوی این انتظار باشند." (۶)

و بالآخره با تلاوت آیات والواح و غور و
غوص در بحر اعظم آثار و طبق انتظار حضرت
عبدالبهاء همچون جانبازانی فداکار با شور و
شوق فراوان بنام مقدس او به فتح مدن و دیار
پردازیم و از آنچه که سد راه مومنین ادوار
سابقه گردید بپرهیزیم تا از این فضل عمیم و
موهبت قدیم محروم نگردیم . بیائید جمیع
بندها را بگسلیم و چون قهرمان قلعه طبرسی که

حقیقت مسلمه بی میبرند و موقن و مذعن گردند که شریعت‌الله زنده و نباض و اساسش محکم و متین و مقدراتش مستحکم و رصین است. امیدوارم و به جان و دل دعا و مناجات نمایم که چنین اشتراک مساعی نه تنها موجب ازدیاد افتخار و قدرت و مزید اعتلاء و شهرت امرالله گردد بلکه نفس همکاری در حیات روحانی جوانان و تقویت قوای آنان چنان نافذ و موثر افتد و ارکان و جوارح جامعه جوان بهائی را بدرجهای متعدد و مرتبط نماید که بیش از پیش باپراز قابلیت و استعداد ذاتیه خویش موفق و به مرحله بدیعی از تکامل روحانی در ظل امرحضرت سبحانی نائل و مفتخر گرددند . . .

(۲)

انتهی .

-
- ۱- توقيع منيع هدف نظم بدیع جهان آرای الهی، سال ۱۹۲۱ . ۲- پیام معهد اعلی خطاب به یاران ایران، سنه ۱۳۲ بدیع. ۳- خاطرات نه ساله عکا، صفحه ۰۴۱ . ۴- گلزار نعیم، صفحه ۰۷۱ . ۵- کتاب اصول عقاید بهائیان، صفحه ۰۵۷ . ۶- توقيع منيع حضرت ولی امرالله مورخ ۱۹ سپتامبر ۱۹۴۶ خطاب به جوانان مدرسه گرین ایکر - کتاب نموده حیات بهائی، صفحه ۰۳۲ . ۷- توقيع منيع ظهور عدل الهی، صفحات ۰۴۶ - ۱۴۵



کیسهء زر و فیروزه خود را بدور انداخت و مانند جناب بدیع که افتخاری غیر از شهادت نطلبید و اماشرف که سر فرزند دلبندش را پنذیرفت و جناب ملاعلی بسطامی که خون خود را بعنوان اولین شهید دیانت باای برخاک ریخت و چون حضرت روح‌الله که جز پیوستن به پدر محبوب و شهید خویش چیز دیگری قبول نفرمود و چون جمیع مجاهدین تاریخ امر و چون قهرمانان و دلاوران قلعه شیخ طبرسی که وقعي به وعد و عیید دشمنان نگذارند و چون خال حضرت اعلی که آرزوی شهادت در راه محبوبش را داشت و چون سیمین و زرین و مونا و هزاران نفس مقدسی که جان و مال در رهشدادند و برای فداشدن در سبیلش خون دل از دیده گریستند از همه چیز خود برای اعلاء این امر مبارک بگذریم و مانند سربازی شجاع و دلیر برای انجام نقشه الهی شش ساله قدم پیش نهیم و تا همه اهداف فتح نشده از میدان باز نگردیم و یا اینکه جان خود را چون نشانی از جانبازی و فداکاری در راهی که بقله فتح و پیروزی منتهی میشود بسپاریم و بارقه اميد اهل بها را به شعلهای فروزان فتح و پیروزی تبدیل کنیم و تا آخرین نفس به آیه مبارکه ذیل که در کتاب ظهور عدل الهی مذکور اقتداء ورزیم که میفرمایند :

" . . . هیچ امری نمیتواند مانند شرکت مداوم و موثر و خردمندانه جوانان بهائی از هر طبقه و ملت و قوم و عشیره در دائره خدمات تبلیغی همچنین مجهدات اداری روح جوان و نیروی فعالهای را که ممد حیات و محرك تاسیسات امر نوزاد الهی است در انتظار ناس در هر قاره مشهود و جلوه‌گر سازد. این تعاون و تعاضد در خدمات و مجهدات امریه بهترین وسیله‌ایست که بموجب آن اعداء دین‌الله که ترقی و تکامل آئین رحمانی و مشروعات و مؤسسات یزدانی را با شدت و ضعف با نظر مخالفت و تنقید و بی ایمانی و تردید مینگرنند باین

کنفرانس بین‌المللی جوانان بهائی در کانادا «لندن انتاریو»



کنفرانس بین‌المللی جوانان بهائی از تاریخ ۹ آگست ۱۹۸۷ بمدت چهار روز در دانشگاه انتاریو غربی در شهر لندن در ایالت اونتاریو در کانادا، با شرکت ۱۷۰۰ نفر جوان، و با نطق جناب جرج پدرسن رئیس دانشگاه اونتاریو غربی، افتتاح گردید. شهردار لندن آقای توماس کاستل از تاریخ ششم تا دوازدهم آگست را هفته بهائی اعلام نمود و جناب براین مولوونی نخست وزیر کانادا و جناب دیوید پیترسن نخست وزیر ایالت اونتاریو پیامی مخصوص به کنفرانس ارسال داشتند.

ناظمین کنفرانس شش نفر مشاورین قاره‌ای از آمریکا و یک نفر از اروپا بشرح ذیل بودند: از آمریکا جنابان الی ابلو، فرزام ارباب، رابرт هریس، لرتا کینگ، دونالد راجرز، و دکتر اسمیت. از اروپا سرکار خانم آگنس غزنوی حضور داشتند. و نیز جمعی دیگر از جمله جناب جک لنز عضو هیئت معاونت از کانادا، سرکار خانم دکتر جین فیلی عضو محفل روحانی ملی کانادا، و آقای کویسن لاک مبلغ سیار از آمریکا بودند که هرکدام جنبه‌ای از مسائل مربوط به صلح، وظایف جوانان، و فعالیتهای آنان را مورد بحث قرار دادند.

علاوه بر جلسات معمولی، روزها و شبها نیز جلسات بحث و مطالعه با حضور حضرات مشاورین در گروههای بزرگ و کوچک ادامه داشت.

برنامه‌های موسیقی با شرکت آقایان داگ کامرون، جک لنز، کیومرث حقیقی، جمز وودبریج، گوردن موئزو، و خانمها نانسی وارد و روزمری استوارت اجرا می‌گردید.

نمایندگان لجنه ملی جوانان با نمایندگان گروههای مختلف در دانشگاه جلسات بحث درباره صلح داشته و غرفه فروش کتاب نیز دائر و مورد استفاده شرکت کنندگان بود.

خبرار مربوط به کنفرانس در روزنامه‌های بعضی کشورها از جمله فرانسه و در روزنامه‌های کانادا از جمله جراید محلی شهر لندن منتشر گردید.

از نتایج مهم کنفرانس راه پیمایی جمعی از شرکت کنندگان از لندن تا تورانتو می‌باشد که شرح آن جدآگانه درج می‌گردد.

بیت‌العدل اعظم الهی پیام خاصی به کنفرانس ارسال و جوانان را به قیام برای خدمت و اهمیت موقعیت آنها در اوضاع کنونی جهان متوجه فرموده و به ادعیه حاره در اعتاب مقدسه برای موفقیت‌شان اطمینان داده‌اند.

راه پیمانی جوانان بمنظور بزرگداشت صلح

«گزارش از مرکار خام پوران بقائی»

پساز اتمام کنفرانس بین‌المللی جوانان بهائی که از تاریخ ۹ تا ۱۲ جولای ۱۹۸۷ در شهر لندن (انتاریو) تشکیل گردید گروهی از جوانان بهائی آمادگی خود را برای پیاده‌روی از شهر لندن تا تورانتو به مسافت ۱۸۶ کیلومتر بمنظور آبلاغ پیام صلح معهد اعلیٰ بمقامات عالیه محلی و نفووس مستعده اعلام داشتند. این تصمیم قبلاً در کنفرانس جوانان انتاریو که درماه می در Oakville تشکیل شده بود بیان و بنام فخر الشهداء جناب بدیع و تبعیت از آن نفس روحانی و باکمک لجنات مجله ملی و تبلیغ و جوانان بمرحله اجرا گذارده شد.

برای جمع‌آوری اطلاعات و تهیه گزارش بایکی از مسئولین فعال این پروژه جناب روشن شمس به گفتگو نشستیم. ایشان اظهار نمودند داوطلبین زیاد بودند ولی پس از معاینات پزشکی به ۹۵ نفر اجازه شرکت در این راهپیمایی داده شد و عده‌ای هم بمنظور کمک در امور هم‌آهنگی این پروژه انتخاب گردیدند.



کوچکترین شرکت کننده طفلی چهارماهه بود که در کالسکه همراه با مادر تمامی مسیر را طی کرد.

تهیه وسائل و محل خواب و مواد غذائی لازم در گرمای شدید و شرجی آن چند روزه خالی از اشکال نبود که تمام این مسائل با همت والای گروهی از احباء و کمک موءسسات مختلف مرتفع گردید. طرح و تهیه کلاه و بلوز با آرم مخصوص به دوپرادر عزیز و موئمن بهائی بهزاد و فرهود فرهمندپور واگذار شده بود که با دقق و لیاقت در مدتی بسیار کوتاه تهیه گردید و صبح روز حرکت به محل کفرانس تحویل داده شد. در طول مدت راهپیمایی این جوانان با استقبال مردم و کف زدنیای زیاد و اهداء گل روپر میشدند و آنان نیز با ابلاغ و توزیع پیام صلح میپرداختند و بدین ترتیب تعداد ۴۰۰ نسخه پیام صلح تقسیم گردید. این جوانان برومند با روحی سرشار از خدمت به بشریت و صلح با شجاعتی خستگی ناپذیر روزانه بین ۲۵ تا ۳۰ کیلومتر راهپیمایی میکردند و در شهرهای Hamilton, Dandas, Woodstock, Mississauga با شهردار شهر ملاقات نموده، ضمن ابلاغ پیام صلح گلهای را که از مردم مختلف دریافت نموده بودند به شهردار تقدیم کردند.



شهردار میسی ساگا حین دریافت دسته‌گلی از یکی از جوانان راهپیما.

در شهرهای Paris و Oakville با نماینده اعضای انجمن شهر ملاقات نمودند. درهمه جا از این جوانان عزیز استقبال قابل ملاحظه‌ای بعمل آمد و در Woodstock این اقدام شجاعانه و روحانی آنان اشگ به چشم شهردار آورده و ایشانرا ستایش کرد. از جانب شمس که بسیار خسته ولی خوشحال و هیجان زده با چشمانی پراز اشگ شوق به سؤالات پنده جواب میدادند. سؤال کردم آیا دوستان غیربهائی هم در بین این جوانان بودند یا خیر؟ جواب دادند بله یکدل و یک چهت با محبت فراوان درکنار هم طی طریق میکردند و به پیام صلح جهانی جواب مثبت میدادند.

سؤال شد که از چند مملکت جوانان در این راهپیمایی شرکت کردند؟ جواب داده شد از ۱۳ کشور و جالب توجه اینکه بعضی از این ممالک هم اکنون با یکدیگر در حال درگیری هستند. بهر حال عصر یکشنبه بعد از هشت روز راهپیمایی این جوانان به میدان بزرگ شهر تورانتو Nathan Phillip Square رسیدند. عده کثیری در این میدان جمع شده بودند تا از آنها استقبال نمایند. نماینده وزارت فرهنگ و ملیتها مختلف از این قهرمانان استقبال کرده و بیانات موسوطي درباره صلح ایراد کرد. گوردي مونزو خواننده خوش صدا و چند هنرمند دیگر در این میدان با اشعار و آهنگهای امری برنامه اجرا کردند و مردم با آنان برقص و پایکوبی پرداختند. پس از آن به ساختمان محفل ملی کانادا هدایت شده و در آنجا با استقبال فراوان یاران و کف زدنیای تشکرآمیز دوستان مواجه گردیدند و پس از پذیرائی شام دکتر دیوید اسمیت، مشاور قاره‌ای مقیم کانادا نیز سخنرانی بسیار جالبی ایراد نمود.

ترن صلح

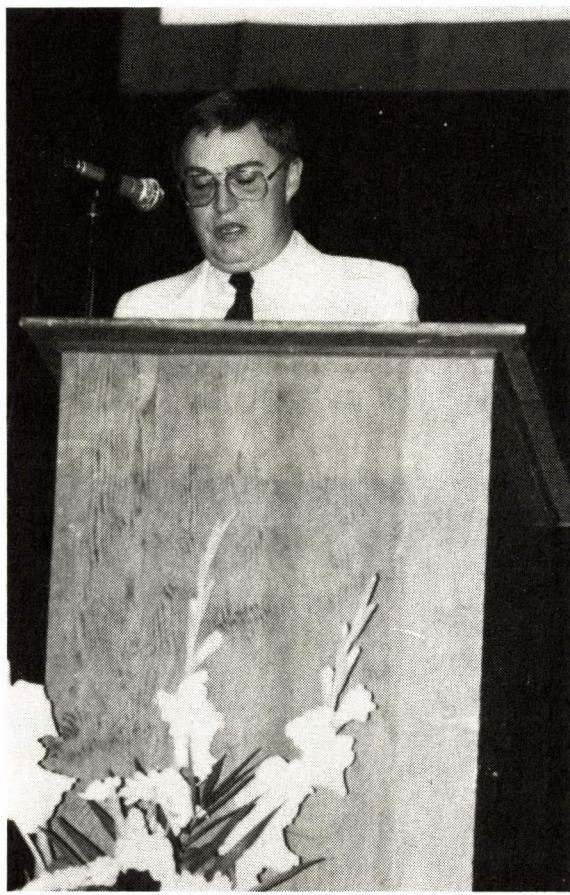
بمناسبت بزرگداشت هفتاد و پنجمین سال مسافرت یازده روزه حضرت عبدالبهاء روح الوجود لعنايات‌الله‌فداء به کانادا، دو برنامه بسیار جالب در تورانتو برگزار گردید. اولین برنامه بنام "ترن صلح" نامیده شد و حقیقتاً در نوع خود بسیار محبوب بود. ایده این پروژه در یکی از جلسات مشورتی هیئت معاونت با مساعدین طرح شد و منظور از این پروژه تجلیل و احیاء خاطره سفر تاریخی حضرت مولی‌الوری از مونتریال به نیاگارا فالز بود. روز مذکور ابتدا جلسه‌ای باحضور حضرت ایادی عزیز امرالله جناب دکتر علی‌محمد ورقا در منزل جناب ماکسول ایادی عزیز امرالله تشکیل گردید و پس از زیارت اطاق محل سکونت حضرت عبدالبهاء همگی دور هم جمع شده به دعا و مناجات پرداختند.



سپس جناب دکتر ورقا راجع به اهمیت مسافرت حضرت عبدالبهاء به کانادا و حرکت احباء در مسیر اقدام ایشان و آثار ناشیه از این حرکت و امید آنکه در آینده نیز این قبیل سفرها تکرار شده و احباء ندای امر را بهمه نقاط دنیا پرسانند بیاناتی ایراد نمودند و با محبت و لطف مخصوصی خودشان احباء را تا ایستگاه ترن مشایعت فرمودند.

در مسیر راه به شهری که میرسیدند^۱ مورد استقبال جمع کثیر از احباء قرار گرفته و پذیرائی می‌شدند و به سئوالات افراد جواب میدادند. ضمناً در کوپهای ترن که مزین به گل و شمايل حضرت عبدالبهاء بود مرتباً مشغول تلاوت مناجات و خواندن سرود و نواختن موزیک بودند که دیگران نیز بانها پیوسته و علت مسافرت با ترن با این جذبه و شوق را سؤال می‌کردند. در این سفر مت加وز از ۱۲۰۰ نسخه از پیام صلح توزیع گردید.

شب همانروز در نیاگارا فالز بافتخار مسافران ترن ضیافتی برپا شده بود که در آن شهردار شهر، نمایندگان پژوهشگان بر علیه سلاحهای اتمی، گروههای مختلف صلح طلب، نمایندگان سازمان ملل، نمایندگان خواهان حکومت جهانی، و یک گروه از کشیش‌های مسیحی شرکت داشتند. شهردار شهر ضمن خوش‌آمد نطق مبسوطی از اقدامات و خدمات احباء برای صلح به احترام و بزرگواری یادکرد و خواستار آن شد که اطلاعات بیشتری درمورد امر الهی کسب نماید. کشیش مسیحی که تحت تاثیر شدید قرار گرفته بود برای صلح دعا نمود و روز بعد هم در جلسه دعا و مناجات احباء همراه با خانواده خود شرکت نموده و تقاضا نمود که از بلوزهای کنفرانس جوانان دریافت نماید که جهت او و خانواده‌اش اهداء گردید.



شهردار نیاگارا فالز ضمن سخنانی اقدامات
جامعه بهائی را در راه صلح ستودند.

پس از سخنرانی جناب جک لنز عضویت
معاونت بعنوان "صلح جهانی امیریست حتمی و
اجتناب ناپذیر" خانم و آقای روشن شمس
که از برگزاران این پروژه بوده و کیک بزرگی
را بشکل ترن بطول ۳/۵ متر تهیه کرده بودند،
بین مدعوین تقسیم نمودند. روز آخر، جلسه
تودیعی در میدان شهرداری ترتیب داده شده بود
که پس از اتمام مراسم بادکنکهایی که روی آن
جمله "صلح جهانی حتمی است" همراه با شماره
تلفن محافل مقدس محلی نیاگارا فالز و بافالو نوشته
شده بود به آسمان فرستاده شد.
بامید آنکه با تأییدات الهیه نتایج راهپیمایی و
مسافرت احباء با ترن هرچه زودتر ظاهر و آشکار
گردد.



نووارهای موسیقی ذیل توسط گروه میثاق آماده فروش میباشد

۷ دلار

موسیقی اصیل ایرانی (ستور)
(PCM)

۷ دلار

- مناجات همراه با نغمات موسیقی بیا دبود ایا دی عزیز امیرالله جناب فیضی
(PCM)

۷ دلار

- موسیقی اصیل ایرانی (ستور همراه با ضرب)
(PCM)

خواهشمنداست سفارش خود را با ذکر کدهای اشاره شده، با آدرس ذیل مرقوم دارید:

Baha'i Distribution Canada

P.O. Box 90

Port Hope, Ontario

L1A 3V9

Telephone: (416) 753-2202

مسافرت تاریخی ایادی عزیز امرالله جناب ویلیام سیرز پیاده‌گشایی سال مسافرت حضرت عبدالبهاء به کانادا

برای تجلیل از یادبود هفتاد و پنجمین سال مسافرت حضرت عبدالبهاء جل ذکرہ‌الاعلیٰ به کانادا، جناب ویلیام سیرز، ایادی عزیز امرالله با وجود کسالت و ضعف مزاج بمدت یازده روز از تاریخ ۳۰ اوت تا ۹ سپتامبر مسافرتی به تمام استانهای کانادا نموده با حضور در جلسات مختلف پیر و جوان را به تبلیغ و حرکت تشویق فرمودند. در آخرین شب، یعنی ۹ سپتامبر ۱۹۸۷ از طرف محفل مقدس ملی کانادا برای بزرگداشت این واقعه تاریخی ضیافت باشکوهی با حضور ۱۱۰۰ نفر از احباء و دوستان در تورنتو ترتیب داده شده بود.

ابتدا جناب سیرز در جلسه‌ای که به کودکان بین ۴ تا ۱۲ سال اختصاص داده شده بود تشریف بردند. بچه‌ها ضمن اجرای برنامه و تقدیم هدایای کودکانه از بیانات ایشان برخوردار گردیدند. روح و صفات این جلسه خود کیفیّتی داشت که قابل توصیف نیست و در قلم نمی‌گنجد. سپس به جلسه عمومی تشریف آوردند و پس از تلاوت آیات و مناجات، منشی محفل ملی کانادا، جناب دکتر حسین دانش، ضمن عرض خیرمقدم سخنانی چند راجع به اهمیت این واقعه تاریخی بیان نموده و مدعوین را به برنامه جالب و ابتکاری که تنظیم شده بود دعوت کردند.

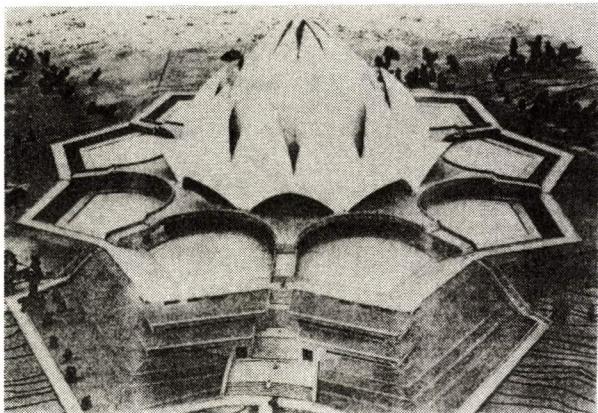
این برنامه روی صحنه‌ای که با شمايل بزرگ حضرت عبدالبهاء با ۷۵ شاخه گل سرخ که بیان کننده هفتاد و پنجمین سال مسافرت ایشان به کانادا تزئین شده بود اجرا گردید و ضمن نشان دادن اسلامیهای از پرتره‌های مختلفی که از حضرت عبدالبهاء در دسترس میباشد قسمتی از نطق تاریخی حضرت عبدالبهاء در موذنریال توأم با موزیک دکلمه گردید که بسیار جالب و روحناز بود.

پس از آن حضرت ایادی امرالله راجع به آینده کانادا و عنایات حضرت عبدالبهاء به این سرزمین و اثرات مسافرت آنحضرت، و وظایف و اقدامات تاریخی ما در این دور خطیر و حساس نطق مبسوطی ایراد فرمودند. همانطور که میدانید جناب سیرز همیشه ضمن بیانات شفاهی عملاً نیز فهم مطالب را ساده و آسان مینمایند و این از خصوصیات ذوقی ایشان است که بسیار جالب توجه میباشد. برای مثال ضمن بیاناتی که راجع به "توجه بسوی خدا" و عنایات جمال مبارک که همیشه و همیشه چون باران رحمت بر ما میبارد، بطرف میزی که روی صحنه بود تشریف بردند و ظرف آبی را که روی میز بود در دست گرفته و در دست دیگر یک لیوان خالی را وارونه روی میز گذارند و شروع به ریختن آب در لیوان کردند. البته قطره آبی در لیوان ریخته نشد. و ایشان خطاب به جمعیت فرمودند متأسفانه بیشتر ما مثل این لیوان هستیم رو به کره خاکی و متمسک به این دنیای مادی و محروم از لطف و کرم حضرت بهاءالله. بعد لیوان را یک پهلو روی میز گذارند و دو مرتبه از ظرف مقداری آب بروی آن ریختند. این بار چند قطره آب بدرون لیوان ریخته شده بود. جناب سیرز فرمودند این درست مثال کسانی است که گوشه چشمی بسوی آسمان دارند و گاهی خدمت کوچکی نموده و یا تبرّعی میدهند ولی باز هم از عنایات باران رحمت الهی چندان نصیبی ندارند. سپس لیوان را در دست گرفته و از آب پر نمودند و فرمودند این است نصیب اشخاصی که سربسوی آستانش گذارده و زندگی خود را وقف تبلیغ و خدمت به امرالله و دیگران مینمایند. باران رحمت الهی بر آنان مستمراً میارد.

در آخر برنامه کودکان به جلسه دعوت شدند و با خواندن سرود امری به لطف و جذبه جلسه افزودند.

(از مجتبی بهائی نیوز هند شماره ۴۹)

«ترجمه مرکار خام پریوش سمندری»



نهضه ای از نظریات باز روید کنندگان شرق الاذکار شبه قاره هند

۲۵ نوامبر ۱۹۸۰، دوایت - دبلیو - آن:

طرحی است مهم از عالم الهی و انعکاس عالیترین استعدادات عصر علمی جهان که بمنتظر ستایش ذات باری تعالیٰ بنا میگردد.

حیفا، ۴ ژانویه ۱۹۸۱، پول - ای - هنی:
بسیار خوشوقتم که موفقیتی نصیبم شده تا از این مطلع انوار مظهر حق دیدن کنم.

۲۴ ژانویه ۱۹۸۱، میلدرد - آر - متخد:

از درون این لوتوس مقدس، هندی جدید قامت برخواهد افراشت.

شیکاگو، اول نوامبر ۱۹۸۱، ایرج ایمن:
دیدار از این معبد همپایه زیارت مکان مقدسی است که متنضم همان تاثرات روحانی و تعالیٰ احساسات معنوی است.

۱۶ فوریه ۱۹۸۲، فضل‌الکریم - شارژ دافر نمایندگی عالی سازمان ملل متحد:
بسیار مسروorum که موفق شدم از بنای معبد بهائی در دهلی نو که براستی طرحی بسیار زیبا و مؤثر در ارواح است دیدن کنم. نهایت موفقیت و همت و کوشش جامعه بهائی را در ظل حمایت و عنایت حق آرزومندم.

هندوستان، ۲۳ دسامبر ۱۹۸۲، گلوریا فیضی:
كلمات قاصر از بیان است.

دیزی گلیپسی - موسیقیدان معروف جهانی:
هنوز نمیتوانم باور کنم. کار کار خدا است.

۳ می ۱۹۸۴، بی - بی - شری و استاو - کمیسر ام - سی - دی دهلی:
دیدار از این معبد دینی که بمنظور خدمت بعالی انسانی بنا میگردد، حتی در جریان ساختمان امتیازی کمنظیر و زیارتی حقیقی است. این بنا چون کامل شود و حیات یابد، تا چه

اندازه موجبات ترقی و تعالی روحی زائران را فراهم خواهد ساخت! کلمات شاید قاصر باشد تا بتواند آنرا تفسیر کند. با آرزوی کامیابی در اجرای این کوشش شکفت‌آور تاریخی.

۳۱ اوت ۱۹۸۴، ج - نارایان - سینگ - رئیس DESU :

امروز ساعت ۱۱ صبح از معبد بهائی دیدن کردم. من معتقدم که این معبد مکان مقدسی است که تمامی جامعه هند میتواند طبق اعتقادات خود در آن بعبادت بپردازد. این معبد نقطه عطفی است در اقدامات برای تحقق صلح عمومی و راحت و آسایش مردمان در این شبقهاره، بخصوص در مناطق شمالی که محققًا بصورت تماینده اخوت و برادری تمام مذاهب هند درخواهد آمد.

۲۳ نوامبر ۱۹۸۴، علی نجوانی:

بازدید از اولین معبد شبقهاره هندوستان به راهنمای آرشیتکت ممتاز و معروف آن، و در حضور مشاور محترم خانم زینا سهرابی، خاطره فراموش نشدنی بود. این بنا پدیده‌ای است که کمال دقت و نهایت فداکاری و توجه عمیق در همه اجزاء آن دیده میشود. امید است که پس از تکمیل، این بنای زیبا و اصیل همچنان مغناطیسی عظیم جاذب برکات روحانی حضرت بهاءالله برای جامعه عزیز هند گردد. برای افتتاح هرچه زودتر این معبد بروی همگان وادامه موفقیت در درک و شناسائی مقصد این طرح بدیع دعا میکنم.

آقا و خانم دبلیو - گارد توریون سفارت آمریکا و دهلی‌نو، متخصص امور پناهندگان و مشاور کشاورزی:
• *Breath taking* مبهوت کننده، نفس‌گیر

اتیوبی (حبشه)، گیلا میچل - باهتا:

قادر بآن نیستم که احساس خود را با کلماتی مختصر بیان کنم. بهر حال بازدید از این بنای عظیم و مشاهده همه فداکاریها و زحماتی که در ساختمان آن نثار گردیده را برای خود امتیازی استثنای میدانم.

۵ مارچ ۱۹۸۴، آقا و خانم آر - پی - پودستر - مشاور کمیسر عالی کانادا:
براستی طرحی است فوق العاده عظیم و زیبا و فی الحقیقہ شکفت‌آور و باشکوه.

۱۲ زانویه ۱۹۸۴، کالیفرنیا آقای کنت - دی - پیترسون - مدیرکل شرکت ساختمانی بک تل: فوق العاده و شکفت‌انگیز. شاهکاری که طراحی و اجرای آن معیاری برای قرون آتیه محسوب میگردد.

۲۴ می ۱۹۸۵، آقای گوتام کاول - اداره پلیس ترافیک دهلی:
مجتمع معبد همچنان قطره‌اشکی بر چهره بشر مبتلى میدرخشد. امید است که نور آن راهنمای مقصدی باشد که سازندگان آن، حرکت در آن سبیل را آغاز کرده‌اند. دانش- پژوهان رشته مهندسی از پیشرفت روزانه این بنا بهه بسزا برخواهند داشت.

آقای جوزف آلن استین - یکی از آرشیتکتهاي معروف آمریکائی در هندوستان: بازدید از محصول اینهمه فداکاری، الهام و مهارت در ساختمان معبد باعث سرور قلب است. چنین بنائي حاصل ایمانی است که از مذاهب الهام گرفته است. باید از طرح و مجریان آن براستی تشکر کرد.

۱ - پی - کان ویند - یکی از برجسته‌ترین آرشیتکتهاي هندوستان: از بازدید معبد بهائی که در جریان ساختمان است بسیار مسروشم. نحوه کار و سازماندهی و کیفیت اجرای جزئیات طرح که حاکی از فعالیت و فداکاری شما همراه با ثبات قدم و ذوق و سلیقه سرشار در ساختمان این بنا است موجب مسرت خاطر گردید. براستی از آنچه در محل ساختمان مشاهده کردم بسیار تحت تاثیر قرار گرفتم. تصور می کنم این طرح زیبا نشانه و علامت قابل توجهی برای دهلى‌نو خواهد بود و چون اکمال یابد معیاری جدید در نحوه بنا و اجرای طرح ساختمان بوجود خواهد آورد.

راوی شانکار - موسیقیدان معروف جهانی:
از ملاحظهء این طرح عظیم و زیبا بطوری تحت تاثیر قرار گرفتم که نمیتوانم کلماتی بیاهم تا احساسات خود را بیان دارم. مطمئنم که این بنا پس از تکمیل موجب احساس مسرت درونی و صلح و سلام معنوی در بازدیدکنندگان خواهد شد.

اطلاعیه موسسه معارف بهائی بسان فارسی

موسسه معارف بهائی بسان فارسی که براساس اراده وهدایت بیت‌العدل اعظم البی توسط محفل روحانی ملی بهائیان کانادا تأسیس شده و مژده آن قبلًا باطلاع دوستان عزیز رسیده بود اینک باطلاع یاران میرساند که بتائید البی انتشارات خود را در آتیه نزدیکی در اختیار عموم خواهد گذاشت. اولین انتشارات موسسه بشرح زیر خواهد بود:

۱- مجموعه خودآموز نماز بهائی، لوح مبارک احمد، ادعیه مخصوصه شامل نوار ضبط شده، جزوه‌ای شامل متن نماز و لغت نامه و توضیحات بمبلغ ۷ دلار برای فروش آماده است.

۲- اولین شماره دوره دوم نشریه "مطالعه معارف بهائی": رساله‌های در آثار بهائی، اثر تحقیقی تالیف جناب دکتر وحید رأفتی.

شرایط عضویت در موسسه و اشتراک نشریات آن متعاقباً باطلاع دوستان خواهد رسید. آدرس مراجعات موسسه در زیر باستحضار میرسد:

Persian Institute for Baha'i Studies
P.O. Box 8464
Dundas, Ont CANADA
L9H 6M2

گزارش نقشه هفت ساله

گزارش اقدامات انجام شده در مرکز جهانی و نقاط دیگر جهان که در مرکز جهانی امرالله تهیه گردیده در شماره جولای ۱۹۸۷ مجله شریفه "بهائی نیوز" آمریکا بچاپ رسیده که خلاصه‌ای از آن ذیلا بنظر احبابی عزیز الهی و خوانندگان ارجمند مجله عندلیب میرسد.

ترجمه و تلخیص از ۱ - خ

در مرکز جهانی:

۱- ساختمان بیت‌العدل اعظم الهی که در جون ۱۹۷۵ آغاز گردیده بود با صرف ۲۸ میلیون دلار (آمریکائی) در جون ۱۹۸۲ که پنجمین سال صعود حضرت ورقه مبارکه علیها علیها آلف التحیه والثناه بود پایان یافت و در سال ۱۹۸۳ در طی چهارمین اجمن شور روحانی جهانی افتتاح گردید.

۲- تصمیمات لازم درباره چگونگی ساختمانی قوس فوق مقام مقدس حضرت ورقه مبارکه علیها در کوه کرمل در اوائل سال ۱۹۶۸ اتخاذ و نقشه‌های لازم توسط آقای مهندس حسین امامت، مهندس بیت‌العدل اعظم الهی بشرح زیر آماده گردید:

الف - ساختمان مرکز مطالعات آثار مبارکه که بین ساختمان دارالاثار بین‌المللی و ساختمان بیت‌العدل اعظم الهی خواهد بود.

ب - ساختمان دارالتبلیغ بین‌المللی و کتابخانه بین‌المللی بهائی که در طرف دیگر ساختمان بیت‌العدل اعظم الهی بنا خواهد شد.

۳- تعمیر بیت مبارک عبدالله پاشا که محل سکونت عائله مبارکه بوده، طبقه فوقانی آن در سال ۱۹۸۳ خاتمه یافت و نمایندگان شرکت کننده در اجمن شور جهانی در آن سال موفق بزیارت آن گردیدند. بعدا تعمیرات قسمت شمالی بیت که شامل سالن بزرگ محل پذیرائی هیکل مبارک حضرت عبدالبهاء جل ثنائه، اطاق کوچکتر دیگری که مورد استفاده هیکل انور حضرت ولی امرالله ارواحنا له الفدا بوده آغاز گردید.

۴- گلستان جاوید جدیدی در نزدیکی دریاچه جلیله تهیه گردید و جسد جناب میرزا محمد قلی، نابادری هیکل مبارک جمال‌القدم جل اسمه‌الاعظم و ده نفر از بستگان ایشان از قبرستان قبلى به این محل انتقال داده شد که این خود از اقداماتی است که اضافه بر اهداف نقشه هفت ساله در مرکز جهانی انجام گردیده است.

۵- توسعه باغات اماكن متبرکه ارض اقدس، جمعاً معادل ۲۶۹،۶۶ متر مربع در بهجي، مزرعه، و گلستان جاوید جدید.

۶- مراسم برگزاری پنجمین سال صعود حضرت ورقه مبارکه علیها علیها التحیه والثناه در جولای ۱۹۸۲، و چاپ و انتشار مجموعه‌ای از دستخطهای مبارکشان.

۷- افزایش اعضای دارالتبلیغ بین‌المللی با عضویت جدید مشاورین: خانم ماگدانالد کارنی، جناب مسعود خمسی، جناب پیتر خان، و خانم ایزابل صبری در ماه می ۱۹۸۳ که باضافه ایادی امرالله حضرت امه‌الهیاء روحیه خانم و ایادی امرالله جناب علی‌اکبر فروتن و مشاورین: خانم انانیزه یوب و جناب هوپر دانبار و عزیز یزدی، از تاریخ ماه می ۱۹۸۳ برای پنج سال این سمت را عهده‌دار خواهند بود.

۸- توسعه دفتر جامعه بین‌المللی بهائی (در سازمان ملل متحد در نیویورک) و شبیات آن در ژنو، آدیس‌آبابا، بانکوک، و سانیتاگو، و برقراری روابط بیشتر با چندین موسسه سازمان ملل متحد از قبیل: شورای جهانی تغذیه، سازمان بهداشت جهانی، سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی، سازمان کشاورزی، و سازمان بین‌المللی کار. ضمناً جامعه جهانی بهائی در جلسات پارلمان اروپائی شرکت، و اوضاع فعلی احبابی ایران را تشریح، و روابط نزدیک با کمیسیون پاسیفیک جنوبی که موسسه بین‌الحكومات آن منطقه است برای

توسعه اقتصادی و اجتماعی پرقرار کرده است.

۹- دائره بین‌المللی پناهندگان در سال ۱۹۸۴ در کشور کانادا تشکیل که تاکنون با همکاری ۳۸ محفظ ملی باستقرار حدود سه هزار نفر از پناهندگان ایرانی که در آن کشور تحت فشار و تضییقات دائمی بوده‌اند در ممالک مختلف موفق گردیده است.

۱۰- دائره بین‌المللی امور اقتصادی و اجتماعی در ارض اقدس تاسیس و مامور اقدام در بهبود وضع حیات اجتماعی و اقتصادی در جامعه جهانی بهائی گردیده است.

۱۱- دائره روابط عمومی در ماه می ۱۹۸۵ در ارض اقدس تشکیل و شعبه‌ای از آن نیز در نیویورک دائز گردیده. وظیفه این موسسه دادن اطلاعات صحیح درمورد امر بهائی و جامعه اسم اعظم به حکومتها مردم جهان، و جواب لازم به مخالفین امرالله است.

اطلاعات مربوط به سایر نقاط جهان:

۱- ساختمان مشرق‌الاذکار ساموآ که در تاریخ ۲۷ ژانویه ۱۹۷۸ آغاز گردیده بود در سپتامبر ۱۹۸۴ افتتاح گردید. مخارج ساختمان بالغ بر ۶،۵۰۰،۰۰۰ دلار است.

۲- مشرق‌الاذکار هندستان که در سال ۱۹۸۰ ساختمان آن آغاز گردیده بود در ماه جون ۱۹۸۶ خاتمه یافت و در ایام ۲۳ تا ۲۸ دسامبر ۱۹۸۶ افتتاح گردید. مخارج ساختمان این معبد ده میلیون دلار است.

۳- در تاریخ ۲۶ نوامبر ۱۹۸۰ (یوم میثاق) ۱۳ منطقه مشاورین قاره‌ای به پنج منطقه در پنج قارات جهان تغییر داده شد و مقرر گردید که دوران خدمت مشاورین پنج سال باشد و تعداد مشاورین از نوامبر ۱۹۸۵ به ۷۲ نفر بالغ شد و اولین کنفرانس مشاورین در دسامبر ۱۹۸۵ در ارض اقدس تشکیل گردید. تعداد اعضای هیئت معاونت به ۶۳۰ نفر بالغ، و تعداد مساعدين به ۵،۰۰۰ نفر رسید.

۴- در سال ۱۹۸۲ پنج کنفرانس بین‌المللی بترتیب ذیل تشکیل گردید: در دوبلین (ایرلند) با شرکت ۹۰۰ نفر از ۶ کشور، از ۲۷ تا ۲۹ جون. در کیوتو (اکوادر)، با شرکت ۱۰،۴۵۰ نفر از ۴۳ کشور، از ۶ تا ۸ آگست. در لاجوس (نیجریه) باشرکت ۱۰۰ نفر از ۹۰ قبیله، از ۱۹ تا ۲۲ آگست. در کامبرا (استرالیا) با شرکت ۲۰،۴۰۰ نفر از ۴۵ کشور از ۲ تا ۵ سپتامبر. در مونترال (کانادا) با شرکت ۹،۴۰۰ نفر از ۱۰۱ کشور، از ۲ تا ۵ سپتامبر.

در طی نقشه هفت ساله:

۵- تعداد ممالک مستقله که در ظل امرالله وارد شدند به ۱۶۶ و ممالک غیر مستقل به ۴۸ رسید.

۶- تعداد محافل ملیه از ۱۲۵ به ۱۴۸ بالغ شد.

۷- تعداد محافل محلیه از ۲۳،۶۲۴ به ۳۲،۸۵۴ بالغ گردید.

۸- جمع مراکز امریه (محفل، جمعیت، نقطه) از ۱۰۲،۷۰۴ به ۱۱۶،۷۰۷ بالغ گردید.

۹- جمعیت بهائیان در سراسر جهان از ۳،۶۲۱،۰۰۰ به ۴،۷۳۹،۰۰۰ رسید.

۱۰- تعداد قبائل و بومیان در ظل امرالله از ۳۰۰ به ۲،۱۰۰ رسید.

۱۱- فعالیتهای محافل ملیه درمورد تشکیل ضیافات نوزده روزه، جلسات مرتب محفل، شرکت در تبرعات، کلاسهای درس اخلاق، فعالیتهای جوانان و نسوان، تبلیغ، تزئید معلومات امری بین ۸۶ الی ۲۴۵ درصد افزایش یافت.

- ۱۲- تعداد مهاجرین بینالمللی به ۳۰,۶۹۴ و تعداد مبلغین سیار به بیش از ۱۰,۰۰۰ نفر رسید.
- ۱۳- ۲۸ محفل روحانی در تبلیغ مشترک سرحدی همکاری و اقدام نموده‌اند.
- ۱۴- ۶۰ محفل ملی در ۱۴۵ طرح تبلیغی و ۱۲۹ محفل ملی در تشکیل ۲,۷۵۵ کنفرانس تبلیغی موفق بوده‌اند.
- ۱۵- ۱۱ محفل ملی رسمی تسجیل و تعداد محافل ملیه تسجیل شده به ۱۱۳ بالغ شد.
- ۱۶- تعداد ۲۰,۳۰۹ محفل روحانی محلی در ۸۵ کشور تسجیل گردید.
- ۱۷- ازدواج بهائی در ۵۲ کشور و تعطیلات امریکه در ۲۱ کشور برسمیت شناخته شد.
- ۱۸- تعداد محافل ملیه که موفق باخذ معافیت مالیاتی شده‌اند به ۵۴ محفل رسید.
- ۱۹- تعداد محافل ملیه که از نظر مالی خودکفا گردیده‌اند از ۵۴ به ۱۱۳ محفل افزایش یافت.
- ۲۰- تعداد پروژه‌های مربوط به امور کشاورزی، بهبود جامعه، تعلیم و تربیت، بهداشت، امور اجتماعی، و فرستنده رادیو به ۱,۲۴۷ بالغ شد.
- ۲۱- تعداد مدارس رسمی به ۸۵ مدرسه با حدود شش هزار شاگرد و تعداد مدارس کوچک غیر رسمی به ۴۳ مدرسه رسید، و ۱۳۴ برنامه رفع بیسواندی اجرا گردید.
- ۲۲- شش فرستنده رادیو نیز بشرح زیر تاسیس گردید: در سال ۱۹۸۱ در پرو، در ۱۹۸۴ در بليويا و ممالک متحده آمريكا، و در ۱۹۸۶ در پاناما، شيلى، و ليبريا.
- ۲۳- تعداد زبانهایی که آثار مبارکه با آن ترجمه شده به ۷۵۷ رسید.
- ۲۴- ۸۸ محفل ملی برنامه‌های تدریس مکاتبه‌ای به تعداد ۲۱۹ و به ۵۷ زبان اجرا گردند.
- ۲۵- ۶۸ کاست از آثار مبارکه و ۸۱ کاست از آهنگهای امری تهیه شد.
- ۲۶- ۳۹۳ بولتن و اخبار امری به ۵۸ زبان انتشار یافت.
- ۲۷- تعداد مدارس تابستانه و زمستانه به ۷۰,۶۵۰ و تعداد شرکت کنندگان به ۱۷۰,۰۰۰ نفر رسید، و ۱۰۰۴۴ انيستيتو بوسيله ۹۹ محفل ملی دائير گردید.
- ۲۸- ۱۶ محفل ملی در تمام مراکز لازمه و ۴۵ محفل ملی در ۵۰ درصد مراکز کلاس‌های درس اخلاق برای اطفال دائير گردند.
- ۲۹- در يكصد کشور جوانان در فعالیتهای صلح مشارکت داشته و هشت کنفرانس بینالمللی جوانان با شرکت ۱۱,۲۰۰ نفر جوان تشکیل شده است.
- ۳۰- فعالیت خدمات مربوط به نسوان در ۱۱۶ کشور اجرا گردیده است.
- ۳۱- تعداد ۲۰۳ برنامه در ۴۵ کشور درباره حیات عائله اجرا گردیده است.
- ۳۲- در ۱۳۴ محفل ملی مجموعاً ۶۴۷ ساختمان و زمین برای حظیره القدس تهیه شده که ۱۱۸ عدد آنها از طرف افراد اهداء گردیده است.
- ۳۳- تعداد هشت انيستيتوی سیار بهائی در هشت کشور آفریقائی مشغول خدمت شده است.
- ۳۴- برای اعلان امرالله ۴۳۵ برنامه تلویزیونی و ۸۴۳ برنامه رادیوئی انجام و ۹,۶۱۳ مطلب در روزنامها و مجلات بوسيله ۷۵ محفل ملی منتشر شده است.
- ۳۵- نمایندگان ۱۰۸ محفل ملی با ۱۱,۲۴۵ نفر از شخصیتهای مهمه جهان ملاقات که ۹۰۰ فقره آن در طی نقشه هفت ساله بوده و نمایندگان جامعه بهائی با ۷۳ رئیس کشور و ۵۴ رئیس دولت حضوراً ملاقات نموده‌اند.
- ۳۶- بيانیه صلح بيت العدل اعظم الهی به ۱۶۷ رهبر جهان تسليم گردیده است.

أخبار و بشارات امریک

بعد آمد و روز بعد مقاله‌ای راجع به آن در روزنامه درج شد. نماینده رادیو استرالیا نیز شرح کنفرانس را برای پخش در رادیو ضبط نمود. در احتفال عمومی که جمع کثیری شامل صد نفر افراد غیربهائی حضور داشتند، جراح معروف سر ادوارد دنلپ Sir Edward Dunlop و ناطق دیگر در موضوع "جوانان - امید صلح" صحبت کردند. در پایان بانهایت مسترت و خوشنودی لجه‌نی ملی جوانان تلگرافی بساحت بیت‌العدل اعظم مخابره و بشارت ورود هشت تن مؤمنین جدید را درظل امر معرض داشته و اشتیاق وافر جوانان استرالیا را بخدمت امر ابراز نمودند.

اپراز حمایت از جامعه بهائی ایران توسط یک مؤسسه اجتماعی و فرهنگی در آلمان

یک مؤسسه باعتبار اجتماعی و فرهنگی Peutinger در آلمان موسوم به مجمع پوتینگر Collegium در حمایت از جامعه بهائی ایران و تمجید از بیانیه صلح بیت‌العدل اعظم شدیداً سخن گفته است. این مؤسسه که مجمعی از بانفوذترین شخصیتها در ایالت باواریا Bavaria می‌باشد نسخهای بیانیه صلح را بعنوان هدیه برای تمام اعضاء پارلمان ایالتی فرستاد و در یک جشن سرور و شادی که در تاریخ ۳ دسامبر به مناسبت سومین سال تأسیس مجمع منعقد بود ۳۴۰ نسخه از آن به مهمنان دادند. در این جشن رئیس مجمع مستر گرهارد تروتلین Mr. Gerhard Treutlein در تعریف امر بهائی و توصیف فدایکاری و شهامت بهائیان ایران برای ایجاد صلح و اتحاد سخن گفت و از حاضرین خواست اهداف و افکار بهائی را درمورد صلح پذیرفته از آن حمایت کنند. در مجله زانویه این مجمع راجع

اقتباس و ترجمه از اخبار بنی‌الملکی بهائی
ماهیانی آوریل - مه و ترویج ۱۹۸۷

جامعه بهائی در جزایر آندامان و نیکوبار مورد تمجید و تقدیر روسای دولت واقع می‌شوند

Nicobar آندامان Andaman و نیکوبار Nicobar

جزایری است در خیلچ بنگال مستقل و تحت‌الحمایه هندوستان و بندر پورت بلر Port Blair پایتخت آن. بهائیان این شهر در ماه دسامبر یک هفته را بنام هفته صلح جشن گرفته مسابقات مختلف ترتیب دادند که در آن ناطق اصلی نایب فرماندار محلی بود و ناطقین دیگر نماینده‌گان هندو، سیک، مسیحی، اسلام، و بهائی برای سیصد تن حاضرین صحبت کردند نماینده بهائی عضو هیئت معاونت، جناب جوانمردی خلاصه‌ای از بیانیه صلح بیت‌العدل اعظم را تشریح نمود و یک عضو پارلمان مستر بهاكتا Mr. M. Bhakta مختصری در تقدیر و تمجید از مساعی بهائیان برای صلح جهانی اظهار نمود.

کنفرانس ملی جوانان بهائی در استرالیا

در کنفرانس ملی جوانان بهائی که ۲۹ زانویه در ملبورن استرالیا منعقد شد سرکار خانم مشیریان مقیم تاسمانی شرحی راجع به زندانی شدن و خدمات خود در ایران بیان نموده مجرک شوق خدمت و خلوص نیت در جوانان گردید، بطوریکه جمعی داوطلب اسفار تبلیغی شدند. افراد غیربهائی که در کنفرانس حضور داشتند بخصوص یک خبرنگار جریده محلی روح محبت و الفت که بین نفوس از اقوام و نژادهای مختلف مشاهده کردند در قلوبشان تأثیر شدید نمود. مصاحبه‌ای با دو نفر از جوانان

یک مرد سیاه پوست چنین رفاقت و الفت داشته باشند.

سؤال و جواب جوان تازه تصدیق بهائی با پیشوایان کلیسا

بموجب راپورتی که در ۱۸ ژوئن از محفل روحانی ملی از کشور مالاوی Malawi به ارض اقدس ارسال شده: جوان چون در کلیسای افریقائی که در آن عضویت داشت بقول خودش قدرت رستگاری و نجات مشاهده نکرد از رفتن به کلیسا خودداری نموده با مر بهائی تمایل حاصل کرد. از طرف کلیسا هیئتی مأمور شدند که جوان را ملاقات نموده از پیروی امر بهائی منع نمایند. آن هیئت با شدت تمام به مجادله با او پرداختند. جوان هرچند خودش سواد کافی ندارد ولی توسط یک دوست بهائی خود که کتب امری و کتاب مقدس را برایش میخواند معلومات و اطلاعات کافی راجع با مر پیدا کرده است و بدین نحو قادر بود با نمایندگان کلیسا مباحثه کند و از کتاب مقدس دلائل آنها را علیه امر بهائی رد نماید. هیئتی از پیشوایان کلیسا مجدداً بمقابلات جوان آمدند و با او به سؤال و جواب پرداختند. جوان بقول خودش با مسرت از این فرصت استفاده کرده مثل اینکه باو الهام شد بگوید: "ای پیشوایان کلیسا بیخشید، اجازه میهید سؤالی از شما پکنم؟" گفتند: بلی. پرسید: "چند مسیح وجود داشت؟" گفتند: یکی. پرسید: "چند خدا وجود دارد؟" گفتند: یکی. گفت: "اگر یک خدا و یک مسیح وجود دارد چرا صدھا کلیسا هست که با هم اختلاف دارند؟" و چند کلیسا را که بخارط داشت اسم برد و به صحبت ادامه داده نصایح مسیح را درباره محبت و الفت بین نوع بشر گوشزد نمود. خلاصه پیشوایان کلیسا از سؤالات جوان و جوابهایی که با اطلاع کافی از کتاب مقدس میداد بحیرت افتادند. این واقعه درسی است از برای دوستان بهائی که بدانند قدرت مسیحیت در این ایام به حضرت بهاءالله محول گشته است.

به توزیع بیانیه صلح و در وصف نشریه محفل روحانی ملی آلمان راجع به مصائب بهائیان ایران شرحی نوشته شد. این مجله سی هزار مشترک و خواننده از اشخاص معروف صنعتی و دولتی در آلمان دارد.

وصف یک سفر تبلیغی در چند کشور افریقائی

دو تن از احبابی کنیا تعطیل آخر سال خود را (۱۹۸۶-۸۷) وقف یک سفر تبلیغی نموده با اتومبیل مسافتی معادل ۲۶۶۵ کیلومتر رفت و برگشت در ممالک یوگاندا و رواندا و بروندي و زئیر را طی کردند و در راپورت خود میگویند: "وقتی روحانی و تائیداتی دائمی و حفظ و حمایت قطعی در هر کیلومتر راه با ما بود." نکات برجسته این سفر دعا و مناجات در مشرق الاذکار کامپala، ملاقات دوستان در کیگالی Kigali و رواندا Rwanda و شرکت در کنفرانس تبلیغی ملی در کشور بروندي و کنفرانس جوانان در کامپala بود. در بسیاری نقاط در منزل احبا مهمان بودند از جمله در زئیر سرکار خانم مریم گیبسون Mrs. Mary Gibson زوجه مرحوم مستر گیبسون، عضو سابق بیت العدل اعظم از ایشان پذیرایی کرد. همچنین در راپورت خود مینویسند: "در حالی که داخل جنگل میراندیم ناگهان نفوس از نقطه نامعلومی پیدا شده پیش میآمدند و الله ابھی میگفتند. در یک قریه بومی شمال شرقی زئیر تمام اهل قریه بهائی بوده با رقص و آواز و دعا و مناجات پیشواز ما آمدند. در محلی بین راه سربازان مسلح فرمان توقف داده از ما خواستند آنچه در ماشین داریم بیرون آوریم و بعد چون از هویت ما استفسار کردند و گفته شد ما بهائی هستیم یک جلسه تبلیغی بمدت ۴۵ دقیقه در آن محل تشکیل گردید. در این سفر ما عالم را تشنہ تعلیم ساده وحدت و یگانگی مشاهد کردیم. همه چنان متغیر و کنجدکاو بودند که چه باعث شده است یک مرد سفید پوست با

مشاّرالیه ضمن تقدیر از امر بهائی اظهار داشت وقتی سفیر فیلیپین در ایران بوده از امر بهائی اطلاع حاصل کرده و خوشحال است که بهائیان در فیلیپین نیز هستند.

در لاندگ Landegg سوئیس: مدرسه جوانان بهائی از ۹ تا ۱۱ آوریل دائر بود و مشاورین محترم دکتر ایرج ایمن و جناب سهراب یوسفیان حضور یافته محصلین را در مطالعه و تحقیق راجع به حقوق بشر و نظم اداری مساعدت و راهنمایی نمودند.

اسامی نمایندگان انجمن شور روحانی در کشور بوتسوانا در رادیو اعلام میشود:

در کشور بوتسوانا، درجنوب آفریقا، نمایندگان منتخبه برای انجمن شور روحانی ملی اسامی خود را که از رادیوی ملی اعلام گردید شنیده و بحضور در انجمن دعوت شدند. از ۹ آوریل تا اوّل ماه می هر روز اسامی سه نفر از نمایندگان در رادیو اعلام شد تا آنکه ۷۶ نفر نمایندگان از ۵۵ حوزه انتخابی خوانده شدند و هر روز اعلامی بزبان محلی وقت و محل و مقصد انجمن شور روحانی ملی را در رادیو اعلام میکرد. در این طرز بیسابقه تبلیغات که انتقاد انجمن شور ملی بهائیان باطلاع عموم رسانده شد دو موضوع اصلی مشورت نیز اعلام گردید یکی آنکه "چگونه پیام بهائی وعده صلح به حد اکثر مردم بوتسوانا ابلاغ گردد". دیگر اینکه "چگونه به جامعه بهائی در هر قریه‌ای برای تأمین احتیاجات روحانی آن مساعدت شود".

بهائیان بزریل پیشنهادهای برای تدوین قانون اساسی جدید میدهنند

درماه آوریل هشت تن بهائیان از نقاط مختلفه کشور با کمک بهائیان برزیلیا موفق شدند مدت چهار روز به ۵۵۹ نفر اعضاء پارلمان و سناتورها که مشغول تنظیم قانون اساسی جدید بودند مجموعه‌ای شامل "وعده صلح جهانی" و اطلاعات لازم راجع با مر و نامه‌ای از

در ایتالیا: بهائیان شهر اسکاندیچی Scandicci گذشته از اولیای امور شهر تقاضا کردند یکی از خیابانهای شهر را اسم جدید "خیابان صلح" بگذارند. انجمن شهر بعد از مشورت این تقاضا را پذیرفت. این امر بهائیان شهر بخصوص خانواده‌ای را که در آن خیابان سکونت دارند بینهایت مسرور نمود.

در گواتمالا: لجنه ملی روابط عمومی در چند ماه اخیر موفقیت کامل در اعلان امرالله حاصل کرده است. در ماه فوریه جرائد معروف با جناب حسن صبری رئیس دفتر توسعه اقتصادی و اجتماعی در مرکز جهانی امر مصاحبه داشتند و راجع با آن مقالات با عکس در روزنامه‌ها درج گردید. همچنین لجنه ملی روابط عمومی با ملکه گواتمالا که به طرفداری از حقوق بشر مشهور و معروف است مصاحبه‌ای ترتیب دادند که در آن ملکه دو عضو محفل ملی را صمیمانه پذیرفت و از "بیانیه صلح" که باو تقدیم گردید تشکر و قدردانی نمود.

در ایالت متحده امریکا: انجمن عدالت بهائی Justice Society ۲۷ Bahá'í تا ۲۹ مارس در جوار مشرق‌الاذکار ویلمت اولین جلسه سالیانه خود را منعقد کرده در محیطی از الفت و مسرت اساسنامه و آئین نامه انجمن را تنظیم کردند و در اول آوریل با تلکس به مرکز جهانی امر اطلاع دادند که هیئت‌های عامله تعیین شده و اعضاء با اشتیاق مشغول تحقیق و تفحص درباره نقشی که انجمن در بسط و توسعه نظم اداری و تحقیق سرنوشت روحانی امریکا و تأسیس عدالت در دنیا ایفا خواهد کرد میباشند.

در فیلیپین: هیئتی مرکب از شش نفر بهائی به ملاقات وزیر دفاع کشور رفته بیانیه صلح بیتل العدل اعظم را باشان تقدیم نمودند.

مراسم افتتاح رادیو بهائی لیبریا در مونرویا Monrovia روز ۲۱ مارچ (عید نوروز) با حضور وزیر اطلاعات و معادن، وزیر پست و تلگراف، و عده‌ای از اولیای امور دولتی و نمایندگان سازمانهای مدنی و تجاری برگزار شد. مراسم با تلاوت ادعیه به زبانهای انگلیسی، فارسی، عربی، و چند زبان محلی شروع شد. رادیو بهائی قادر است صدای خود را به تمام نقاط ساحلی لیبریا و مسافت بعیدی در داخل کشور برساند. نفوosi که سواد خواندن ندارند از شنوندگان آن هستند. بنابراین لازم است برنامه‌های تعلیم و تربیت اجرا نماید. این فرستنده رادیو برنامه خود را براساس اصول بهائی خدمت به نوع بشر قرار داده و نیز وظیفه آگاه کردن عموم مردم را از امر بهائی بعهده میگیرد و به تعکیم و تقویت جوامع بهائی و تفریحات سالم که معرف ارزش‌های فرهنگی مثبت در جوامع شنونده است میپردازد. در مراسم افتتاح رادیو بهائی معاون وزیر پست و تلگراف بنمایندگی دولت در تقدیر و تمجید از جامعه بهائی اظهار داشت: "آنچه مرا تحت تاثیر قرار داده استعداد جامعه بهائی است در حد اکثر استفاده از منابع مادی و انسانی و این چیزی است که ملت ما باید بآن تأسی کند". و اضافه کرد که بهائیان بهتر است این سر را فاش نمایند که فرستنده رادیو کمتر از نیم میلیون دلار خرج برداشته. در پایان گفت: "رادیو بهائی بنظر ما موفقیتی عظیم و موثر در ملت ماست".

طفل پنجساله بهائی معلم خود را تبلیغ میکند
در یکی از شهرهای زئیر دختر پنجساله‌ای را معلم کتک زد. طفل به معلم گفت: "حضرت بهاء الله کتک زدن اطفال را منع فرموده." معلم دست از کتک زدن اطفال برنداشت ولی دختر بهائی از میدان در نرفته باز به معلم گفت: "بشما قول میدهم مادر من تائید کرده است که حضرت بهاء الله کتک زدن

محفل روحانی ملی در بیان همکاری و کمک فکری که امر میتواند در تهیه قانون اساسی جدید بکند، ارائه نمایند. در ماه می بیست پیشنهاد در این مورد بتمام اعضای پارلمان و سناتورها تقدیم گردید. تا نیمه ماه می بیش از صد نفر تلگراف، تلفن، یا کتب از وصول پیشنهادها ابراز تشکر نمودند. یکی از سناتورها بنام Jose Ignacio Ferreira که از مدافعين شجیع بهائیان ستمدیده ایران میباشد بخصوص از چهار پیشنهاد حمایت کرد که یکی از آنها این بود که بزرگیل باید فکر وطن واحد شناختن عالم را ترویج داده برای نظم جهانی جدید پایه و اساسی فراهم نماید.

پیام مهیج بومیان شرکت کننده در کنفرانس نقشه شش ساله کانادا پساحت بیت‌العدل اعظم و امّة‌البهاء حضرت روحیه خانم

در کانادا از تمام محافل روحانی محلی در ایالت ساسکاچون Saskatchewan و مانیتوبا Manitoba و آلبرتا Alberta و ناحیه مکنزی Mackenzie دعوت شد که در کنفرانس مربوط به نقشه شش ساله که از ۱۵ تا ۱۸ ماه می در شهر ساسکاتون منعقد میشد شرکت کنند. مشاورین قاره‌ای، لورتا کینک Dr. King ، دکتر دیوید اسمیت Smith ، چهار عضو هیئت معاونت و اعضای محفل روحانی ملی و لجندهای ملی مهم در این جلسه تاریخی حضور داشتند که در آن برای اولین دفعه محافل روحانی محلی با مقامات بالاتر به مشورت پرداختند. هشتاد چهار محفل که نیمی از تعداد کل محافل روحانی در این ناحیه است محافل بومی میباشند. بومیان شرکت کننده در کنفرانس پیام ذیل را بساحت بیت‌العدل اعظم و به امّة‌البهاء روحیه خانم ارسال داشتند.

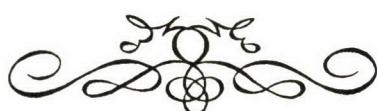
مراسم افتتاح رادیو بهائی لیبریا در افریقا - نوروز ۱۴۴ بدیع

است که آئین بهائی از این جنبه برسمیت شناخته شده. و نیز نماینده محفل در ازدواج بهائی برای اولین دفعه شاهد رسمی ازدواج شناخته شده، جواز قانونی ازدواج صادر میکند.

در فنلاند: یک فرستنده رادیوی ناحیه‌ای برنامه‌ای بمدت ۳۵ دقیقه که توسط یکی از بهائیان تهیه شده بود پخش کرد. مصاحبه با دانشآموzan بهائی و دیگران و موسیقی که توسط یک بهائی اهل فنلاند تنظیم شده از رادیو پخش شد و نیز موسیقی معروف نوازندگان راس گارسیا Russ Garcia و دگ کامرون Doug Cameron نواخته شد. استماع کنندگان این برنامه را هزاران نفر تخمین زده‌اند.

در جامایکا هر روز پنجشنبه یازده شب برنامه بهائی اجرا میشود و تحقیقات لازم نشان میدهد که ۵۵۰۰۰ نفر باین برنامه گوش میدهند که در آن ساعت یکی از بالاترین تعداد شنوندگان است. بهائیان را عقیده بر آنست که این ۱۵ دقیقه برنامه رادیو هزاران نفوس را برای قبول امر الهی حاضر میکند.

در سرحد گویان و سوینام (امریکای مرکزی): از ۲۷ تا ۲۹ مارچ سی و چهارمین اردوی سالیانه سرحدی دائم بود. اردوگاه متعلق به کلیسا است و پیشوای روحانی متصدی آن و بهائیان شرکت کننده را به جهت رفتار و کردار نیکشان مورد تمجید قرار داده به تابعین خود گفت: "گروههایی از مذاهب دیگر را رد کرده اردوگاه را به بهائیان دادم، زیرا نظم و انضباط این عده جوانان و اطفال از نژادهای مختلف قابل تقدیر است".



اطفال را منع فرموده". این جریان سبب شد که معلم برای دختر بهائی احترام قائل شود. یک روز بدختر گفت در غیاب او مواطن کلاس باشد. در مراجعت پرسید کدام یک از شاگردان شیطنت کرده‌اند. دختر جواب داد: "ما نباید از دیگران بد بگوئیم، اگر میخواهید مرا تنبیه کنید." معلم خواست که بداند دختر چه دینی دارد، لذا بدیدن مادرش رفت و امر بهائی را تحقیق نموده بهائی شد.

در پاکستان: لجنه رفاه اجتماعی و لجنه ملی جوانان بهائی به معالجات طبی در جایگاه فقرا در ایالت سیند نزدیک کراچی همت گماشته هر پانزده روز یک مرتبه به محل میروند و با کمک چهار طبیب بهائی و چهار معاون نود الی صد مریض را معاینه میکنند. این خدمات مورد تقدیر مأمور دولتی رفاه اجتماعی واقع شد.

در آلمان: ۲۵ آپریل درختانه انجمن شور روحانی ملی هنگام شب احتفال عمومی با حضور ۷۰۰ نفر که لااقل ۱۵۰ نفرشان غیربهائی بودند در تالار شهر هوفرایم Hofheim منعقد و نایب شهردار در نقط افتتاحیه انتخاب محفل ملی جدید را به بهائیان تبریک گفت و آرزوی موفقیت در اقدامات آتیه محفل ملی نمود. همچنین شهردار لانگهاین Langenhain و بعضی دیگر صحبت کردند و برنامه موسیقی کلاسیک و نمایش رقص باله اجرا گردید و راجع به وضعیت بهائیان ایران مذاکره شد و اسلاید کامل مشرق‌الاذکار هندوستان نشان داده شد.

در کشور گویان: محفل روحانی ملی اخیراً از طرف وزیر دارائی بعنوان یک مؤسسه خیریه مورد تصویب واقع شده است. باین ترتیب تبرعات احباء بصدقه ملی از مالیات بر درآمدشان کسر میشود. محفل ملی خوشحال

اُخْبَارُ مُصْوَرٍ



اعضای محفل روحانی ملی بهائیان زقیر در آفریقا
که در آپریل ۱۹۸۷ انتخاب شده‌اند.



نمایندگان انجمن شور روحانی سال ۱۹۸۷ کانادا
که در پورت استیشن Port Station در
ایالت اونتاریو شرکت نموده‌اند. ایادی ام الله
جناب جان ربارتز و خانم در سمت چپ مرکز
عکس در ردیفهای سوم و چهارم دیده می‌شوند.



دکتر گا اوستیو چیپ Chiepe Botswana (دست چپ) وزیر خارجه بوتوانا Lucretia Mhnc Warren مشاور فارماهی در آفریقا و آقای ضیاء احمدزادگان رئیس روابط عمومی مغفل ملی بوتسوانا ملاقات شدند. عکس فوق که در روزنامه روزانه بوتسوانا در تاریخ ۲۷ زانویه منتشر گردیده وزیر خارجه را درحال دریافت بیانیه صلح بیت العدل اعظم الهی نشان می‌هد.

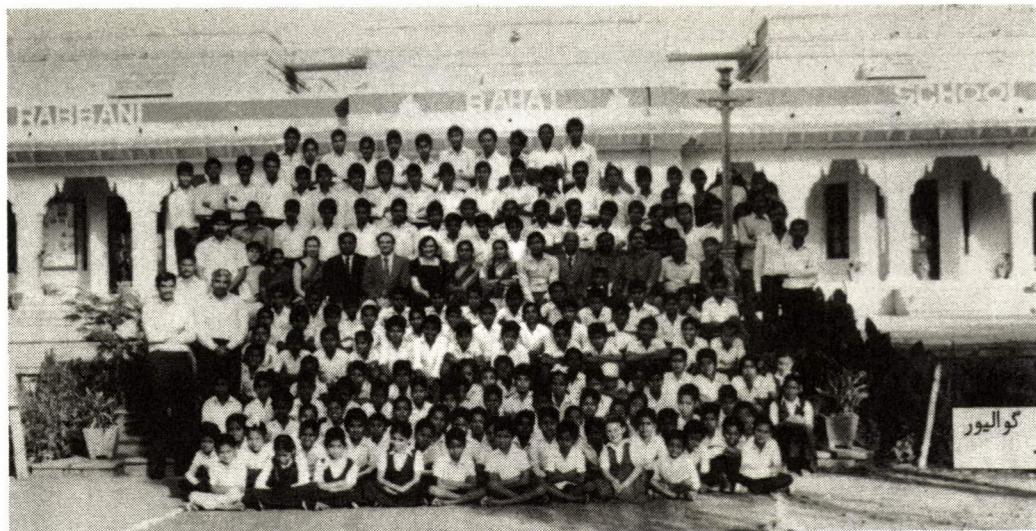


بهائیان هاوانا Havana پایتخت کوبا که برای ملاقات با خانم کارمن دبورا فاتو Burafato (نفر وسط نشسته) عضو مغفل ملی مکزیک و خانم ترزا مک گرگو McGregor عضو هیئت معاونت در مکزیک (نفر دوم نشسته دست چپ) که در ماههای نوامبر و دسامبر ۱۹۸۶ از کوبا که سالها در انزوا بود اجتماع کردند. اخیراً ابلاغ بیانیه صلح بیت العدل اعظم الهی به یک مقام بلندبایه کوبا انجام شده و در برنامه رادیوی دولتی منعکس گردیده است.



کتابخانه و دفتر جدید مغفل ملی بهائیان پاکستان در کراچی که در سال ۱۹۸۷ افتتاح شده است.





محصلین و کارکنان مدرسه ربانی در گوالیور
Gwalior در هندوستان در سال ۱۹۸۲

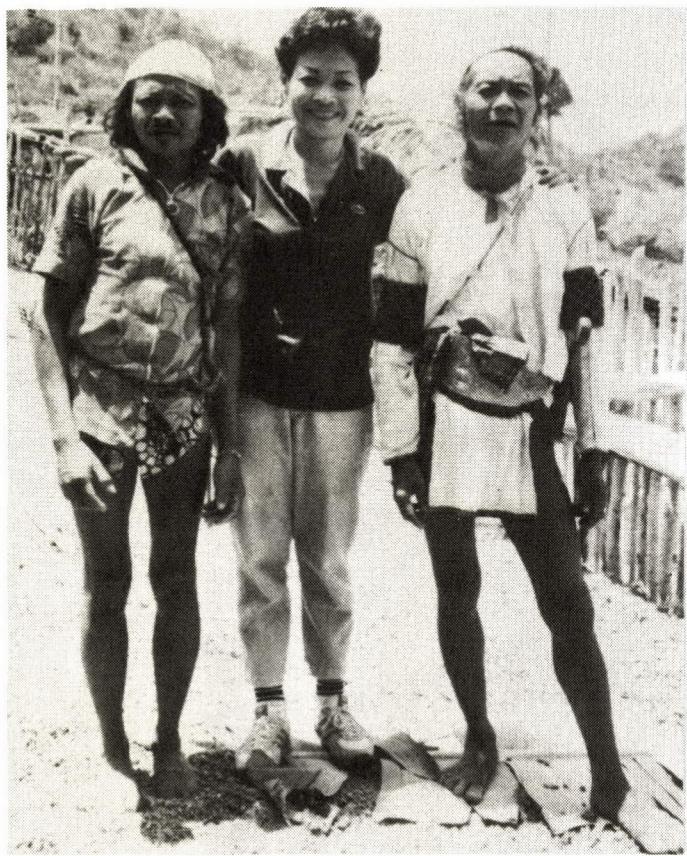


محصلین مدرسه "ربانی" نهال بعضی گیاهان مرتبط به طرح عمران جامعه را بدهکدهای که مربوط به مدرسه ربانی میباشد حمل مینمایند.

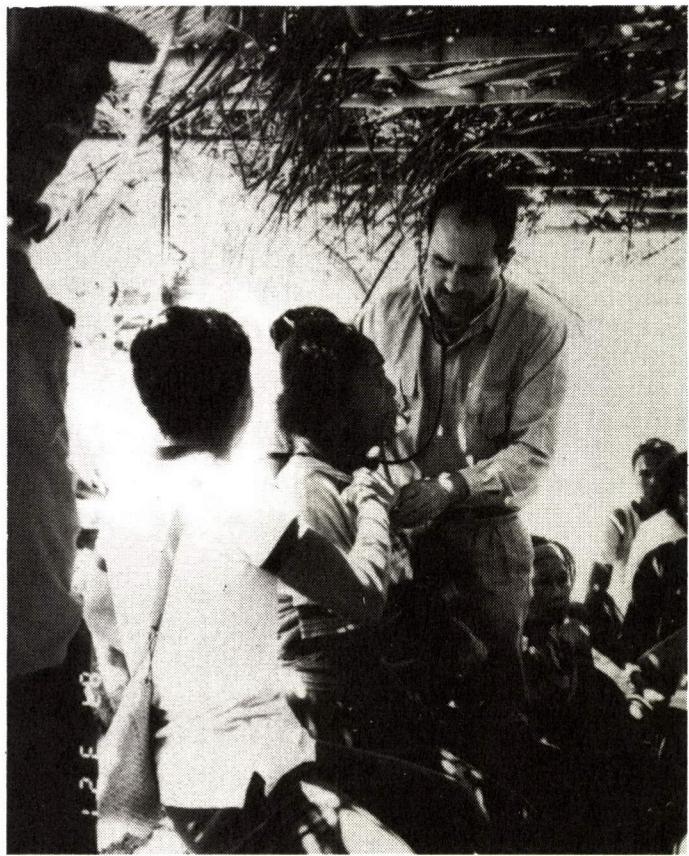


خانم اول گواتمالا، خانم راکوئل دو کرزو
Raquel De Crezo (همسر رئیس جمهور)، نفر
وسط بیانیه صلح بیت العدل اعظم الی را از
نمایندگان معفل ملی بهائیان آن کشور خانم
Robert Porter پورتر پریسا نبیلی و آقای رابت پورتر
دریافت میدارد.





دونفر از بهائیان قدیمی قبیله مانگایان Mangayan باقفاخ خانم فه سامانیکو Mrs. Fe Samaniego منشی محفل روحانی ملی بهائیان فیلیپین در طی یک کنفرانس در نوروز ۱۹۸۷.



آقای دکتر سعید تقیزاده در طی سه روز کلینیک که بوسیله محفل روحانی ملی بهائیان فیلیپین دائم شده بود از یک عضو سالمند قبیله تایی نامیران در نوروز ۱۹۸۷ معاینه میکنند.



مشاور محترم جناب دکتر صابر آفاقی (با لباس سفید) در ملاقات با احباب الهی در کماچی Kohmachi ، در ایالت بلوچستان در پاکستان.

سخن‌خواستگار عزیز و نویسنده‌گان ارجمند

یاران و یاوران باوفا:

نموده‌اند در اختیار یاران بواسطه عنديليب برایگان قرار داده‌اند، لهذا خدماتشان بسیار ارزنده و قابل هزار گونه تقدير است. این هيئت نيز نهايت سپاس و تشکر از آن یاران باوفا داشته و دارد و توقع و انتظارش آنست که اين رشته الفت و ارتباط استعکام پذيرد و آوازه آواي عنديليب در گلستان جهان با انتشار آثار آثار بلندتر گردد.

در این مقام نکته‌ای که ذکرش خالی از فایده نیست آنکه بعضی از نویسنده‌گان بهائی تصور نموده‌اند که تحریرات و مقالات باید با استفاده از لغات مشکله عربی و اصطلاحات و استعارات ادبیانه و صناعات لفظی نگاشته شده باشد تا جای خود را در عنديليب باز کند و حتی این موضوع را با این هيئت درمیان گذارده‌اند. نميدانیم این تصور باطل از کجا منشاء گرفته؟ ابداً اینطور نیست. هر نویسنده روشی مخصوص بخود در نگارش داشته و معانی را با الفاظ مختلفه میپروراند. درست است که نویسنده‌گان بهائی طبق روش متداوله در منشآت خویش لحن الواح مبارکه را که در نهايت حلولت و زیبائی است درنظر میگیرند و بدینوسیله کلام را زیبا و باروح مینمایند، ولی استعمال لغات نامانوس و دور از ذهن که در عالم امر و ادبیات بهائی هرگز مورد استفاده قرار نگرفته چندان خوش‌آیند نیست، همانطور که آثار بعضی از نویسنده‌گان امروزه که مدعی هستند بفارسی سره مینویسند و یا آنانکه با استفاده و استعمال لغات غیر متداول عربی اظهار کمال مینمایند کلامشان نامطبوع و ناپسند است. بالعكس پروراندن معانی عالی در الفاظی متناسب و زیبا ولی ساده و خالی از تکلف خود هنری است بزرگ و پسندیده و چنین کلامی را سهل و ممتنع گویند. با توجه باين گفتار باید دانست که در عنديليب برای تمام مقالات ، بهر سبك نگارش جائي مخصوص وجود دارد و نگرانی در بين نیست.

بطوريكه مستحضرید عنديليب ششمین سال انتشار خود را بتائيد الهی و عنایات و توجهات معهد اعلى و مساعدت مادی و معنوی احبابی عزيز الهی و ياري مستمره ارباب قلم و صاحبان نظر ميگذراند.

در طول اين مدت نامه‌های محبت‌آمیز و تشویقات پی در پی شما عزیزان شادی بخش قلوب اين خادمان بوده و موجب دلگرمی در ادامه خدمت بانجام وظایف روحانی و مجاهدت در پیشبرد اهداف مجله عنديليب شده است.

لهذا وظيفه خود میدانیم که از شما یاران عزیز، محبان عنديليب و همچنین از احبابیکه با اظهار نظرات صائبه و پیشنهادات مفیده ابراز علاقه به پیشرفت و تکامل مجله عنديليب نموده‌اند و نيز از دوستانی که با مذاقه كامل اوراق و سطور مباحث و مطالب مندرجه در عنديليب را مورد مطالعه قرار داده و ما را به اشتباها تايپي متذکر داشته‌اند، و از ياراني که با کمک های كريمانه مالي و يا پرداخت حق اشتراك اضافي بمنظور ارسال مجله برای احبابی کم بضاعت در اطراف و اکناف جهان مساعدتهاي لازم را معمول فرموده‌اند صميماً تشكرو امتیان نمائیم.

ناگفته نماند که آثار قلمی و نوشتجات محققانه دانشمندان ارجمند بهائی منتشره در عنديليب نيز در ارتقاء سطح مجله و ازدياد اعتبار و تکاملش بسيار موثر بوده و در واقع و نفس‌الامر اين نفووس نقيسه عنديليب را از لحاظ نشر معارف امریه ياري کرده و ذخائر علمی و امری را که با عمری رحمت و مرارت تحصیل

مقالات مفیدتر از سایر مسائل بوده و مرجح است.

۲- استناد به آیات و الواح مبارکه:

رسم و روش متداوله نویسندهان بهائي بر اينست که در حين نگارش باقضا مباحث قسمتاهي از نصوص الهيه را مستند و شاهد مقال بمظور اثبات صحت گفتار قرار ميدهند و اين روش بسيار پسندideh و مقبول است ولی باید توجه بفرمایند که الواح مباركه بدون اشتباه نوشته شود و برای سهولت کار استدعا دارد پس از استفاده از الواح و آثار مباركه مآخذ و نام كتاب و صفحه مربوطه برای تطبيق و مقابله با اصل نيز قيد گردد. ضمنا چنانچه استشها به ترجمه بيان مبارک و يا مضمون آنست صريحا اين موضوع را قيد نمایند و بعلوه نصوص را از سایر مطالب مجزا، و يا داخل گيومه بنویسند.

۳- اختصار: از قبل گفته‌اند خيرالكلام

قل و دل. شما ياران حضرت رحمان بخوبی میدانيد که مجله عنديب هر سه ماه يکبار در ۸۰ صفحه منتشر ميشود. اگرچه هيچگاه مายيل نبوده‌ایم که قائل به محدوديت شويم ولی انصاف باید داد که اگر این صفحات محدوده اختصاص به مقالات مطول داده شود حق سایر نویسندهان ضایع میگردد، بناء عليهذا تقاضا دارد آثار قلمي خودتان را طوري تحرير و تنظيم فرمائيد که حدакثر از هشت صفحه تجاوز ننماید و در هشت صفحه با بيان رسا و فشرده بسيار مطالب عالي میتوان نوشت، مضافاً باينکه انتظار داريم که در تحرير مقالات مقدمه زائد بر متن نباشد آنهم در بعضی مواقع غير مرتبط با موضوع، زيرا چنین مقالاتی با وجود ارزش معنوی مطالب، محتاج بالصلاح کلي است تا قابل درج گردد و اين امر ازنظر نویسنده محترم چندان رضایت بخش نخواهد بود. توضیحاً اضافه مینماید که برای مقالات تحقیقی و تخصصی که بدعيت داشته باشند محدوديت صفحات مطرح نیست و چاپ

ياران وفادار و مشتاقان آواي عنديب که در اطراف و اکناف جهان پراکنده و قائم بخدمت امنند هر کدام داراي ذوق و شوقی مخصوص بخود میباشند، لذا مطمئناً تنوع مطالب و مباحث با نگارش سبک های مختلف بيشتر مورد قبول و پسند آنان است.

بهر حال، بدون تردید بنویسید و بفرستید. اگر تاخیر در نشر آن هم شد باز بنویسید. چه بسا که انشاء بعدی زودتر از نوشته قبلی انتشار يابد، البته اين امر مربوط برعيایت حکمت و يا تناسب با موضوعات منتشره است.

در اینمقام در نهايىت خصوص نظر نویسندهان ارجمند و محققان بلندپایه جامعه را بنکات زير معطوف میدارد که هنگام تحرير مورد توجه و عنایت قرار دهند.

۱- موضوع مقالات: مسلماً موضوع مقاله و مبحث منوط به ميل و اراده نویسنده است، بنابراین در انتخاب موضوع، هر نویسنده آزادی كامل داشته وابدا محدوديت در بين نیست، خاصه در مقالات تحقیقی و تخصصی که همواره نه تنها طالب، بل مشتاق وصول چنین مقالات پر ارج و بهائي از محققان گرانمايه جامعه بوده و هستيم. ولی هرگاه منشأت ياران جنبه تحقیقی، تخصصی، و تاریخی نداشته و مباحثی عمومی مطمح نظر نویسنده باشد بهتر است در اين ایام نویسندهان ارجمند جامعه مسائلی را مورد توجه قرار داده و در باره آنها قلمفرسائی نمایند که به پنيه ايماني و رشد روحاني ياران كمک و نصراء امر را در ميادين خدمت تشويق و ترغيب و اهل بها را به وظايفي که در قبال اجرای مصوبات و ارشادات و دستورات و نقشهای بدیعه مقام رفيعالбинيان بيتالعدل اعظم الهی بعهده دارند آگاه سازد، البته در این دوران پرهیجان امتحان و افتتان نگارش اينگونه

جوانان عزیز بهائی: عندلیب مال شما است. هرچه در دل دارید بگوئید و بنویسید. ما آماده‌ایم تا آثار قلمی شما، خدمات امریه شما، و نتایج کارهای معنوی شما را با عکس و تفصیلات منتشر سازیم تا در صفحه گیتی جاودان بماند. نسل حاضر سازنده تاریخ امروز است، وجود عندلیب در این کشور سردسیر فرست گرانبهائی است برای شما نور چشمان عزیز. امروز اگر نگوئید و ننویسید فردا بسیار دیر است. این موقعیت را غنیمت شماید. بدینوسیله پرداخته اطلاعات خود با مطالعه آثار امریه و انشاء مباحث مطالعه شده بیافزایید، تجربه خوبی است برای شما. آزمایش آسان است. خدمات ارزنده خود و سایر جوانان را که در عرصه پنهان‌وار جهان بخدمت قائمند با عکس و تفصیلات مرقوم دارید. اگر فارسی شما خدای ناکرده پس رفته، به انگلیسی بنویسید. مطمئناً اینگونه اقدامات تشویق‌آمیز ایجاد تحرک بیشتر در نسل حاضر، خصوصاً جوانان نموده و تاثیر بسزائی خواهد داشت.

در خاتمه این مقال ذکر این مطلب لازم است که بعضی از دوستان کرارا از تاخیر عندلیب گلایه نموده‌اند. حق هم دارند، عندلیب مجله محبوب آنان است و باید بموقع بدستشان برسد. ولی ما هم مشکلاتی داریم. در بدو امر اشکال کار بسیار بود، بفضل الهی و تأثید سبحانی و یمن همت یاران رحمانی اکثر مشکلات رفع گردیده و تاخیر مجله فعلاً بعلت تغییر سیستم تنظیم مجله و استفاده از ورد پروسسor Word Processor، با بهترین خط موجود چنانکه ملاحظه میفرمائید، میباشد و امیدواریم که این تغییر مورد پسند خوانندگان عزیز واقع گردد. ضمناً مطمئنیم که از نظرات خودتان ما را مستحضر خواهید نمود.

باتقدیم تحيات بهائی
هیئت تحریریه عندلیب

آنها در یک یا دو شماره امکان پذیر میباشد.

۴- تاریخ زرین شهادت: در تنظیم و تحریر شرح حال جانبازان اخیر مهد امرالله، تمدنی داریم قسمت اعظم موضوع اختصاص بخدمات امریه ایشان در دوران اخیر و یا قبل از آن، و شهامتشان در هنگام نزول بلایا داده شود. (تصور نمی‌رود که ذکر امور جزئی و کارهای روزمره چندان درخور توجه بوده و حائز اهمیت باشد)، تا متدرجاً بترتیب در هر شماره دو شرح حال درج گردد. درصورتیکه فرستندگان مایل هستند که نامشان بعنوان نویسنده شرح حال ذکر نگردد، لطفاً مراتب را اعلام فرمایند.

۵- خط نویسی: بعضی از دوستان در نهایت سرعت مقاالتشان را مرقوم میدارند که این سرعت از هر حیث درخور تحسین است، زیرا انشاء بسیار زیبا و مطالب بس عالی است، ولی با مداد کم رنگ، ناخوانا، و یا فتوکپی است و چه بسا بعضی از کلمات آنها پاک شده. مطالعه چنین مقاالتی مستلزم دقت بسیار و وقت زیاد است و گاهی هم موجب ابهام می‌گردد، لذا از نویسنندگان ارجمند تقاضاً داریم آثار قلمی خود را خوش خط و خوانا و درصورت امکان با ماشین تحریر تهیه و ارسال فرمایند تا هنگام مطالعه مشکلی پیش نیاید.

جوانان: بسیاری از نامهای واصله حاکی از این نوید است که جوانان بهائی با نهایت علاقه و اشتیاق مندرجات عندلیب را مورد امعان نظر قرار میدهند، لکن موجب شکفتی است که چرا این جوانان قرن یزدان با آنمه ذوق و شوق و نیرو، برای انشاء قلمی بر صفحه کاغذ نمیگذارند، با وجود آنکه از آغاز کار، عندلیب صفحاتی اختصاص به جوانان داده تا خود مباشر تنظیم و تحریر آن شوند نه آنکه بزرگسالان برایشان بنویسند.

نامه‌های از خواسته‌ان

۱- سرکار خانم وحیده مقربی شرح حال و حیات پرافتخار جناب آقامیرزا محمدخان ثابت مراغه‌ای را که یکی از احباء خدوم و ثابت برمیثاق و پیمان الهی بوده‌اند نگاشته و با عکس جهت درج در عنديپ فرستاده‌اند. از ایشان مشکریم لکن شرح حال آن نفس نفیس قبل در جلد سوم مصابیع هدایت منتشر شده، لذا مطالعه آنرا بیاران رحمانی توصیه مینماییم.

۲- جناب عباس آذرکده ضمن نامه‌ای مضرات اسراف و تبذیر را بیان و جلوگیری از مخارج سرسام‌آور مهمنیها و نامزدیها و عروسیها و تجملات زائده را لازم و ضرور، خصوصاً در این دوران دانسته‌اند.

۳- سرکار خانم باهره نجمی قطعه شعری را که جناب زائر مشرقی مرتجلاً در کنفرانس دهلي سروده ارسال داشته‌اند که دو بیت از آن ذیلاً نقل می‌گردد:

معبدی بس مبارک و میمون
شد مکمل به فضل رب حنون
عاشقان و مهاجران بهاء
جمع گشتند والهان بهاء.

۴- جناب توکلیان مقاله‌ای بنام گل سرخ کرمل نوشته جناب غلامحسین توکلیان، پدرشان را فرستاده‌اند که جنبه ادبی دارد و در آخر مقاله چهار بیت شعر نوشته شده که عیناً ذیلاً درج می‌گردد:

جغدوش در کنج غفلت بینوا خفتن چه سود
طوطی شکرشکن در ساحت گلزار باش
گفته بسیار بی کردار می ناید بکار
سرخوش و سرمست مانند سلیمان خان عشق
در گلستان الهی بر فراز شاخ گل
برهه مستانه زن در کوچه‌وبازار باش
بلبل برگ گلی بگرفته در منقار باش.

۵- جناب دکتر جوانمردی قطعه شعری از یکی از عزیزان زندانی فرستاده‌اند که بیتی از آن ذیلاً درج می‌گردد:

عشق ابهی را بسر حمل بلایا می‌کنم
رو بسوی مظہر حق رب اعلی می‌کنم.

۶- جناب توحید عهدی فرد قطعه شعری بنام طلوع خوشبختی فرستاده‌اند. از همکاری ایشان ممنونیم.

۷- جناب اسدالله رمضانی مقاله‌ای مستند بآیات قرآنیه و احادیث مرویه بعنوان معنی واقعی اسلام نوشته‌اند که در موقع مقتضی قسمتهاشی از آن مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

۸- جناب نوربخش منزوی ضمن تمجید و تعریف از مطالب مجله عنديپ قطعه شعری هم بنام "عشق بها" فرستاده‌اند که مطلع آن چنین است:

من از عشق بها مستم
زمهرش شد دل از دستم
کمر در خدمتش بستم
به یمن عشق تا هستم

عجب شور و شری دارم.

از کلیه یاران رحمانی که با ارسال مقالات و اشعار و نامه‌ای تشویق‌آمیز ما را مرهون الطاف خود نموده‌اند سپاسگزاریم.



‘ANDALÍB

